

خودتان، خودتان را مداوا کنید

(ترجمة أرق نفسك بنفسك)

مؤلف:

خالد الجريسي

ترجمه:

اسحاق دبیری رحمته الله

عنوان کتاب:	خودتان، خودتان را مداوا کنید
عنوان اصلی:	أرق نفسك بنفسك
نویسنده:	خالد الجریسی
مترجم:	اسحاق دبیری
موضوع:	دعا، ذکر و مناجاتنامه
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:	کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

مقدمه‌ی مترجم	۵
نکوداشت مولف	۹
مقدمه‌ی مولف	۱۱
حقیقت چشم زخم و جادو و راه‌های علاج آن‌ها:	۱۹
چشم زخم و راه‌های علاج آن:	۱۹
سحر و جادو و راه‌های علاج آن:	۲۱
آشنایی با رقیه یا تعویذ شرعی	۲۲
اصول کلی تعویذ شرعی:	۲۲
جزئیات لازم برای استفاده‌ی تام و بهتر از رقیه (تعویذ)	۲۳
چند پیشنهاد که نتیجه گرفتن از رقیه (درمان) را تسریع می‌بخشد	۲۴
چگونه از شر حسود، عائن و ساحر در امان بمانیم؟	۳۲
چگونه سنگینی و رنج مصیبت را بر خویشتن هموار کنیم	۳۴
آداب تعویذ شرعی (رقیه) و آنچه در هنگام تعویذ باید رعایت شود	۳۶
فصل اول: تعویذ کوتاه	۳۹
تعویذ کوتاه قرآنی:	۳۹
تعویذ کوتاه از احادیث نبوی:	۴۳
فصل دوم: تعویذ متوسط	۴۹
تعویذ متوسط قرآنی:	۴۹
ادعیه و تعویذ (متوسط) از احادیث نبوی	۷۱

- فصل سوم: تعویذ طولانی (مفصل) ۸۱
- تعویذ طولانی از قرآن ۸۱
- مداوا کردن (مریض) با آب، سدر (درخت کنار)، روغن و عسل ۱۷۱
- شفابخش بودن آب، سدر، روغن و عسل ۱۷۱
- چگونگی مداوا کردن مریض به وسیله آب (پاک) ۱۷۲
- چگونگی مداوا کردن مریض با روغن زیتون و روغن سیاه دانه ۱۷۳
- چگونگی مداوا کردن مریض با عسل ۱۷۴
- آیات پیشنهادی برای نوشتن، یا دمیدن بر آب ۱۷۴
- چگونگی مهیا کردن مرکب پاک (و قابل خوردن) برای نوشتن آیات ۱۷۵
- ادعیه و اذکار یومیه ۱۷۶
- چگونه در طول شبانه روز از گزند شیطان در امان بمانیم ۱۷۷
- اذکار و ادعیه (مسنون در) صبحگاهان و شامگاهان: ۱۷۸
- اذکار و ادعیه مسنون به هنگام خوابیدن ۱۸۶
- اذکار و ادعیه مسنون هنگام دخول و خروج از منزل ۱۸۹
- دعای مسنون قبل از وارد شدن به دستشویی ۱۹۰
- فوائد (بسم الله) گفتن در اول هر کار ۱۹۱
- آشنایی با آسیب‌های ناشی از: جادو، مس و چشم زخم ۱۹۲
- آسیب شناسی جادو، مس و چشم زخم: ۱۹۲
- ۱- حالات و آسیب‌هایی که قبل از تعویذ در بیمار ظهور می‌یابد: ۱۹۳
- ۲- آسیب‌ها و حالاتی که در اثنای تعویذ در بیمار ظهور می‌یابد: ۱۹۶

مقدمه‌ی مترجم

الحمد لله رب العالمين والعاقبه للمتقين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

تعویذ (رقیه) یکی از مسائل مطرح در جوامع اسلامی است که هرچند برخی از قبول آن خودداری کرده‌اند اما بسیاری بدان معتقد بوده و عملاً از آن بهره برده‌اند. البته شاید علت کم‌رنگ بودن این مهم (تعویذ شرعی) در جامعه افراط و تفریط‌های برخی رقا و یا سوء استفاده‌های برخی منحرفان از جمله جادوگران و فالگیران باشد. به هر تقدیر تعویذ شرعی که در چارچوب قرآن و سنت صورت می‌گیرد اشکالی بر آن مترتب نبوده و مورد قبول سلف صالح نیز بوده است.

در کتابی که پیش رو دارید مولف ارجمند آن جناب آقای دکتر الجریس با حوصله و بسیار دقیق سعی کرده آیات قرآن و ادعیه‌ای که در احادیث به اهمیت و کاربرد آن‌ها برای تعویذ شرعی اشاره شده را جمع آوری کند و حسب مورد به ترتیب و تنسيق آن‌ها پردازد. از نقاط قوت این کتاب احادیث نبوی باشد و از چارچوب قرآن و سنت خارج نگردد. البته گاه مولف به اقتباس از استفاده از تعویذ شرعی ارائه داده که این قسمت از دیدگاه‌های او قابل تامل است. تحقیق بیشتری پیرامون این موارد را به خوانندگان واگذار می‌کنیم و خود نیز از اظهار نظر پیرامون آن خودداری می‌کنیم هرچند متذکر می‌شویم که این کتاب با جمله محتویات خود مورد تایید بسیاری از علمای معاصر از جمله علامه شیخ عبداللّه بن عبدالرحمن الجبرین قرار گرفته است. شایان ذکر است ترجمه‌ی آیات قرآن در این کتاب برگرفته از تفسیر نور اثر دکتر مصطفی خرمدل می‌باشد.

از آنجا که در کتاب مورد نظر اصطلاحاتی خاص بکار رفته که معادل دقیق فارسی آنگونه که به تمام و کمال معنای آن را برساند وجود ندارد قبل از مطالعه‌ی کتاب توجه خوانندگان را به برخی از این اصطلاحات جلب می‌کنیم.

۱- رقیه: رقیه از ماده‌ی (رُقِی) گرفته شده است. (رُقِی) یعنی؛ پیشرفت کرد، صعود کرد، ترقی کرد یا ارواح پلید را دور کرد. اما (رقیه) عبارتست از خواندن آیات و ادعیه‌ی مسنون بر مریض به منظور دور کردن ارواح پلید و شیاطین و همچنین جهت التیام بخشیدن به امراض جسمی و روحی بیمار (به اذن و عنایت خداوند). معادل فارسی (رقیه) همانا (تعویذ) است که البته در مفهوم فارسی چندان دقیق نیست، هر چند حتی (تعویذ) نیز در اصل عربی می‌باشد و واژه‌ی دخیل است. راقی: شخصی را که بر مریض تعویذ می‌خواند را گویند چنانکه مریض را که بر او تعویذ خوانده می‌شود را مُرَقِی گویند.^۱

۲- عین: در اصل به معنی چشم است اما علی‌رغم اینکه در لغت دارای معانی بسیاری چون جاسوس، چشمه و غیره می‌باشد اما در اصطلاح به چشم زخم نیز اطلاق می‌شود. در این کتاب عین (چشم زخم) عبارتست از آسیب‌هایی که بر اثر نگاهی که از جانب حسود و غیره با شگفتی به سوی چیزی انجام می‌گیرد حاصل می‌شود. عاین: چشم زخم زنده را گویند و مُعین کسی را گویند که بر اثر چشم زخم آسیب می‌بیند.^۲

۳- (المس) یا (مس الشیطان): مس به معنی لمس کردن است و از آنجا که گاه شیاطین موجبات آزار و اذیت برخی انسان‌ها را فراهم می‌کنند گویند فلانی را شیطان لمس کرده است. گاه بر اینگونه افراد (جن زده) نیز اطلاق می‌شود. گاه

۱- نک؛ ترجمه المنجد (فرهنگ جامع نوین) و مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی. ذیل ماده‌ی (رق ی).

۲- همان، ذیل ماده‌ی (عین).

المس کنایه از جنون می‌باشد. در قرآن کریم آمده است: «مَسَّهُ الشَّيْطَانُ بِنَصْبٍ أَوْ عَذَابٍ» یعنی «شیطان به او رنج و عذاب رسانید.»^۱
به آن امید که روزی فرا رسد که بدعت‌ها از جوامع اسلامی رخت بر بندد و سنت‌های مطهر نبی اکرم ﷺ جایگزین آن گردد.
دهم رمضان المبارک سال ۱۴۲۷ هـ.ق.

۱- همان، ذیل ماده‌ی (مس).

نکوداشت مولف

الحمد لله رب العالمين وصلى الله وسلم على أشرف الأنبياء والمرسلين نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

کتاب برادر ارجمند جناب آقای خالد بن عبدالرحمان الجریسی را که پیرامون موضوع چگونگی تداوی و درمان بوسیله‌ی تعویذ شرعی در چارچوب قرآن و سنت صحیح نبوی نگارش یافته شده را مطالعه نمودم. به تحقیق که مولف بزرگوار در انتخاب ادعیه‌ی ماثور و سودمند و آیات قرآنی مناسب برای موضوع کتاب خود موفق بوده و به خوبی از عهده‌ی این کار برآمده است. بدین ترتیب وجود چنین اثر گرانبهایی این امکان را به هر خداشناس هوشیاری خواهد داد تا بتواند با استفاده از نصوص (قرآن و حدیث) که در این رساله فراهم آمده است به دفع بلا و مصیبت (یا هر چیز ناخوشایندی) از خویش و اهل و عیال خویش همت گمارد. شایسته است انسان مومن این آیات قرآن و ادعیه را (که مولف آن‌ها را به طور مرتب و دقیق در کتاب خویش نگاشته است) همواره ورد خویش سازد و صبحگاهان و شامگاهان به قراءت و تلاوت آن‌ها بپردازد تا همچون پناهگاهی امن وی را از گزند شیطان و دار و دست‌هاش مصون نگه دارد.

خداوند نویسنده‌ی این کتاب (جناب آقای الجریسی) را جزای نیکو عنایت کناد و تلاش و همت او را در این راستا مورد قبول درگاه خویش قرار دهد!

وصلى الله على محمد وآله وصحبه وسلم

دکتر عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین

۱۴۲۵/۱/۲۴ ه.ق.

مقدمه‌ی مولف

الحمد لله الحنان^۱، القدير الرحمن، مالك الملك عظيم الشان، يجيب مصطرا دعاه ويعاني عبدا إبتلاه، نحمده سبحانه على عظيم النعم وجزيل الإحسان ونشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده ورسوله المبعوث رحمة للأنام صلى الله عليه وعلى آله وصحبه السادة الغر الأعلام والتابعين لهم بإحسان.

۱- روایات فراوانی حاکی از آن است که (الحنان) از اسمای باری تعالی است (نک؛ مسند احمد ۱۵۸/۳ و ۲۳۰/۳ و مستدرک الحاکم (۱۷/۱) و غیره. بدیهی است علی رغم وجود این روایات در برخی کتب حدیثی دانشمندان علوم اسلامی در اینکه آیا (الحنان) از اسمای الهی است یا خیر اختلاف کرده‌اند. البته برخی در سند روایات حاکی از وجود اسمی با عنوان (الحنان) برای خداوندگار نیز خدشه‌هایی وارد نموده‌اند که در نتیجه‌ی این اختلاف سه ایده پیرامون (الحنان) بوجود آمده است که آن‌ها عبارتند از:

الف- امامان مالک و خطابی صراحتاً (الحنان) را از اسمای الهی ندانسته‌اند. (نک؛ مجموع الفتاوی (۲۸۵/۱۰) و المعجم المناهی اللفظیه، ص ۲۴۱. گروهی دیگر از دانشمندان نیز همین ایده را پذیرفته‌اند.

ب- امام بیهقی و چندی دیگر از دانشمندان آن را از اسمای باری تعالی دانسته‌اند. (نک؛ الاسماء و الصفات، ص ۷۴-۷۵)

ج- برخی دیگر از علما نیز در این مورد سکوت کرده و قضاوت پیرامون آن را موکول به وجود حدیثی صحیح در مورد آن کرده‌اند. از این جمله می‌توان به گفته‌های شیخ ابن عثمین در (المجموع الثمین، ۵۷/۳-۵۸) اشاره کرد. خداوند به حقیقت امر آگاهتر است.

امروزه برخی مردم تعویذ شرعی را از یاد برده‌اند و کار به جایی رسیده که بسیاری این امر را خرافه^۱ و بی‌اساس می‌دانند. اما شکی نیست که بر هر مسلمان و مومن واقعی مسلم است که تعویذ شرعی از اهمیت فراوانی در اسلام برخوردار است که بوسیله‌ی آن انسان می‌تواند از تمامی امراض جسمی و روحی (به حول و قوه‌ی الهی) رهایی یابد و از منفعت افزون آن برخوردار گردد. در قرآن و سنت صحیحه نصوص فراوانی ذکر شده که بر مشروعیت استشفاء (تداوی) با قرآن و ادعیه و اذکار دلالت می‌کند، از جمله خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ هُوَ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا هُدًى وَّشِفَآءٌ﴾ [فصلت: ۴۴].

«بگو: قرآن برای مومنان مایه‌ی راهنمایی و بهبودی است (و ایشان را از راه‌های گمراهی و سرگستگی می‌رهاند و از بیماری‌های شک و گمان نجات می‌بخشد)». در حدیثی صحیح نیز از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت شده که گفته است: آنگاه که رسول کریم صلی الله علیه و آله (از بیماری روحی یا جسمی) رنج می‌برد جبرئیل علی نبینا وعلیه السلام به نزد او می‌آمد و با خواندن دعای «باسم الله یریک و من کلّ داء یشفیک و من شرّ حاسد، إذا حسد و شرّ کلّ ذی عین»^۲ «به نام خداوندگار، از او می‌خواهم که تو را شفا دهد و از هر بیماری (و بلایی) نجات بخشد و از شر حسود آنگاه که حسد ورزد و از شر هر چشم زخم رساننده‌ای تو را در امان دارد.»

آنگونه که از ظواهر برمی‌آید الرقیه (تعویذ شرعی) دارای مفهومی گسترده است. برای نفع بردن از تعویذ شرعی افراد متفاوتند و هر یک به نوعی از آن فیض می‌برند. به عنوان مثال برخی تنها به سوره‌ای کوتاه چون (الفاتحه یا سوره‌ی حمد) اکتفا می‌کنند و عده‌ای

۱- گویند (خرافه) نام مردی جن زده بوده که هر آنچه را می‌دید نقل می‌کرده و به مرور زمان مردم (به او بدبین شده و هر آنچه می‌گفته را تکذیب می‌کرده‌اند. بعدها (خرافه) بر حدیث و سخن دروغ اطلاق شده است. (نک؛ مختار الصحاح، رازی، ذیل (خ ر ف)).

۲- مسلم (۲۱۸۵) باب الطب و المرض و الرقی.

دیگر سوره‌ای طولانی چون (بقره) را انتخاب می‌کنند، البته عده‌ای نیز به جمع بین سوره قرآن پرداخته از چند سوره‌ی مختلف چون (حمد و معوذتین (فلق و ناس) هماهنگ با هم فیض می‌برند. برخی نیز با انتخاب یک آیه از قرآن چون (آیه الکرسی) برای حصول مقصد خویش از تعویذ شرعی بهره‌مند می‌شوند. ناگفته نماند گروهی (تنها به خواندن آیات یا ادعیه اکتفا نکرده بلکه) معتقدند باید آیه یا دعای ماثور بر آبی خوانده شده و سپس به مریض خورانیده شود و یا بر روغنی خوانده شده و سپس بدن مریض را بدان آغشته سازند و یا بر غسل آن را خوانده و سپس مریض را وادار کنند که آن را بخورد. بی‌تردید تمامی اقسام تعویذ شرعی که در بالا ذکر کردیم از منظر شرع مقدس مباح است که متناسب با حال مریضی که قصد دارد از تعویذ شرعی منتفع گردد باید بدان پرداخته شود تا به نتیجه برسد. البته دلیل ما برای اینکه اینگونه تعویذات را مباح می‌دانیم احادیثی از رسول اکرم ﷺ که فرموده است: «أَعْرَضُوا عَلَي رُقَاكُم، لَا بَأْسَ بِالرَّقِيِّ مَا لَمْ يَكُن فِيهِ شِرْكٌ»^۱ «تعویذهای خویش را بر من عرضه دارید. (بدانید که) مادامی که تعویذ به شرک منجر نشود در آن اشکالی نخواهد بود.» در حدیثی دیگر آن حضرت می‌فرماید: «ما أدري بأساً، مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَنْفَعَ أَخَاهُ فَلْيَنْفَعْهُ»^۲ (رقیه تعویذ شرعی) از نظر من هیچ اشکالی ندارد. هر آنکس که می‌تواند (بدین وسیله) برادر (مسلمانش) را نفعی برساند پس بر اوست که این کار را انجام دهد.

از میان سلف صالح دانشمندانی بوده‌اند که علی‌رغم اینکه نصی اختصاصی پیرامون آیاتی چند از قرآن برای بکار بردن آن‌ها به منظور تعویذ شرعی وارد نشده اما آن بزرگواران از این گونه آیات نیز در تعویذ شرعی بهره برده‌اند. امام ابن‌قیم در کتاب (الطب النبوی) نقل می‌کند که (امام احمد رحمته الله هرگاه اطلاع پیدا می‌کرد که زایمان برای زنی دشوار و سخت شده در کاغذ یا هر شیء پاکیزه‌ای حدیث ابن عباس رضی الله عنهما را (برای

۱- همان (۲۲۰۰) کتاب السلام. راوی این حدیث عوف بن مالک اشجعی است.

۲- همان (۲۱۹۹) کتاب السلام، راوی این حدیث جابر بن عبدالله می‌باشد.

وی) می نوشت. حدیث ابن عباس به شرح ذیل است. «لا إله إلا الله الحليم الكريم، سبحان

الله، وتبارك الله رب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين»

﴿كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَّغٌ﴾ [الأحقاف: ۳۵].

﴿كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا﴾ [النازعات: ۴۶].

«هیچ معبودی جز خداوندگار بردبار و بخشاینده وجود ندارد و او ذاتی است پاک و منزّه که پروردگار عرش عظیم است و (بی تردید) ستایش او را سزااست که پروردگار جهانیان است.»

روزی که ایشان چیزی را مشاهده می کنند که بدیشان وعده داده شده ، انگار که آنان مدتی از یک روز در دنیا مانده اند (و زندگی کرده اند. این قرآن) ابلاغ است و بسنده است.

روزی که آنان برپایی رستاخیز را می بینند (چنین احساس می کنند که درجهان) گویی جز شامگاهی یا چاشتگاهی از آن درنگ نکرده اند و به سر نبرده اند).

البته همین تعویذ را امام احمد برای چندین نفر نوشته (و تجویز کرده) است. ابن قیم رحمته اینگونه تعویذنویس را از گروهی از سلف صالح از جمله ابن تیمیه نیز نقل کرده است.

در این کتاب مجال آن نیست که تمامی مصادیق و مواردی را که در مورد تعویذ شرعی و انواع آن از سلف صالح نقل شده را متذکر شویم و لذا به همین اندک بسنده می کنیم و یادآوری می کنیم که این گونه انتفاع از تعویذ شرعی در واقع اجتهادی بوده که آن بزرگواران انجام داده اند.

(از آنجا که بزرگان سلف در تعویذ شرعی تنها به آیاتی از قرآن که نصوص دال بر اختصاص دادن آن‌ها برای استشفاء (تداوی) از مرض خاص روایت شده اکتفا نکرده اند) نگارنده نیز به تبعیت از آن‌ها به آیات اختصاص داده شده توسط نص برای مرض یا بیماری خاص اکتفا نکردم و آیاتی دیگر که می توان (با توجه به مفهوم و محتوای آن‌ها)

از عوارض روحی و جسمی و ناملایماتی که در نتیجه‌ی سحر، چشم زخم و جنون حاصل از مساس شیطان (جن زدگی) بر انسان عارض می‌شود رهایی یافت را نیز در متن کتاب متذکر شوم.^۱

لازم به ذکر است در انتخاب آیات مذکور خود اجتهاد کرده و البته از تجربه و تخصص برخی افراد مخلص که به تعویذ و تداوی بر اساس آیات و ادعیه‌ی ماثور می‌پردازند (رقاه) نیز بهره برده‌ام.

البته نگارنده به همین ترتیب از تعویذ شرعی برای خود و خویشاوندان خویش استفاده کرده و با فضل و عنایت خداوند عزوجل از آن نتیجه گرفته و منتفع شده‌ام. به این ترتیب از آنجا که این کار را برای خود برادران ایمانی سودمند یا فتح تصمیم گرفتم پیرامون این موضوعی کتابی را تالیف و آیات و ادعیه‌ی منتخب را در آن بگنجانم تا هم خود و هم برادران مسلمانم از آن بهره ببرند.

در کتابی که پیش رو دارید رقیه (تعویذ) به اقتضای حال شخص که از آن بهره می‌برد یا دیگری را بهره‌مند می‌گرداند به سه قسم تقسیم شده است. در قسم اول به ذکر رقیه‌ی محدود و مختصر از قرآن و سنت نبوی پرداخته شده است که از این نوع رقیه (تعویذ) هر کس (حسب نیاز) خود می‌تواند بهره ببرد. البته از آنجا که این نوع تعویذ مختصر و در حد کم‌تر از متوسط است مناسب است که از آن برای کودکان و افراد غیر بالغ بهره گرفته شود تا بر آن‌ها سنگینی ننماید. نوع دوم از رقیه که در این کتاب بدان پرداخته شده تعویذ یا رقیه‌ی متوسط است که چنانچه حال مریض یا استفاده کننده از تعویذ (مرقی) اقتضا کند که وقت بیشتری برای درمان وی مصروف گردد و شخصی که می‌خواهد بیمار را درمان کند (راقی) نیز وقت به اندازه کافی داشته باشد از این نوع تعویذ باید استفاده

۱- از آنجا که حدیث ابن عباس به همراه دو آیه‌ی مذکور در فوق در مجموع یک تعویذ شرعی را تشکیل داده لذا عبارات عربی را پشت سرهم آورده و عبارات فارسی (ترجمه‌ی آن‌ها را نیز) مجزا و بطور متوالی ذکر کرده‌ایم. (مترجم).

شود. این نوع رقیه نیز از قرآن و سنت ثابت شده و چون در حد متوسط است عموم مردم می‌توانند از آن بهره ببرند. نوع سوم تعویذ که شامل تعویذی طولانی از قرآن کریم می‌شود برای درمان بیماری‌های مزمن و لاعلاج کاربرد دارد. این نوع تعویذ زمان زیادی می‌برد و کسانی سابقه‌ی تداوی با رقیه را دارند و قبلاً (شاید بارها) آن را تجربه کرده باشند نیز بهتر است از این نوع رقیه مستفید گردند.

در این کتاب به حقیقت چشم زخم و جادوگری و راه‌های علاج آن‌ها نیز پرداخته شده و در ضمن تعریف رقیه، انواع رقیه و شرایط آن و همچنین شرایط و ضوابط لازم برای انتفاع تام از آن و همین‌طور مواردی که موجب می‌شود شفا و درمان سرعت پذیرد نیز توضیح داده شده است. همچنین در رساله‌ی مورد نظر اسباب و عوامل دهگانه‌ای که فرد می‌تواند بوسیله‌ی آن‌ها از گزند حسود و غیره در امان بماند مطرح گردیده و سپس اموری که چنانچه شخص بیمار یا مبتلا به عوارض جسمی و روحی بدان یقین کند هر آینه مصیبت بر او آسان خواهد شد یادآوری شده است. پس از این مولف ارشادات و راهنمایی‌هایی را جهت انتفاع بیشتر برای راقی و مرقی ارائه داده و در نهایت سه بخش مجزا به کتاب خویش افزوده‌است. این سه بخش عبارتند از بخش اول: راه‌های درمان و تداوی با آب، سدر (درخت کنار)، روغن و عسل.

بخش دوم: اذکاری که شخص مسلمان با خواندن آن‌ها در طول شبانه روز از گزند شیاطین جنی و انسی و مکاید آن‌ها در امان می‌ماند.

بخش سوم: عوارض و پیامدهای حاصل از چشم زخم، جادو و جن زدگی که شخص مبتلا از آن رنج می‌برد.

تمام این مطلب را بدان جهت متذکر شده‌ایم که شخص راقی با بصیرت تمام اقدام کرده احوالات مرقی و شخصی مبتلا را قبل از هر اقدام مدنظر قرار دهد.

ناگفته نماند در کتابی که پیش رو دارید آیات مربوط به رقیه بر اساس موضوع (و سیاق) آیات طبقه بندی و ذکر شده و ترتیب سور مدنظر قرار نگرفته است. همچنین

آیاتی که محتوای آن‌ها حمد و ثنای الهی است پشت سر هم و آیات مربوط به تعویذ و رقیه در مقابل چشم زخم و سحر و غیره نیز به همین ترتیب بطور متوالی ذکر شده تا شخص راقی بهتر بتواند بر درد یا مرض تمرکز کند و همچنین بهتر بتواند این آیات را به حافظه بسپارد و از اینکه هر بار کتاب را پیش رو قرار دهد و از روی آن آیات را بخواند مستغنی گردد.

این کتاب هم بصورت مجلد و صحافی شده چاپ شده و هم با شیرازه‌ی فنری و غیر صحافی شده در اختیار عموم قرار گرفته تا بتوانند راحت تر آن را ورق زده بهره‌ی وافر را از آن ببرند. همچنین این کتاب به صورت کاست‌ها و نوارهای صوتی نیز منتشر شده تا برای بیماران امکان شنیدن و گوش فرادادن به آیات و ادعیه‌ی مورد استفاده در تعویذ بهتر فراهم گردد و کسانی که سواد یا قدرت خواندن آن‌ها را ندارند نیز از آن بی‌بهره نمانند.

بدان امید که خداوندگار سمیع (شنوا) که به همگان (از خود آن‌ها) نزدیک‌تر است این کتاب را برای عموم (مسلمانان) سودمند گرداند.

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله محمد الرحمة المهداه والنعمه المسداه وعلی آله وصحبه
ومن استن بستته واهتدی بهداه إلی یوم الدین.

دکتر خالد بن عبدالرحمن الجریسی

ریاض: ذی قعدة (۱۴۲۴ ه.ق.)

حقیقت چشم زخم و جادو و راه‌های علاج آن‌ها:

چشم زخم و راه‌های علاج آن:

حافظ ابن حجر عسقلانی رحمته الله می‌گوید: چشم زخم (عین) عبارت است از نگریستن با شگفتی به کسی یا چیزی که این نوع نگریستن به علت خبث باطن و پلیدی طبع آمیخته با حسد نیز باشد و موجب زیان رساندن به شخص موردنظر گردد.^۱ در حدیثی صحیح نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد چشم زخم اینگونه توضیح می‌دهد: «العین حق ولو كان شيء سابق القدر سبقته العين وإذا استغسلتم فأغسلوا»^۲ «چشم زخم واقعیت دارد و افسانه نیست و اگر امکان می‌داشت که چیزی بر (قضا و) قدر الهی سبقت گیرد (یا چیره شود) هر آینه چشم زخم بر تقدیر الهی هم پیشی می‌گرفت (ولی این فرضی است محال و همه چیز تحت تقدیر الهی است) و چنانچه (برای تعیین عین و معین) از شما خواسته شد که اعضای از بدن خویش را بشویید پس این کار را بکنید».

۱- نک؛ فتح الباری (۲۱۰/۱۰).

۲- مسلم (۲۱۸۸) کتاب اسلام، باب الطب و المرض و الرقی. راوی حدیث ابن عباس است و امام نووی در شرح آن گفته است؛ در این حدیث به اثبات تقدیر پرداخته شده و بی‌تردید قدر با نص و اجماع اهل سنت به اثبات رسیده است. مفهوم تقدیر (قدر) آن است که تمامی اشیاء تابع قدر الهی است و جز باخواسته و فرمان او واقع نمی‌شود. دانش و علم خداوندی قبلاً تقدیر وی را رقم زده و به این ترتیب هر آنچه از زیان چشم زخم به انسان آسیب می‌رساند نباید تردید کرد و خداوند بر همه چیز آگاهتر است. روایت مذکور را هیشمی از حدیث جابر بن عبدالله برگرفته و روایت کرده و گفته است بزاز نیز آن را نقل کرده است. رجال این حدیث جز طالب بن حبیب بن عمرو رجال کتب صحی (مسلم یا بخاری) هستند و البته طالب هم ثقة است. نک؛ المنهاج، (۳۹۶/۱۴).

همچنین نقل شده که آن حضرت ﷺ فرموده است: «أكثر من يموت من أمتي بعد كتاب الله وقضائه وقدره: بالأنفس» قال الراوي يعني: بالعین. ^۱ «بیشترین عاملی که پس از قضا و قدر الهی و آنچه خداوند مقدر دانسته موجب مرگ اتم می شود همانا چشم زخم است».

وقتی شخصی از چشم زخم آسیب می بیند دو حالت وجود دارد که به شرح ذیل است:

۱- اینکه شخص چشم زخم زننده (عائن) شناخته شده و مشخص باشد که در این صورت برای شخص مُعین (چشم زخم شده) طلب برکت می شود ^۲ یا در مورد او گفته می شود: «ما شاء الله لا قوة إلا بالله». سپس عاین ملزم می شود که دست‌ها، صوت، آرنج‌ها و زانوها و کناره‌های پاها و آنچه از اعضای خود را که شلوار آن را در برگرفته در ظرفی بشوید ^۳ و سپس آب‌های مستعمل که در آن ظرف جمع شده را از پشت بر سر و پشت مُعین بطور یکدفعه می‌ریزند و آنگاه ظرف مذکور را نیز پشت سر شخص مُعین بر زمین می‌افکنند. ^۴

۲- اینکه شخص عائن مجهول و ناشناخته باشد که در این صورت نیز برای مُعین طلب برکت می‌شود (و به او بارک الله و ماشاءالله می‌گویند) و آنگاه از تعویذ برای درمان او کارگرفته می‌شود.

۱- مجمع الزوائد، هیشمی (۱۰۶/۵) ابن حجر اسناد این حدیث را تحسین کرده است. نک؛ فتح الباری (۲۱۴/۱۰)

۲- البته این کار باید پس از اینکه شخص معین از چشم زخم آسیب دید و قبل از اینکه مدتی بگذرد و چشم زخم استحکام یابد باید انجام گیرد. نک؛ الفتح الباری (۲۱۵/۱۰).

۳- مراد از اعضای که شلوار آن را در برگرفته قسمت بالای ران (لمبرین) است. نک؛ الفتح الباری (۲۱۵/۱۰).

۴- نک؛ الفتح الباری (۲۱۴/۱۰).

سحر و جادو و راه‌های علاج آن:

«سحر دارای انواع متفاوت است. سحر در یک معنی به مفهوم زیرکی و باریک بینی است و هر چیز را که ماخذ آن لطیف و دقیق باشد سحر گویند. به عبارتی سحر فسون و جادو است و هرگاه کسی دیگری را بفریبد و یا با خدعه و نیرنگ دل او را بر باید گویند او را سحر کرده است. سحرت الصبی یعنی طفل را گول زدم و فریبش دادم. نوعی دیگر از سحر عبارت است از کاری که هرچند به نظر برخی می‌رسد که آن فعل انجام شده اما در حقیقت انجام نشده است. این گونه سحر را چشم بندی یا شعبده بازی گویند و در آن شخص ساحر هرچند با گول زدن مردم وانمود می‌کند که کاری مهم و مورد توجه را انجام داده اما حقیقت چیز دیگری است. سومین نوع سحر با همکاری شیاطین (و جنیات) و ایجاد رابطه با آن‌ها بوقوع می‌پیوندد. نوع چهارمی نیز برای سحر وجود دارد که طبق آن شخص ساحر ادعا می‌کند میتواند با ستارگان ارتباط برقرار کند یا ارواح برخی از آن‌ها را (به زمین) فرود آورد»^۱.

در حدیثی صحیح آمده است: باری رسول خدا ﷺ سحر شد و در نتیجه به حالتی مبتلا شد که خیال می‌کرد کاری را انجام داده اما در حقیقت آن کار را انجام نداده بود...^۲

اما علاج سحر آن است که چنانچه امکان ابطال سحر باشد آن را باطل کرده و نشانه‌های سحر را در شخص آسیب دیده نابود می‌کنند تا تاثیر سحر نیز (به مرور) از بین برود. اما چنانچه این کار سودمند نیفتاد باید به تعویذ یا رقیه‌ی شرعی متوسل شویم.

۱- نک؛ همان، (۲۳۲/۱۰).

۲- بخاری (۵۷۶۵) کتاب الطب و باب السحر، حدیث ش (۵۷۶۶) و مسلم (۲۱۸۹) کتاب السلام: باب السحر. این حدیث متفق علیه است و راوی آن عایشه‌ی صدیقه می‌باشد.

آشنایی با رقیه یا تعویذ شرعی

رقیه (با ضم راء) به معنی پناهگاه، طلسم و التجاء می‌باشد^۱ و در فارسی آن را تعویذ گویند. به وسیله رقیه انسان مبتلا به عوارض و امراضی چون تب، سردرد و غیره می‌تواند خویشتن را از این مصائب و دردها برهاند.^۲ رقیه (تعویذ) به چهار نوع مختلف تقسیم شده که به شرح ذیل است.^۳ ۱- رقیه (تعویذ) با آیات قرآن و اسمای حسنا و صفات علیای الهی که این نوع از رقیه نه تنها جایز است بلکه مستحب می‌باشد. ۲- نوع دوم رقیه‌ای است که علاوه بر موارد مذکور در مورد اول، اذکار و ادعیه‌ی ماثور نیز بدان افزوده شود که این نیز همان حکم رقیه نوع اول را دارد. ۳- رقیه با اذکار و ادعیه‌ی غیر ماثور که البته مخالف و متعارض با ادعیه‌ی ماثور نباشد که این نوع رقیه نیز جایز است. ۴- چهارمین نوع رقیه (تعویذ) عبارت است از رقیه با چیزهای نامعقول که محتوایی ندارد. تعویذهای عصر جاهلی را می‌توان از این نمونه برشمرد. بدیهی است این نوع از رقیه ناجایز است و ضروری است هر مسلمان از آن اجتناب کند تا به شرک و مقدمات آن منجر نگردد.

اصول کلی تعویذ شرعی:

علمای اسلامی اجماع کرده‌اند که در صورتی که سه شرط در تعویذ تحقق پیدا کند آن تعویذ جایز و مقبول خواهد بود. آن سه شرط عبارتند از؛ ۱- اینکه تعویذ با آیات قرآنی یا با اسماء و صفات باری تعالی صورت گیرد. ۲- اینکه تعویذ با زبان عربی باشد. البته چنانچه با زبانی غیر از عربی نیز انجام گیرد که شخص مرقی (استفاده کننده از تعویذ) بتواند به مفهوم آن پی ببرد اشکالی ندارد. ۳- سومین شرط تعویذ آن است که هر یک از

۱- نک؛ مقایس اللغه، ابن فارس، ذیل ماده‌ی (رقی) (۴۸۰/۱).

۲- نک؛ النهایة، ابن اثیر، ذیل ماده‌ی (رقی) (۲۳۱/۲).

۳- نک؛ الفتح الباری، ابن حجر (۵۳۴/۴-۵۳۵) و (۲۰۷/۱۰).

راقی و مُرقی اعتقاد و ایمان داشته باشند که بی‌تردید رقیه فی نفسه هیچ اثری ندارد و آنچه از آثار و منافع که بوسیله‌ی آن عاید انسان می‌شود از جانب خداوندگار متعال است.^۱

جزئیات لازم برای استفاده‌ی تام و بهتر از رقیه (تعویذ)

چنانچه راقی و مرقی هر دو شرایط ویژگی‌های ذیل را دارا باشند به اذن الهی نفع و سود بیشتری از رقیه خواهند برد. این شرایط عبارتند از؛ ۱- صلاحیت و شایستگی شخص راقی و این یعنی آنکه شخصی که به یاری دیگران می‌پردازد تا بوسیله‌ی رقیه آن‌ها را مساعدت کند شخصی مصلح، نیکوکار و با استقامت باشد. ۲- شناخت رقیه‌ای مناسب از آیات قرآن (که متناسب با حال بیمار و شخص مرقی باشد. ۳- اینکه بیمار مومن، مصلح، نیکوکار و متقی باشد و بر دین الهی استقامت ورزد و در ضمن از گناه، ظلم و دیگر محرمات پرهیز کند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ [الإسراء: ۸۲].

«ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه‌ی بهبودی (دل‌ها از بیماری نادانی و گمراهی و...) و رحمت مومنان (به سبب داشتن ایمان و رهنمودهای پر خیر و برکت یزدان) است ولی بر ستمگران جز زیان نمی‌افزاید».

غالباً رقیه (تعویذ) بر اهل عصیان و منکرات اثری (مثبت) نمی‌گذارد. ۴- اینکه بیمار ایمان جازم داشته باشد بر اینکه قرآن (از جانب خداوند) شفا و رحمت می‌باشد و بی‌تردید در درمان (بیماری‌ها) سودمند است. با تحقیق این شروط و فراهم آمدن آن‌ها

استفاده‌ی تام نیز به اذن و قوه‌ی الهی تحقق می‌یابد. (خداوند بر حقیقت هر چیز آگاه‌تر است).^۱

چند پیشنهاد که نتیجه گرفتن از رقیه (درمان) را تسریع می‌بخشد

چندی از عوامل هستند که چنانچه بیمار بدان التزام داشته باشد به اذن الهی درمان و علاج بیماری خویش بوسیله‌ی رقیه را تسریع خواهد بخشید. آن‌ها عبارتند از؛

۱- پایبندی بر ادای عبادات در سر وقت و شرکت در نمازهای جماعت بویژه نمازهای صبح که رسول خدا ﷺ پیرامون آن فرموده است: «من صَلَّى الصبح فهو في دمية الله»^۲ «هر آنکس که نماز صبح را بخواند در ذمه‌ی الهی خواهد بود (و خداوند خود حفاظت از او را به عهده خواهد گرفت).» همچنین آن حضرت ﷺ فرموده است: «من صَلَّى الصبح في جماعة فكأنما صَلَّى الليل كله»^۳ «هر کس نماز صبح با جماعت بخواند گویی تمام شب را نماز خوانده است.»

۲- اینکه ابتدا شخص بیمار خود از رقیه (تعویذ) شرعی برای علاج بیماری خویش کارگیرد. بدیهی است تعویذ یک شخص بیش از تعویذی که توسط دیگران برای او کار گرفته می‌شود برای او مفید است و بر او اثر می‌گذارد زیرا رقیه دعا است و دعای یک شخص برای خودش بیش از دعای دیگران برای وی مورد قبول (درگاه الهی) قرار می‌گیرد. بخصوص در عصر حاضر که بسیار کم‌اند افرادی مخلص که به تعویذ و رقیه می‌پردازند.

۱- آنچه در خلال متن بدان اشاره گردید در واقع فرازی از نص فتوای حضرت شیخ عبدالله بن جبرین

حفظه الله بود. نک؛ سلسله الفتاوی الشرعية، فتاوی مربوط به رقیه و تعویذ، ص ۸.

۲- مسلم (۶۵۷)، کتاب المساجد، باب فضل صلاة العشاء الصبح في الجماعة. این حدیث را جندب بن عبدالله القسری روایت کرده است.

۳- همان (۶۵۶). این حدیث را عثمان بن عفان ﷺ روایت کرده است.

۳- چنانچه بیمار به علت وخامت احوال خود توانایی رقیه کردن خویش را نداشته باشد یا قبلاً بطور مختصر به رقیه‌ی خویش همت گمارده باشد و اکنون دوست داشته باشد بر آیات و اورادی که برای رقیه‌ی خویش خوانده است بیفزاید ضروری است که رقاتی مخلص که دارای عقایدی راسخ باشند و در میان مردم به صلاح و نیکوکاری شهره باشند را انتخاب کند و شدیداً از دنباله روی ساحرین و شعبده بازان پرهیز کند بی‌تردید خداوندگار (که درد را آفریده) درمان را (نیز) برای بندگان خویش خلق نموده اما بدون شک شفای آنها را در آنچه بر آنان حرام گردانیده قرار نداده است. بنابراین چون سحر و شعبده بازی در شرع مقدس حرام قرار داده شد بی‌تردید درمان و علاجی نیز در آن وجود نخواهد داشت. رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ شِفَاءَكُمْ فِي حَرَامٍ»^۱ خداوند شفا (و درمان) شما را در چیزهای حرام قرار نداده است.

۴- اینکه رقیه (تعویذ) شرعی توسط افرادی نیکو سیرت و پر استقامت در دین که خویشان را از حرام تطهیر نموده صادر شود. ضمن اینکه شخص راقی باید یقین داشته باشد که خداوند است که شفا می‌دهد و شفا دادن تنها در صلاحیت ذات اوست. چنانچه قبلاً نیز متذکر شدیم رقیه از جنس دعاست و زمانی که راقی آیات یا ادعیه‌ای را برای درمان خویش یا دیگری بر او بخواند ضروری است که اعتقاد راسخ داشته باشد که درمان و شفای مریض تنها با خواست الهی انجام می‌گیرد و این یعنی آنکه شخص راقی شفا و علاج را فقط نتیجه‌ی تجربیات و تخصص خویش نپندارد. چنانچه راقی (فریفته‌ی تجربه‌ی خویش گردد یا) در نتیجه دادن و کارآمد بودن رقیه تردید کند نتیجه‌ی مطلوبی از تعویذ (رقیه) نخواهد برد.

۵- اینکه با تاسی از حضرت محمد ﷺ مصرانه و عاجزانه^۲ خواسته‌ی خویش را در محضر الهی مطرح کند و یقین داشته باشد که خداوند دعای وی را اجابت خواهد کرد،

۱- این حدیث را ابن حبان ذیل شماره‌ی (۱۳۹۱) نقل کرده است. راوی این حدیث ام سلمه است.

۲- نک؛ بخاری (۶۳۹۱)، کتاب الدعوات و مسلم (۲۱۸۹)، کتاب السلام، باب السحر.

چرا که خود در کلام جاوید خویش فرموده است: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾ [النمل: ۶۲].

«آیا بت‌ها بهترند) یا کسی که به فریاد در مانده می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می‌کند هرگاه او را به کمک طلبد و شما (انسان‌ها) را جانشین (یکدیگر در) زمین می‌سازد. آیا معبودی با خدا هست؟! واقعاً شما بسیار کم اندرز می‌گیرید.»

همچنین شایسته است دعا و (تعویذ) در اوقاتی خاص که اجابت دعا در آن زودتر و بهتر صورت می‌گیرد انجام گیرد. مناسب‌ترین اوقات برای دعا کردن عبارتند از: ۱- ثلث

اخیر شب^۱ (پس از نیمه شب) ۲- ساعت‌های پایانی روز جمعه^۲ (کمی قبل از غروب آفتاب) ۳- در هنگام سجود^۳ و غیره.

۶- پایبندی بر اینکه کسب (و درآمد) او از راه حلال باشد. رسول کریم ﷺ می‌فرماید: «أَطِيبَ مَطْعَمَكَ تَكُنْ مُسْتَجَابَ الدَّعْوَةِ»^۴ از راه پاک و حلال ارتزاق کن تا دعایت

۱- روایت شده که رسول کریم ﷺ فرموده است: «خداوند متعال هر شب به آسمان دنیا می‌آید و وقتی ثلث اخیر شب فرا می‌رسد ندا می‌کند؛ آیا کسی هست که دعایی کند و من دعایش اجابت نمایم؟ آیا کسی هست که از من مطالبه‌ی چیزی کند و من (مطلوب وی را) به او عطا کنم؟ آیا کسی هست که طلب مغفرت کند تا من گناهان وی را بیاورم؟» نک؛ بخاری (۱۱۴۵)، کتاب التهجید باب الدعاء و الصلاة من آخر الليل و مسلم (۷۵۸)، کتاب صلاة المسافرین و قصرها، باب الترغیب فی الدعاء ... این حدیث متفق علیه است.

۲- نقل شده که رسول خدا ﷺ فرموده است: «در روز جمعه ساعتی وجود دارد که چنانچه بنده‌ی مسلمان در این ساعت (توفیق پیدا کند) در حال نماز باشد و در همان حال از خداوند چیزی را مطالبه کند هر آینه خداوند خواسته‌ی وی اجابت خواهد کرد». بخاری (۹۳۵)، کتاب الجمعة، باب الساعة التي فی يوم الجمعة و مسلم (۸۵۲)، کتاب الجمعة، باب فی الساعة التي فی يوم الجمعة. اینکه در متن اشاره شد که آخرین ساعت روز جمعه که بعد از عصر و کمی قبل از غروب آفتاب می‌باشد از ساعات اختصاص داده شده برای اجابت دعا می‌باشد در واقع راجح‌ترین قولی است که از بسیاری از سلف صالح نقل شده است. اکثر احادیث نیز حاکی از همین قول است. نک؛ زادالمعاد، ابن قیم، (۱/۱۳۱).

۳- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿كَلَّا لَا تُطَعُّهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾ [العلق، ۱۹] «هرگز! هرگز! از او اطاعت مکن و سجده ببر (و بدین وسیله به خدا) نزدیک شو». همچنین نقل شده که رسول خدا ﷺ فرموده است: «انسان مومنوقتی در سجده است در واقع بیش از هر وقت به خداوندگار خویش نزدیک است. لذا در این موقعیت بر دعاهاى خویش بیفزائید (و تا می‌توانید در این حالت دعا کنید». مسلم (۴۸۲)، کتاب الصلاة، باب ما یقال فی الركوع و السجود. راوی این حدیث ابوهریره (رض) می‌باشد.

۴- الاوسط، طبرانی (۲۵۵/۷)، حدیث شماره‌ی (۶۴۹۱). مسلم نیز حدیثی مشابه با آن روایت کرده است.

مستجاب شود (و مستجاب الدعوة گردی). همچنین آن حضرت ﷺ فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا... ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ، أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ: يَا رَبِّ، يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَعُدَّتِي بِالْحَرَامِ فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ؟!». «هان ای مردم! همانا خداوند پاک (و مطهر) است و جز پاکی را نمی پذیرد... سپس آن حضرت ﷺ ادامه داد؛ چه بسا اتفاق می افتد فردی در یک سفر طولانی با موهایی ژولیده و در حالی که غبار سفر بر بدنش هویداست دست‌ها را به سوی آسمان دراز کرد و دعا می کند؛ پروردگارا! پروردگارا! (اما هرچه دعا می کند خداوند دعایش اجابت نمی کند) چنین کسی که از راه حرام ارتزاق نموده و لباس او حرام و غذایی که خورده نیز حرام است چگونه (انتظار دارد) دعایش اجابت شود.»

۷- پایبندی بر تلاوت سوره‌ی مبارکه‌ی بقره. بی تردید این سوره تعویذی عظیم است، چرا که رسول خدا ﷺ می فرماید: «اقروا سورة البقرة؛ فإن أخذها بركة وتركها حسرة ولا تستطيعها البطلة».^۲ «سوره‌ی بقره را تلاوت کنید، همانا (پایبندی به) تلاوت آن برکت و ترک تلاوتش موجب (خسران و) حسرت است. (از جمله ویژگی‌های این سوره آن است که) سحره (جادوگران) در مقابل آن عاجزند (و نمی توانند قدرت نمایی کنند).» از دیگر برکات و فواید این سوره‌ی مبارکه آن است که رسول گرامی اسلام ﷺ فرموده است: «إن الشيطان ينفر من البيت الذي تقرأ فيه سورة البقرة».^۳ «همانا شیطان از خانه‌ای که سوره‌ی بقره در آن تلاوت شود متواری است.» (استفاده بردن از سوره‌ی بقره به عنوان

۱- مسلم (۱۰۱۵)، کتاب الزکاة، باب قبول الصدقة من كسب الطيب وتربيتها. راوی حدیث ابوهریره ﷺ می باشد.

۲- مسلم (۸۰۴) کتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب: فضل قراءة القرآن وسورة البقرة. این حدیث را ابوامامه‌ی باهلی روایت کرده است. البته در متن تنها جزئی از حدیث ذکر شده است.

۳- همان (۷۸۰)، کتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب استحباب صلاة النافلة. راوی حدیث ابوهریره ﷺ می باشد.

یک تعویذ شرعی بسیار آسان است). شخص مریض خود می‌تواند این سوره را بخواند یا (تقاضا کند) شخصی دیگر این سوره را بر او تلاوت کند. همچنین اگر تلاوت این سوره مبارکه بوسیله‌ی ضبط صوت انجام گیرد و در طول هر شب یا روز تلاوت تمام این سوره در خانه طنین انداز شود (بی‌تردید) به اذن الهی عاملی عظیم برای سلامتی و معافات اهل خانواده خواهد بود و (به برکت این سوره) آن خانواده از گزند شیاطین در امان خواهند ماند.^۱

۱- نگارنده طی سالی خدمت علامه ابن جبرین مطرح کردم؛ خانواده‌ای را سراغ دارم که دچار جن زدگی شده و شیاطین آن‌ها را اذیت می‌کنند. شنیده‌ام یکی از بزرگان به این خانواده توصیه کرده است بر تلاوت سوره‌ی بقره مداومت ورزند و همچنین نوارهایی صوتی از تلاوت این سوره را تهیه کرده و بطور مداوم و در طول شبانه روز توسط ضبط صوت تلاوت این سوره مبارکه را در خانه‌ی خویش طنین انداز کنند. جناب عالی پیرامون این مساله چه فتوا می‌دهید؟ در پاسخ این سوال جناب علامه ابن جبرین حفظه الله فرمودند: بدون شک این گونه آزار و اذیتها از جانب شیاطین جنی عاید انسان می‌شود و سردرد و جنون در واقع عقوبت و امتحانی است که از جانب خداوند بر انسان طاری می‌گردد. اینجناب معتمد باید چنین خانواده‌ای به بارگاه الهی توبه کند و از خداوند طلب آمرزش نمایند. ضروری است در چنین موقعیتی این خانواده ذکر الهی را ورد خود سازند و با ادای نمازها و روزه‌های نافله و صدقه دادن و عاری کردن منزل خویش از اسباب و آلات لهو (و لعب) و ماهواره‌ها و دستگاه‌های صوتی و تصویری که مقدمات فتنه و ابتذال را در خانه فراهم کرده و در نهایت منجر به حرام می‌گردد موجبات رهایی خویش را فراهم سازند. همچنین بر آنهاست که بر تلاوت سوره‌ی بقره مداومت ورزند زیرا ساحران (شیطان صفت) یارای مقاومت در برابر این سوره را ندارد و بعلاوه شیاطین نیز از خانه‌ای که در آن سوره‌ی بقره خوانده شود متواری‌اند. بهتر است یکی از اهالی خانه (زن یا مرد) به تلاوت این سوره همت گمارد و در اولین شب تلاوت آن به گونه‌ای پی در پی انجام پذیرد. اگر از ضبط صوت نیز بصورت پی در پی تلاوت این سوره پخش شود و در روز یا شب تلاوت آن ترک نگردد امید آن است که خانواده‌ی مذکور از آنچه بدان مبتلایند رهایی یابند. (و الله اعلم)

۸- ذکر خداوند ﷻ را ورد خویش ساختن، پایبندی به تلاوت قرآن و ملازمت در طلب استغفار ضروری است (شخص مسلمان) اذکار مشروع (و ماثور) را ورد خویش سازد (و از بکاربردن اذکاری که جنبه‌ی شرعی ندارد خودداری کند). در بخش‌های آتی مجموعه‌ای از اذکار مشروع (ماثور) را متذکر خواهیم شد.

۹- نوشیدن و غسل کردن با آبی پاک که تعویذ شرعی بر آن خوانده شده باشد، بخصوص آب زمزم که به تنهایی خود شفای دردهاست.^۱ البته چنانچه بر آب زمزم تعویذ (رقیه‌ی) شرعی خوانده شود بهتر خواهد بود و نتیجه‌ی بهتری نیز در درمان بیماری خواهد داشت.^۲ همچنین اگر برگ سدر (درخت کنار) به آب زمزم یا هر آب پاک که بر آن تعویذ شرعی خوانده شده افزوده گردد یا برگ‌هایی را که آیاتی از قرآن با جوهری پاک (و قابل خوردن) مثل زعفران و غیره بر آن نوشته شده در آب مذکور مخلوط گردد همه و همه با اذن و اراده‌ی الهی نقش بسزایی در درمان و شفای امراض خواهد داشت.^۳

۱۰- خوردن روغن زیتون و آغشته کردن بدن با آن. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «کلوا الزيت وأدهنوا به، فإنه من شجرة مباركة».^۴ «روغن زیتون بخورید و (هر از گاهی) پوست بدن‌های خویش را بدان آغشته سازید، همانا این روغن از درختی مبارک حاصل شده است. در مورد (سیاه دانه) نیز توصیه‌های فوق ارائه شده است.» رسول خدا

۱- نقل شده که رسول خدا ﷺ فرموده است: «إنها مباركة؛ إنها طعام طعم (وشفاء سقم)» «آب زمزم مبارک است. همانا آن طعامی است که سیری می‌آورد (ودوایی است که) شفابخش است». مسلم (۲۴۷۳) کتاب فضائل الصحابة.

۲- هم قرآن شفاست و هم آب زمزم و وقتی شخص راقی بر آب زمزم قرآن بخواند مسلماً بین دو دارو جمع کرده و نتیجه‌ی بهتری از آن خواهد گرفت.

۳- نک؛ المنتقی من فتاوی الفوزان (۱۴۵/۲).

۴- ترمذی (۱۸۵۱) کتاب الاطعمة، باب ما جاء فی اکل الزيت راوی این حدیث عمر ﷺ است. مثل همین حدیث را ترمذی ذیل شماره‌ی (۱۸۵۲) از ابی اسید ساعدی نقل کرده است.

پیرامون این گیاه نیز می‌فرماید: «في الحبة السوداء شفاء من كل داء إلا السام»^۱ «سیاه دانه هر مرضی را جز مرگ دواست». چنانچه بر روغن زیتون و سیاه دانه آیاتی از قرآن نیز خوانده شود بر شفابخشی آن دو خواهد افزود.

۱۱- خوردن عسل. بنا به فرموده‌ی خداوند عسل برای (بیماری‌های) مردم شفاعت و چنانچه آیاتی چند از کلام الهی بر آن خوانده شود بر خاصیت شفابخشی آن خواهد افزود، زیرا در این صورت آیات قرآن و عسل که خداوند تداوی و استشفاء با آن را مشروع قرار داده مجموعه‌ای را تشکیل خواهند داد و مسلماً تاثیر بیشتری در درمان بیماری‌ها خواهند داشت.^۲

۱۲- حجامت کردن در صورت نیاز. در این مورد رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «الشفاء في ثلاثة في شرطه محجم أو شربه عسل أو كيه بنار وأنا إنهي أمتي عن الكي»^۳ (خداوند) شفا را در سه چیز قرار داده است و آن‌ها عبارتند از؛ ۱- شکاف محل حجامت (حجامت کردن) ۲- خوردن عسل ۳- داغ کردن. (اما بدانید) من امتیانم را از (تداوی با) داغ کردن نهی می‌کنم.

۱۳- خوردن هفت خرماي غُجوه (درون چسبیده) به هنگام صبح. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «من تصبح - كل يوم - سبع تمرات عجوه لم يضره في ذلك اليوم سم ولا سحر»^۴.

۱- بخاری (۵۶۸۸)، کتاب الطب، باب الحبة السوداء و مسلم (۲۲۱۵)، کتاب السلام، باب التداوی با الحبة السوداء.

۲- در بخش‌های آتی بطور مجزا و به تفصیل به این بحث پرداخته‌ایم.

۳- بخاری (۵۶۸۱)، کتاب الطب. راوی حدیث ابن عباس رضی الله عنهما می‌باشد.

۴- همان (۵۴۴۵) کتاب الأطعمة، باب العجوة و مسلم (۲۰۴۷)، کتاب الأشربة، باب فضل تمر المدینة. راوی این حدیث در مسلم سعدبن ابی وقاص می‌باشد.

«هر کس صبحگاهان در هر روز هفت خرمای عجوه^۱ بخورد در آن روز هیچ جادو و سُمی نخواهد توانست به وی آسیبی برساند.»

چگونه از شر حسود، عائن و ساحر در امان بمانیم؛

امام ابن قیم رحمته راه‌های در امان ماندن از شر چشم زخم زننده (عائن)، حسد ورزنده و جادوگر (ساحر) را اینگونه معرفی می‌کند.^۲ وی می‌گوید برای اینکه از این طیف از افراد در امان بمانیم باید موارد و افعالی را عملی کنیم. آن‌ها عبارتند از؛

۱- (همواره) از شر آنان به خداوند سبحان پناه ببریم (و اذکار و ادعیه مربوط به این کار را ورد خویش سازیم).^۳

۲- تقوای الهی را پیشه سازیم و با انجام دستورات و ترک منهیات (آنچه ما را نهی فرموده) رضایت او را جلب کنیم. هر آنکس که تقوای الهی را پیشه سازد خداوند خود وی را در امان نگه می‌دارد و کارش به غیر خویش واگذار نمی‌کند.

۳- خویشتن را به زیور صبر در برابر دشمن حسود آراسته سازیم. بی‌تردید هیچ چیز به اندازه صبر در پیروزی بر حسود انسان را کمک نخواهد کرد و سرانجام مکر بُد به شخص مکر کننده منتهی خواهد (و مکر بد او به خودش خواهد رسید).

۴- بر خداوند سبحان توکل کنیم. بی‌تردید آنکس که به خداوندگار با عزت توکل نماید همو کفایت امور او را خواهد کرد. توکل کردن به خداوند از مهمترین و کارآمدترین عواملی است که موجب می‌شود انسان مومن به وسیله‌ی آن آزار و

۱- خرمای عجوه نوعی خرمای مرغوب است که درون آن به هم چسبیده و مترکم است. این نوع خرما در مدینه بسیار است.

۲- نک؛ بدائع الفوائد، ابن قیم (۲/۲۳۸-۲۴۶).

۳- در مباحث آتی اذکار و ادعیه‌ای که به چگونگی پناه بردن به خداوند از شر عاین و غیره اختصاص داده شده را متذکر خواهیم شد.

اذیت‌هایی که از جانب مخلوقات الهی بر او تحمیل می‌شود را (به امید روز عدل و داد) تحمل کند.

۵- (ذهن و) قلب خویش را از تفکر کردن و تخیلات در مورد حسد ورزنده (حاسد) خالی کنیم. شخصی که مورد حسد واقع شده است باید سعی کند هرگاه در مورد شخص حسود چیزی به ذهن او خطور کرد آن را در دم از ذهن خویش برون کند و ضمن اینکه هیچ گونه ترسی از حسود را به دل راه نمی‌دهد به وی عنایتی نیز نداشته باشد.

۶- به خداوند روی آوریم و خالصانه دستورات و فرامین او را به انجام برسانیم. اگر این کار را کردیم در واقع به قلعه‌ای محکم و شکست ناپذیر پناه برده‌ایم که دیگر هیچ خوفی از دشمنان نداشته و از گزند آنان در امان خواهیم ماند.

۷- از گناهان و معاصی در بارگاه الهی اظهار ندامت کرده و توبه کنیم. بدون شک هرگونه اذیت و رنجی که عاید انسان (مسلمان) می‌شود به خاطر گناهان و معاصی است که دانسته یا ندانسته انجام داده است.

۸- در راه خداوند صدقه بدهیم و به دیگران احسان کنیم. صدقه دادن تاثیر بسزایی در دفع بلاهای حاصل از چشم زخم و حسد حسدورزان دارد. نقل شده که رسول کریم ﷺ فرموده است: «داووا مرضاکم بالصدقة»^۱ «بیماران خویش را با صدقه دادن مداوا کنید».

۱- عبارت مذکور جزئی از حدیثی مرسل است که ابوداود آن را در (المراسیل، ص ۱۲۷-۱۲۸) به نقل از حسن بصری آورده است. نص کامل حدیث بدین شرح است: «حصنوا أموالکم بالزکاة وداووا مرضاکم بالصدقة واستقبلوا امواج البلاء بالدعاء». نک؛ السنن الکبری، بیهقی (۳/۳۸۲). بیهقی ضمن اینکه این حدیث را به سلسله‌ای مرفوع از عبدالله بن مسعود روایت کرده گفته است: گفته می‌شود حدیث مذکور از مراسیل حسن بصری می‌باشد. ناگفته نماند این حدیث بصورت مرفوع نیز از ابن عمر رضی الله عنهما و ابی امامه و سمره بن جندب و عباده بن صامت روایت شده اما این حدیث با وجود اینکه به چند طریق به صورت مرفوع روایت شده در زمره‌ی احادیث صحیح قرار ندارد، زیرا گاهی در سلسله‌ی اسناد آن انقطاعی وجود داشته یا شخصی از رجال آن مجهول یا متروک بوده‌اند.

۹- جزای بدی را با نیکی بدهیم و با نیکی کردن و احسان به شخص حسود، مودی و سرکش آتش (کینه و) دشمنی را در او خاموش کنیم. بی تردید احسان کردن به خلق خدا بذر دوستی را در دیگران خواهد کاشت و آتش کینه فروکش خواهد کرد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ [فصلت: ۳۴].

«نیکی و بدی یکسان نیست (هرگز بدی را با بدی و زشتی را با زشتی پاسخ مگوی. بلکه بدی و زشتی دیگران را) با زیباترین طریقه و بهترین شیوه پاسخ بده. نتیجه‌ی این کار، آن خواهد شد که کسی که میان تو و میان او دشمنانگی بوده است به ناگاه همچون دوست صمیمی گردد».

۱۰- توحید را (به عنوان اصل کلی و اساس برای دین خود، سرلوحه‌ی کار خویش قرار دهیم و یقین کنیم که از اسباب جز با اراده‌ی الهی چیزی بر نمی‌آید و اوست که (رب الاسباب است و) تمامی اسباب تحت فرمان و اراده‌ی اویند و نفع و ضرر رسانیدن توسط آن‌ها منوط به اذن و اراده‌ی الهی است. توحید بزرگترین پناهگاه امن الهی است که (به بندگان عرضه شده و) هر کس در آن پناه گیرد همواره در امن و امان خواهد بود.

چگونه سنگینی و رنج مصیبت را بر خوشتن هموار کنیم

(بدون شک در این دنیا هر کس با مصیبتی دست و پنجه نرم می‌کند اما) چه کار کنیم تا سنگینی و رنج مصیبت ما را از پای در نیآورد. بدیهی است تنها در صورتی خواهیم توانست در مقابل مصیبت‌های ناگوار و طاقت فرسا مقاومت کرده آن‌ها را سبک و قابل تحمل تصور کنیم که:

به این ترتیب بهترین سلسله‌ی روایی که این حدیث روایت شده همان سلسله‌ای است که این حدیث بصورت مرسل از حسن بصری نقل شده است.

۱- به قضا و قدر الهی ایمان داشته باشیم و معتقد باشیم هر آنچه از خیر و شر که عایدمان می‌شود از جانب خداوند است. رسول کریم ﷺ می‌فرماید: «لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى يُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ وَأَنَّ مَا أَخْطَاهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ»^۱. «ایمان یک شخص کامل نمی‌شود مگر اینکه به قضا و قدر الهی چه خیر آن و چه شر آن ایمان بیاورد (و این ایمان او به مرحله‌ای برسد) که یقین کند هر آنچه (از نعمت و نعمت و غیره که) عاید او می‌شود طبق تقدیر و اراده‌ی الهی است و اگر چیزی نصب او شده آن را خدا به وی داده و آنچه نصیب او نشده را خداوند برای وی مقدر نکرده است.»

۲- یقین کنیم هر آنچه از رنج و مصیبت که عاید انسان مومن می‌شود در واقع کفاره‌ی گناهان اوست که از جانب خداوند حواله‌ی او شده است. همچنین در چنین مواقعی شخص مسلمان باید دعا کند که آنچه از مصیبت بر او طاری شده از دوستی و محبت خداوند نسبت به او نشأت گرفته باشد (و نه از غضب او). بدیهی است بلا و مصیبت موجب زایل شدن گناهان شخص مبتلا می‌شود (و چنانچه خداوند اراده‌ی زایل شدن گناهان کسی را بکند و به این خاطر او را مبتلا کند در حقیقت خداوند بر او منت گذاشته و به او محبت کرده است). رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ عِظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ عِظَمِ الْبَلَاءِ وَإِنَّ اللَّهَ ذِي أَحَبِّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا وَمَنْ سَخَطَ فَلَهُ السَّخَطُ»^۲. «همانا برای (کسی که) بلاها و مصیبت‌های بزرگ (را تحمل می‌کند) پاداش‌های بزرگ در نظر گرفته شده و چنانچه خداوند قوم یا طائفه‌ای را دوست بدارد آن‌ها را به بلا (و مصیبت) دچار می‌سازد (تا آزمایششان کند و ماجورشان سازد). آنکه در مقابل این مصیبت‌ها صبر پیشه سازد خداوند از وی راضی شده ماجورش می‌کند و آنچه بی‌صبری

۱- ترمذی (۲۱۴۴)، کتاب القدر، باب ما جاء ان الايمان بالقدر خيره و شره. راوی این حدیث جابر بن عبدالله ﷺ می‌باشد.

۲- ترمذی (۲۳۹۶)، کتاب الزهد، باب ما جاء فی الصبر علی البلاء. راوی حدیث انس بن مالک است.

کرده (و به جزع و فرع پردازد) خداوند نیز از او ناخرسند شده (وی را عذاب خواهد کرد).

۳- صبر پیشه کرده با خداوند رابطه (و تعلق) برقرار سازیم و ضمن انتظار فرج از جانب خداوند سبحان به خاطر صبر در مقابل مصیبت از او اجر و پاداش انتظار داشته باشیم. بدون شک این کار از بهترین عبادت‌هاست. همچنین ضمن اینکه در برابر مصیبت و بیماری صبر می‌کنیم باید دعا کنیم تا خداوند ما را رهایی بخشد و عافیت را نصیب ما گرداند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «سلوا الله العافية في الدنيا والآخرة»^۱ «در دنیا و آخرت عافیت را از خداوند مطالبه کنید».

آداب تعویذ شرعی (رقیه) و آنچه در هنگام تعویذ باید رعایت شود

آداب و مواردی که هنگام مستفیذ شدن از تعویذ شرعی باید رعایت شود عبارتند از:

۱- وضو گرفتن راقی و مرقی در صورت امکان و دوری هر دو از حدث اکبر و اصغر.^۲

۲- روی آوردن به سوی قبله در صورت امکان.

۳- لزوم خشوع و تدبر در اثنای تلاوت آیات (و ادعیه) و استحضار عظمت الهی و استعانت از او.

۴- دمیدن (بر مریض) در اثنای قرائت (آیات و ادعیه) و پس از آن. البته اگر این کار ترک شود نیز اشکالی نخواهد داشت.

۵- در صورت امکان بهتر است شخص راقی دست خویش را در اثنای قرائت آیات و.... بر پیشانی یا موضع درد مریض قرار دهد. لازم به ذکر است چنانچه شخص مریض

۱- نک؛ ترمذی (۳۵۹۴)، کتاب الدعوات، باب فی العفو والعافية. این حدیث را ترمذی حسن دانسته است. راوی این حدیث انس بن مالک رضی الله عنه می‌باشد.

۲- در فقه اسلامی جنابت را (حدث اکبر) و بی‌وضویی را (حدث اصغر) گویند. (مترجم)

زنی نامحرم باشد راقی مجاز نیست با دتس موضع درد یا پیشانی را لمس کند مگر اینکه میان دست او و عضو زن حایلی باشد.

۶- همچنین بهتر است هر از گاهی در اثنای رقیه قراءت آیات با صدایی آرام و معتدل در گوش راست یا چپ مریض انجام پذیرد.

۷- چنانچه در خلال تعویذ (رقیه) مشخص شود مریض مورد نظر راقی از برخی آیات بیشتر منتفع می‌شود اشکالی نخواهد داشت که راقی حسب نیاز مریض و ملاحظه‌ی درجه‌ی استجابات، پنج یا هفت بار آن آیات را تکرار کند.

۸- اینکه شخص راقی نیت کند با رقیه (تعویذ) به برادرش نفعی برساند و آرزو کند خداوند برادر مسلمانش را از آن مصیبت‌رهایی بخشد و سختی‌ها را بر وی آسان کند. همچنین بر راقی است که هدایت برادر مسلمانش را از خداوند مطالبه کند، به خصوص که وقتی یقین کند با بیماری جن زده مواجه شده که شیاطین جنی او را از راه بی‌راه کرده‌اند ضروری است مشتاقانه در پی دعوت و ارشاد جنی به تقوی و استقامت بر دین الهی برآید و این مطلبی بسیار مهم است که نباید شخص راقی از آن غافل بماند. بی‌تردید رسالت اساسی که بر عهده‌ی هر مسلمان نهاده شده همانا دعوت به سوی خداوند است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ [یوسف: ۱۰۸].

«بگو این راه من است که من (مردمان را) با آگاهی و بینش به سوی خدا می‌خوانم و پیروان من هم (چنین می‌باشند)».

یک مسلمان در وهله‌ی اول (و قل از هر چیز) یک داعی است و بنابراین شایسته است شخص راقی در حالی رقیه‌ی (تعویذ) خود را آغاز کند در سینه آرزوی هدایت و شفای برادر مسلمانش (مرقی) را دارد. شایسته نیست که راقی به منظور هدایت یا درمان به آزار و اذیت جنی پردازد مگر اینکه ناچار شود و سایر راه‌هایی که برای هدایت او بکار می‌برد کارساز نباشد.

۹- حسب مورد ضروری است شخص راقی افعال و ضمائری را که به کار می‌برد صحیح و مطابق قواعد عربی باشد. به عنوان مثال برای مذکر فعل و ضمیر مذکر و برای مونث فعل و ضمیر مونث بکار ببرد و در ضمائر جمع، تثنیه و مفرد نیز دقت کند.

۱۰- گاه ممکن است رقیه یک هفته کم‌تر یا بیشتر طول بکشد و البته این به حال و موقعیت مریض بستگی دارد و به اقتضای حال وی ادامه خواهد یافت تا به اذن و اراده‌ی الهی به شفای تام و کامل منجر گردد.

۱۱- راقی می‌تواند به اقتضای حال مریض آیات (و ادعیه‌ی) م عینی را انتخاب کند و از رقیه‌های موجز کار گیرد. بدیهی است نوع سوم رقیه (رقیه‌ی مطول) که طولانی و مفصل است و وقت زیادی را نیز مصروف می‌دارد را نمی‌توان در هر جا (به راحتی) به کار برد. انواع رقیه (رقیه‌ی موجز، متوسط و مطول) را انتخاب و یا اگر رقیه‌ای طولانی را برگزیده آن را در چند مرحله انجام دهد و به مریض خود در بین فُرجه و استراحت دهد.

۱۲- راقی مختار است تنها از آیات قرآن برای تعویذ استفاده کند و یا تنها تعویذهای نبوی (که در احادیث بدان اشاره شده) را بکار ببرد اما بهتر است بین این دو جمع کند و از هر دو نوع آن‌ها هماهنگ استفاده ببرد.

۱۳- راقی مجاز است آیات قرآنی را که جهت تعویذ استفاده می‌کند آهسته و یا بلند تلاوت کند اما اگر بلند (جهر) بخواند بهتر است، زیرا در این صورت شخص مرقی (مریض) نیز به آیات گوش فرا دهد و بدین ترتیب بر تاثیر آیات افزوده شده شخص مرقی بهره‌ی بیشتری می‌برد.

در ادامه‌ی بحث در سه فصل مجزا به تفصیل مصادیق انواع رقیه را متذکر خواهیم

شد.

فصل اول: تعویذ کوتاه

تعویذ کوتاه قرآنی:

آیات و تعویذهای کوتاه قرآنی به شرح ذیل است:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ مَلِكِ يَوْمِ
الدِّينِ ﴿٤﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ
عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾﴾ [الفاتحة].

پناه می‌برم به خدا از شر شیطان رانده شده.

۱- به نام خداوند بخشنده مهربان.

۲- ستایش خداوندی را سزا است که پروردگار جهانیان است.

۳- بخشنده‌ی مهربان است.

۴- مالک روز سزا و جزا است.

۵- تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم.

۶- ما را به راه راست راهنمایی فرما.

۷- راه کسانی که بدانان نعمت داده‌ای؛ نه راه آنان که برایشان خشم گرفته‌ای، و نه راه

گمراهان و سرگشتگان.

﴿الْم ﴿١﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِمَّا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ
وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾﴾ [البقرة: ۱-۵].

۱- الف. لام. میم.

۲- این کتابی است که هیچ گمانی در آن نیست و راهنمای پرهیزگاران است.

۳- آن کسانی که به دنیای نادیده باور می‌دارند، و نماز را بگونه‌ی شایسته می‌خوانند، و از آنچه بهره آنان ساخته‌ایم می‌بخشند.

۴- و آن کسانی که باور می‌دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرود آمده است و به روز رستاخیز اطمینان دارند.

۵- این چنین کسانی هدایت و رهنمود خدای خویش را دریافت کرده و حتماً رستگارند.

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

خدایی بجز الله وجود ندارد و او زنده‌ی پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است (و در ملک کائنات، او را انبازی نیست). کیست آنکه در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه او؟ می‌داند آنچه را که او در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آینده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها در پیشگاه علم او یکسان است. مردمان) چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. (علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و بی‌کران او است) فرماندهی و فرمانروایی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست) و وی را درمانده نمی‌سازد و او بلند مرتبه و سترگ است.

﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [آل عمران: ۷۵].

إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا أُكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

[البقرة: ۲۸۴-۲۸۶].

۲۸۴- آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است، از آن خدا است، و (لذا) اگر آنچه را که در دل دارید آشکار سازید یا پنهان دارید، خداوند شما را طبق آن محاسبه می‌کند، سپس هر که را بخواد (و شایستگی داشته باشد) می‌بخشد و هر کس را بخواد (و مستحق باشد) عذاب می‌کند، و خدا بر هر چیزی توانا است.

۲۸۵- فرستاده‌ی (خدا، محمد) معتقد است بدانچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است (و شکی در رسالت آسمانی خود ندارد) و مومنان (نیز) بدان باور دارند. همگی به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های وی و پیغمبرانش ایمان داشته (و می‌گویند): میان هیچ یک از پیغمبران او فرق نمی‌گذاریم (و سرچشمه‌ی رسالت ایشان را یکی می‌داریم). و می‌گویند: (اوامر و نواهی ربانی را توسط محمد) شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهانیم. و بازگشت به سوی تو است.

۲۸۶- خداوند به هیچ کس جز به اندازه‌ی توانائی‌اش تکلیف نمی‌کند (و هیچ گاه بالاتر از میزان قدرت شخص از او وظایف و تکالیف نمی‌خواهد. انسان) هر کار (نیکی که) انجام دهد برای خود انجام داده و هر کار (بدی که) بکند به زیان خود کرده است. پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را (بدان) مگیر (و مورد مواخذه و پرس و جو قرار مده)، پروردگارا! بار سنگین (تکالیف دشوار) را بر (دوش) ما مگذار آن را که یاری آن را نداریم بر ما بار مکن (و ما را به بلاها و محنت‌ها گرفتار مساز) و از ما

درگذر و (قلم عفو بر گناهانمان کش) و ما را ببخشای و به ما رحم فرمای. تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

﴿فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ﴾ [یوسف: ۶۴].

«... و خدا بهترین حافظ و نگهدار است و از همه‌ی مهربانان مهربان‌تر است. (او مرا و فرزند مرا کافی است).»

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾﴾ [الکافرون: ۱-۶].

۱- بگو: ای کافران!

۲- آنچه را که شما (بجز خدا) می‌پرستید من نمی‌پرستم.

۳- و شما نیز نمی‌پرستید آنچه را که من می‌پرستم.

۴- همچینین نه من بگونه‌ی شما پرستش را انجام می‌دهم.

۵- و نه شما بگونه‌ی من پرستش را انجام می‌دهید.

۶- آئین خودتان برای خودتان، و آئین خودم برای خودم!

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾ [الإخلاص: ۱-۴].

۱- بگو: خدا، یگانه‌ی یکتا است.

۲- خدا، سرورِ والای برآورنده‌ی امیدها و برطرف کننده‌ی نیازمندی‌ها است.

۳- نزاده است و زاده نشده است.

۴- و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ اللَّفْقَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾﴾ [الفلق: ۱-۵].

۱- بگو پناه می‌برم به خداوندگار سپیده دم.

- ۲- از شر هر آنچه خداوند آفریده است.
- ۳- و از شر شب بدانگاه که کاملاً فرا می‌رسد (و جهان را به زیر تاریکی خود می‌گیرد).
- ۴- و از شر کسانی که در گره‌ها می‌دهند (و با نیرنگ سازی و حقه بازی خود، اراده‌ها، ایمان‌ها، عقیده‌ها، محبت‌ها، و پیوندها را سست می‌نمایند و فساد و تباهی می‌کنند).
- ۵- و از شر حسود بدانگاه که حسد می‌ورزد.
- ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾﴾ [الناس: ۱-۶].
- ۱- بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردمان
- ۲- به مالک و حاکم (واقعی) مردمان
- ۳- به معبود (به حق) مردمان
- ۴- از شر وسوسه‌گری که واپس می‌رود (اگر برای چیره شدن بر او، از خدا کمک بخواهی و خویشتن را در پناهش داری).
- ۵- وسوسه‌گری است که در سینه‌های مردمان به وسوسه می‌پردازد (و ایشان را به سوی زشتی و گناه و ترک خوبی‌ها و واجبات می‌خواند).
- ۶- (در سینه‌های مردمانی) از جنی‌ها و انسان‌ها.

تعویذ کوتاه از احادیث نبوی:

تعویذهای کوتاه برگرفته از احادیث نبوی به شرح ذیل است:

- ۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَنَّانُ، بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ»^۱.

۱- مسند احمد (۱۵۸/۳) حدیث شماره‌ی (۱۲۶۳۸). راوی این حدیث انس بن مالک رضی الله عنه می‌باشد.

«بار خدایا! (تنها) خواسته‌هایم را نزد تو مطرح می‌کنم، چرا که حمد و ستایش را تنها تو سزایی و جز تو خدایی وجود ندارد تو آن بخشاینده‌ای هستی که آسمان و زمین را پدید آورده‌ای (و همانا) تو صاحب عظمت و بزرگی هستی ای زنده‌ی پاینده».

۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُعَافِيَنِي وَأَنْ تُرَحِّمَنِي وَأَنْ تُرَحِّمَ عَنِّي أَسْرَائِي وَأَنْ تُرَحِّمَ عَنِّي أَسْرَائِي وَأَنْ تُرَحِّمَ عَنِّي أَسْرَائِي وَأَنْ تُرَحِّمَ عَنِّي أَسْرَائِي»^۱

«بار خدایا! (تنها) خواسته‌هایم را نزد تو مطرح می‌کنم. همانا گواهی می‌دهم که بی‌تردید تو آن ذاتی هستی که (معبودی) جز تو وجود ندارد. تو یگانه‌ی برآورنده‌ی امیدها و برطرف کننده‌ی نیازمندی‌ها هستی که نزاده‌ای و زاده نشده‌ای و همتا و همگونی (نیز) نداری».

۳- «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْنَا مِنْهُ نَبِيَّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ نَبِيَّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَعَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»^۲

«بار الهی! هر آنچه از خیر را که نبی (بزرگوارت) محمد ﷺ از حضرتت مطالبه کرده از تو مسالت می‌داریم و از آنچه که نبی تو محمد (مصطفی) ﷺ از شر آن به تو پناه آورده، به درگاه تو پناه می‌جوئیم. و بر انسان‌ها اتمام حجت می‌کنی. (همانا) هر تغییر و تحول و هر نیرو و (حرکتی) تنها از تو نشات می‌گیرد».

۴- «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ هَمَزِهِ وَنَفْخِهِ وَنَفْثِهِ»^۳

۱- همان (۳۵۰/۵) حدیث ش (۲۲۹۶۵) و صحیح ابن حبان (۸۹۱). ابن حبان حدیث مذکور را از بریده ﷺ روایت کرده است.

۲- ترمذی (۳۵۲۱)، کتاب الدعوات. راوی این حدیث ابوامامه ﷺ است و ابوعیسی (ترمذی) حدیث مذکور را (حسن غریب) دانسته است.

۳- ابوداود (۷۷۵)، کتاب الصلاة و ترمذی (۲۴۶)، کتاب الصلاة. راوی این حدیث ابوسعید خدری می‌باشد. ابوداود حدیث مذکور را ذیل شماره‌ی (۷۶۴) از جیب بن مطعم نقل کرده است. ترمذی

«پناه می‌برم به خداوندگار شنوای دنا از (شر) شیطان رانده شده و از (شر) وساوس و کبر و شعر (و سحر) او.»

۵- «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ».^۲

«به نام خداوند آنچه (از ارواح پلید و غیره که) موجبات اذیت و آزار تو (بیمار) را فراهم می‌کنند، از تو دور می‌سازم و از گزند هر نفس (سرکش) یا چشم زخم حسودی می‌رهانمت. (بی‌تردید) این خداست که تو را شفا می‌دهد و من با نام (و یاد) او به مداوایت می‌پردازم.»

۶- «بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ إِسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».^۳

«به نام خداوندگاری که هیچ چیز را در زمین و آسمان یارای ضرر رسانیدن به گوینده‌ی نام او (که نام مبارکش ورد خویش ساخته و کارهایش را به نام او آغاز می‌کند) نیست و او شنوای داناست (کارم را آغاز می‌کنم). این دعا بایستی سه مرتبه خوانده شود.»

۷- «بِسْمِ اللَّهِ يُبْرِيكَ وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وَشَرِّ كُلِّ ذِي عَيْنٍ».^۱

می‌گوید: حدیث روایت شده توسط ابوسعید مشهورترین حدیثی است که در این باب نقل شده است.

۱- در مورد کلمات (همز، نفخ و نفث) باید گفت این کلمات که در مورد شیطان بکار رفته شده مفاهیم گسترده‌ای دارد. (همز) دارای معانی چون اغواء، تحریک، وسوسه و بدگویی و غیره می‌باشد و (نفخ) به معنی دمیدن، غرور، خودبینی و فخر می‌باشد (نفث) نیز دارای معانی چون سحر، آب دهان، نفس، شعر و غیره می‌باشد که ما به اقتباس از المنجد معانی مذکور در متن را در ترجمه‌ی این پذیرفتیم. (نک؛ ترجمه‌ی المنجد، ذیل واژه‌ی (نفث). (مترجم)

۲- مسلم (۲۱۸۶)، کتاب السلام، باب الطب و المرض و الرقی. راوی حدیث ابوسعید خدری می‌باشد.

۳- ابوداود (۵۰۸۸)، کتاب الادب، راوی این حدیث عثمان بن عفان رضی الله عنه می‌باشد.

«با نام و یاد خداوند از او می‌خواهم که تو را (از آنچه بدان مبتلایی) رهایی بخشد و از هر در دو بلایی شفا داده از شر هر حسودی آنگاه که حسد ورزد و شر هر چشم زخم زنده ای در امان بدارد».

۸- «بِسْمِ اللَّهِ (ثَلَاثًا)، أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجْدُ أَحَازِرُ».^۲

«به نام خداوند، پناه می‌برم به خدا و قدرت (لایزالش) از گزند آنچه (هم اکنون) با آن مواجه هستم و آنچه ترس دارم (بدان مبتلا گردم)».

در این تعویذ باید سه مرتبه (بسم الله) و هفت مرتبه باقی دعا تکرار شود.

۹- «أَذْهِبِ الْبَأْسَ، رَبِّ النَّاسِ، وَأَشْفِ أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاءُكَ شِفَاءً لَا يَغَادُرُ

سَقَمًا».^۳

«ای پروردگار انسان‌ها! (هرگونه) زیان و ترس را زایل فرما و شفا (ی عاجل) عنایت کن که همانا تو (تنها) شفا دهنده هستی و جز شفای تو که تمامی بیماری‌ها را درمان می‌بخشد شفایی وجود ندارد».

۱۰- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ* مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَأَمَّةٍ»^۱

۱- مسلم (۲۱۸۵)، کتاب السلام، باب الطب والمرض والرقی. عایشه صدیقه رضی الله عنها این حدیث را روایت کرده است.

۲- همان (۲۲۰۲)، کتاب السلام، باب استحباب وضع یدیه علی موضع الالم.... راوی این حدیث عثمان بن ابی العاص ثقفی رضی الله عنه است. البته ترمذی این حدیث با الفاظی مختلف به شرح ذیل روایت کرده است. «أعوذ بعزة الله وقدرته....» ترمذی (۳۵۸۸). راوی حدیث ترمذی انس رضی الله عنه می‌باشد.

۳- بخاری (۵۶۷۵) باب دعاء العائد للمریض و مسلم (۲۱۹۱)، کتاب السلام، باب الاستحباب رقیة المریض. راوی حدیث عایشه صدیقه رضی الله عنها می‌باشد.

* در مورد مفهوم عبارت «کلمات التامة» اقوال مختلفی از محدثین نقل شده است. برخی گفته‌اند مراد مطلق کلام الهی است و برخی گفته‌اند مراد وعده‌ای است که خداوند در آیه ﴿وَوَعَدْتُمْ كَلِمَةً رَبِّكَ

«پناه می‌برم به کلمات تامه‌ی الهی از گزند شیطان و هر جنبنده‌ی مضر (و زیان دهنده‌ای) و هر (کسی که دارای) چشم بدی^۲ (باشد)».

۱۱- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»^۳

«از گزند مخلوقات خداوند به کلمات تامه‌ی او پناه می‌برم».

۱۲- «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيكَ»^۴

«از خداوند بزرگ که پروردگار عرش عظیم است می‌خواهم که تو (بیمار) را شفا دهد». این دعا باید هفت بار خوانده شود.

۱۳- «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ

حَمِيدٌ مُجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ»^۵.

أَلْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿ داده است و مراد از این وعده ﴿وَوَرِيْدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ﴾ است و غیره. (نک؛ فتح الباری، ابن حجر). (مترجم)

۱- بخاری (۳۳۷۱)، کتاب احادیث الانبیاء، باب (۱۰). راوی این حدیث ابن عباس رضی الله عنهما است.

۲- گروهی از افراد هستند که چشم بد هستند و یا به عبارت مصطلح در خراسان چشمانی شور دارند. این افراد وقتی با شگفتی به چیزی بنگرند به آن چیز آسیب می‌رسانند و یا به تعبیری آن را چشم زخم می‌زنند. (مترجم)

۳- نک؛ مسلم (۲۷۰۸)، کتاب الذکر و الدعاء، باب فی التعوذ راوی حدیث خولة بنت حکیم السلمیة رضی الله عنها است.

۴- ابوداود (۳۱۰۶)، کتاب الجنائز، باب الدعاء للمریض ... و ترمذی (۲۰۸۳)، کتاب الطب، باب ما یقول عند عیادة المریض. راوی حدیث ابن عباس است و ترمذی این حدیث را (حسن غریب) دانسته است.

۵- بخاری (۳۳۷۰)، باب (۱۰) و مسلم (۴۰۶)، کتاب الصلاة. راوی کعب بن عجره است.

«بار خدایا! بر محمد و آل محمد درو فرست آنگونه که بر ابراهیم و آل او درود فرستادی. همانا تو (خداوندگار) ستوده و عالی مرتبه هستی، بار خدایا! محمد و آل محمد را بزرگی و کرامت عنایت کن آنگونه که در میان جهانیان ابراهیم و آل ابراهیم را (برکت و بزرگی) عنایت فرمودی. همانا تو (پروردگار) ستوده و عالی مقام هستی.»

فصل دوم: تعویذ متوسط

تعویذ متوسط قرآنی:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ مَلِكِ يَوْمِ
الدِّينِ ﴿٤﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ
عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾﴾ [الفاتحة].

پناه می‌برم به خداوند از شر شیطان رانده شده.

۱- به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان.

۲- ستایش خداوندی را سزااست که پروردگار جهانیان است.

۳- بخشنده‌ی مهربان است.

۴- مالک روز سزا و جزا است.

۵- تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم.

۶- ما را به راه راست راهنمایی فرما.

۷- راه کسانی که بدانان نعمت داده‌ای؛ نه راه آنان که برایشان خشم گرفته‌ای، و نه راه

گمراهان و سرگشتگان.

﴿الْم ﴿١﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِمَّا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ
وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ
كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى
سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾﴾ [البقرة: ۱-۷].

۱- الف. لام. میم.

۲- این کتابی است که هیچ گمانی در آن نیست و راهنمای پرهیزگاران است.

۳- آن کسانی که به دنیای نادیده باور می‌دارند، و نماز را بگونه‌ی شایسته می‌خوانند، و از آنچه بهره‌ی آنان ساخته‌ایم می‌بخشند.

۴- و آن کسانی که باور می‌دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرو آمده، و به روز رستاخیز اطمینان دارند.

۵- این چنین کسانی، هدایت و رهنمود خدای خویش را دریافت کرده و حتماً رستگارند.

۶- بی‌گمان کفر پیشگان برایشان یکسان است. چه آنان را بیم دهی و چه بیم ندهی، ایمان نمی‌آورند.

۷- خداوند دل‌ها و گوش‌هایشان را مسهر زده است، و بر چشمانشان پرده‌ای است و عذاب بزرگی در انتظارشان است.

﴿بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ﴾ [البقرة: ۱۱۷].
«هستی بخشی آسمان‌ها و زمین، او است. و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها بدو می‌گوید: باش! پس می‌شود.»

﴿فَإِنِ ءَامَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنْتُمْ بِهِ ۖ فَقَدِ أُهْتَدُوا ۖ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ ۖ فَسَيَكْفِيكَهُمُ ٱللَّهُ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ﴾ [البقرة: ۱۳۷].

«اگر آنان ایمان بیاورند، همچنان که شما ایمان آورده‌اید، و بدان چیزهایی که شما ایمان دارید، ایشان نیز ایمان داشته باشند، بی‌گمان (به راه درست خدایی) رهنمود گشته‌اند، و اگر پشت کنند (و از حقیقت سرپیچی نمایند و دوباره به رسوم و آداب موروثی چنگ بزنند) پس راه اختلاف و دشمنانگی را (با شما) در پیش گرفته‌اند، و خدا تو را بسنده خواهد بود و او تو را از (اذیت و آزار و نیرنگ و دسیسه‌های) ایشان نجات خواهد داد، و او شنوا و بینا است (و گفتار ایشان را می‌شنود و کردار آنان را می‌بیند)».

﴿وَٱللَّهُ كُنتُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۗ لَّا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحْمَنُ ٱلرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ۱۶۳].
«وَاحْتَلَفَ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱلْفُلْكِ ٱلَّتِي تَجْرِي فِي ٱلْبَحْرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ وَمَا أَنزَلَ ٱللَّهُ مِن

السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ
وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۱۶۳﴾ [البقرة: ۱۶۳-۱۶۴].

۱۶۳- خداوند شما، خداوند یکتا و یگانه است و هیچ خدایی جزا و که رحمان و رحیم است وجود ندارد.

۱۶۴- مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز (و اختلاف آن دو در درازی و کوتاهی و منافع بی‌شمار آن‌ها) و کشتی‌هایی که به سود مردم در دریا در حرکتند (و برابر قانون وزن مخصوص اجسام و سرشت آب و باد و بخار و برق، و غیره که از ساخته‌های پروردگارند در جریانند) و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده (که برابر قوانین منظمی بخارها به ابرها تبدیل و بر پشت بادها به جاهایی که خدا خواسته باشد رهسپار می‌گردند و پس از تلقیح، به صورت برف و تگرگ و باران مجدداً بر زمین فرو می‌ریزند) و با آن زمین را پس از مرگش زنده ساخته و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که در میان آسمان و زمین معلق می‌باشند (و برابر قوانین و ضوابط ویژه‌ای در پهنه‌ی فضا پراکنده نمی‌گردند و هدر نمی‌روند)، بی‌گمان نشانه‌هایی (برای پی بردن به ذات پاک پروردگار و یگانگی خداوندگار) است برای مردمی که تعقل ورزند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفْعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۱۶۴﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿۱۶۵﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۶۶﴾ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَآؤُهُمْ

الظُّعُوثُ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ التُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾
[البقرة: ۲۵۴-۲۵۷].

۲۵۴- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (برخی) از آنچه بهره‌ی شما کرده‌ایم (در راه خدا) صرف کنیم، پیش از آنکه روزی فرا رسید که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی و نه میانجیگری و شفاعتی است و کافران ستمگرند (و به خود و جامعه خود ظلم می‌کنند).

۲۵۵- خدایی به جز الله وجود ندارد و او زنده‌ی پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد. از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است. کیست آنکه در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه‌ی او؟ می‌داند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است. چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. فرماندهی و فرمانروایی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلندمرتبه و سترگ است.

۲۵۶- اجبار و اکراهی در (قبول) دین نیست، چرا که هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است، بنابراین کسی که از طاغوت نافرمانی کند و به خدا ایمان آورد، به محکم‌ترین دستاویز در آویخته است و اصلاً گسستن ندارد. و خداوند شنوا و دانا است.

۲۵۷- خداوند متولی و عهده دار (امور) کسانی است که ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریکی‌های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می‌آورد و به سوی نور رهنمون می‌شود. و اما کسانی که کفر ورزیده‌اند، طاغوت متولی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و قطرات پاک) بیرون آورده و به سوی تاریکی‌های (زمخت کفر و فساد) می‌کشانند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدانه می‌مانند.

﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَعْفُرْ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۸۴﴾ ؕ ءَأَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَأَمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ ۚ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿۲۸۵﴾ ؕ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا أُكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ ۚ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۚ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْمِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۚ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۲۸۶﴾ ؕ

[البقرة: ۲۸۴-۲۸۶].

۲۸۴- آنچه در آسمان‌ها است و آنچه در زمین است، از آن خدا است، و (لذا) اگر آنچه را که در دل دارید آشکار سازید یا پنهان دارید، خداوند شما را طبق آن محاسبه می‌کند، سپس هر که را بخواهد می‌بخشد و هر کس را بخواهد عذاب می‌کند، و خدا بر هر چیزی توانا است.

۲۸۵- فرستاده‌ی (خدا، محمد) معتقد است بدانچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است و مومنان بدان باور دارند. همگی به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های وی و پیغمبرانش ایمان داشته (و می‌گویند) میان هیچ یک از پیغمبران او فرق نمی‌گذاریم و می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهیم، و بازگشت به سوی تو است.

۲۸۶- خداوند به هیچ کس جز به اندازه‌ی توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. هر کار (نیکی که) انجام دهد برای خود انجام داده و هر کار (بدی که) بکند به زیان خود کرده است. پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را مگیر، پروردگارا! بار سنگین را بر دوش ما مگذار آن چنان که بر دوش کسانی که پیش از ما بودند گذاشتی. پروردگارا! آنچه را که یارای آن را نداریم بر ما بار مکن و از ما درگذر و ما را ببخشای و به ما رحم فرمای. تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

﴿الْم ۱﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿۱﴾ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿۲﴾ مِنْ قَبْلُ هَدَى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿۳﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿۴﴾ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۵﴾ [آل عمران: ۱-۶].

۱- الف. لام. میم.

۲- جز خدا، خدایی نیست و او زنده و متصرف (جهان) است.

۳- کتاب را بر تو نازل کرده است که مشتمل بر حق است، تصدیق کننده‌ی کتاب‌هایی است که قبل از آن بوده‌اند. و خداوند پیش از آن تورات و انجیل را (بر موسی و عیسی) نازل کرده است.

۴- پیش از (قرآن، تورات و انجیل را نازل کرده است) جهت رهنمون مردمان، چون خدا سازنده حق از باطل (قرآن) را فرو فرستاده است. بی‌گمان کسانی که نسبت به آیات خدا کفر ورزند، عذاب سختی دارند، و خداوند توانا و انتقام گیرنده است.

۵- شکی نیست که هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر خدا پنهان نمی‌ماند.

۶- او است که شکار را در رحم‌های (مادران) هر آنگونه که بخواهد شکی می‌بخشد،

جز او خدایی نیست، عزیز و حکیم است.

﴿شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱۸﴾﴾ [آل عمران: ۱۸].

۱۸- خداوند گواهی می‌دهد اینکه معبودی جز او نیست، و اینکه او دادگری می‌کند، و فرشتگان و صاحبان دانش گواهی می‌دهند جز او معبودی نیست که هم توانا است و هم حکیم.

﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُوتِي الْمَلِكَ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۳۶﴾﴾ [آل عمران: ۲۶].

«بگو: پروردگارا! ای همه چیز از آن تو! تو هر که را بخواهی حکومت و دارایی می‌بخشی و از هر که بخواهی حکومت و دارایی را باز پس می‌گیری، و هر کسی را بخواهی عزت و قدرت می‌دهی و هر کسی را بخواهی خوار می‌داری، خوبی در دست تو است و بی‌گمان تو بر هر چیزی توانایی.»

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ ﴿۸۵﴾﴾
[آل عمران: ۸۵].

«و کسی که غیر از اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زمره‌ی زیانکاران خواهد بود.»

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ يُعْشَىٰ لَيْلَ النَّهَارِ يَطْلُبُهُ حَيْثُهَا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۵۴﴾ اَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۵۵﴾ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا ۚ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۵۶﴾﴾ [الأعراف: ۵۴-۵۶].

۵۴- پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش دوره بیافرید، سپس به اداره‌ی جهان هستی پرداخت. با شب، روز را می‌پوشاند و شب شتابان به دنبال روز روان است. خورشید و ماه و ستارگان را بیافریده است و جملگی مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که تنها او می‌آفریند و تنها او فرمان می‌دهد. بزرگوار و جاویدان و دارای خیرات فراوان، خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

۵۵- پروردگار خود را فروتنانه و پنهانی؟؟؟ بخواهید او تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.

۵۶- در زمین بعد از اصلاح آن فساد و تباهی مکنید. و خدا را بیمناکانه و امیدوارانه بفریاد خوانید؛ بی‌گمان رحمت یزدان به نیکوکاران نزدیک است.

﴿وَذَا التُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغْلَبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۸۷﴾﴾ [الأنبياء: ۸۷].

۸۷- ذوالنون را در آن هنگام که خشمناک بیرون رفت و گمان برد که بر او سخت و گران نمی‌گیریم در میان تاریکی‌ها فریاد برآورد که پروردگاری جز تو نیست و تو پاک و منزهی. من از جمله ستمکاران شده‌ام (مرا دریاب).

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليُّ مِّنَ الدُّنْيَا وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا ﴿۱۱۱﴾﴾ [الإسراء: ۱۱۱].

۱۱۱- بگو: حمد و سپاس خداوندی را سزا است که برای خود فرزندی برنگزیده است و در فرمانروایی و مالکیت (جهان) انبازی انتخاب ننموده است و یاوری بخاطر ناتوانی نداشته است. بنابراین او را چنانکه باید به عظمت؟؟؟؟

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعْفُوا وَأَصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۰۹﴾﴾ [البقرة: ۱۰۹].

۱۰۹- بسیاری از اهل کتاب، از روی رشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است، آرزو دارند اگر بشود شما را بعد از پذیرش ایمان بازگردانند با اینکه حقانیت (اسلام) برایشان کاملاً روشن گشته است. پس گذشت نمایید و چشم پوشی کنید تا خدا فرمان دهد. بی‌گمان خداوند بر هر چیزی توانا است.

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴿۵۴﴾﴾ [النساء: ۵۴].

۵۴- آیا آنان بر چیزی حسد می‌برند که خداوند از روی فضل و رحمت خود به مردم داده است؟ ما که به آل ابراهیم کتاب و پیغمبری و پادشاهی عظیمی دادیم (یوسف در مصر، داود و سلیمان در شام).

﴿وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [یونس: ۱۰۷].

۱۰۷- اگر خداوند زیانی به تو برساند، هیچ کسی جز او نمی‌تواند آن را برطرف گرداند، و اگر بخواهد خیری به تو برساند، هیچ کسی نمی‌تواند فضل و لطف او را از تو برگرداند. خداوند فضل و لطف خود را شامل هر کسی از بندگانش که بخواهد می‌کند و او دارای مغفرت و مهر فراوان است.

﴿وَقَالَ يَبْنَئِي لَا تَدْخُلُوا مِنِّي بَابٍ وَاحِدٍ وَأَدْخُلُوا مِنِّي أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَحْكُمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ [یوسف: ۶۷].

۶۷- و گفت (یعقوب): ای فرزندانم از یک در (به مصر) داخل نشوید بلکه از درهای گوناگون وارد شوید (تا از حسادت حسودان در امان باشید) نمی‌توانم چیزی را که خدا مقرر کرده باشد از شما بدور سازم. تنها حکم و فرمان از آن یزدان است. بر او توکل می‌کنم و باید که توکل کنندگان بر او توکل کنند و بس.

﴿وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَىٰ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا﴾ [الکهف: ۳۹].

۳۹- کاش وقتی که وارد باغ می‌شدی می‌گفتی ماشاء الله، هیچ قوت و قدرتی جز از ناحیهی خدا نیست (و اگر مدد و توفیق او نباشد توانایی عبادت و پرستش را نخواهیم داشت ای رفیق ناسپاس) اگر می‌بینی که از نظر اموال و اولاد از تو کم‌ترم (اما....).

﴿تَبَرَّكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ۝ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَوُّتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ ۝ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِنًا وَهُوَ حَسِيرٌ ۝﴾ [الملك: ۱-۴].

۱- بزرگوار و دارای برکات بسیار، آن کسی که فرمانروایی از آن اوست و او بر هر چیزی قادر است.

۲- همان کسی که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید کدامتان کارتان بهتر و نیکوتر خواهد بود. او چیره و توانا و آمرزگار و بخشاینده است.

۳- آن که هفت آسمان را بالای یکدیگر و هماهنگ آفریده است. اصلاً در آفرینش و آفریده‌های خداوند مهربان خلل و تضاد و عدم تناسبی نمی‌بینی. پس دیگر باره بنگر آیا هیچ گونه خلل و رخنه‌ای می‌بینی؟

۴- باز هم بارها و بارها بنگر و ورنه انداز کن. دیده سرانجام فروهشته و حیران و درمانده و ناتوان به سویت باز می‌گردد.

﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾﴾ [القلم: ۵۱-۵۲].

۵۱- نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می‌شنوند، تو را چشمان خود به سر در آورند و هلاک سازند و می‌گویند: او قطعاً دیوانه است.

۵۲- در صورتی که قرآن جز اندرز و پند جهانیان و مایه‌ی بیداری و هوشیاری ایشان نیست.

﴿وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَنَ ۗ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَنُ وَلَا كَنَّ الشَّيَاطِينُ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هِرُوتَ وَمَرْوَتَ ۗ وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۗ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۗ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۗ وَلَقَدْ عَلَّمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ ۗ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾﴾ [البقرة: ۱۰۲].

۱۰۲- و (گروهی از؟؟؟ یهود) به آنچه شیاطین صفتان و گناه پیشگان درباره‌ی سلطنت سلیمان می‌خوانند، باور داشتند و از آن پیروی نمودند. و حال آنکه سلیمان هرگز کفر نورزیده است. و بلکه شیاطین صفتان گناه پیشه، کفر ورزیده‌اند جادو و آنچه در بابل بر دو فرشته هاروت و ماروت نازل گردیده بود می‌آموزند. و به هیچ کس چیزی

نمی‌آموختند، مگر اینکه پیشاپیش بدو می‌گفتند: ما وسیله‌ی آزمایش هستیم کافر نشو. از ایشان چیزهایی آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می‌افکندند. و حال آنکه با چنین جادویی نمی‌توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست خدا باشد. و آنان قسمت‌هایی را فرا می‌گرفتند که برایشان زیان داشت و بدیشان سودی نمی‌رساند. و مسلماً می‌دانستند هر کسی خریدار اینگونه متاع باشد، بهره‌ای در آخرت نخواهد داشت و چه زشت و ناپسند است آنچه خود را بدان فروخته اگر می‌دانستند.

۱۰۳- و اگر آنان ایمان می‌آورند و پرهیزگاری می‌کردند. پاداشی که نزد خدا است بهتر است اگر می‌دانستند.

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٧﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ ﴿١١٩﴾ وَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ ﴿١٢٠﴾ قَالُوا ءَأَمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢١﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٢﴾﴾ [الأعراف: ۱۱۷-۱۲۲].

۱۱۷- به موسی وحی کردیم که عصای خود را بینداز، ناگهان به سرعت آنچه را بهم می‌بافتند بلعید.

۱۱۸- پس حق ثابت و ظاهر گردید و آنچه آنان می‌کردند باطل شد.

۱۱۹- در آنجا (فرعونیان) شکست خوردند و خوار و رسوا برگشتند.

۱۲۰- و جادوگران به سجده افتادند.

۱۲۱- گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم.

۱۲۲- به پروردگار موسی و هارون.

﴿قَالَ مُوسَىٰ أَنْفُلُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاجِرُونَ ﴿٧٧﴾﴾ [یونس: ۷۷].

۷۷- موسی گفت: آیا به حق که به سوی شما آمده است سحر می‌گویید؟ آیا این

جادو است؟ به هر حال جادوگران پیروز نمی‌شوند.

﴿فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيُحَقِّقُ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾﴾ [یونس: ۸۱-۸۲].

۸۱- هنگامی که (ریسمان‌ها و عصاهای خود را) انداختند، موسی گفت: آنچه ارائه داده اید واقعاً جادو است. قطعاً خداوند آن را پوچ و نابود خواهد کرد و خداوند کار تبهکاران را شایسته و سودمند نمی‌گرداند.

۸۲- خداوند با سخنان خود حق را پایدار و ماندگار می‌گرداند، هرچند که گناهکاران و بزهکاران نپسندند.

﴿وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفُ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَجِرٌ وَلَا يُفْلِحُ السَّاجِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ﴿٦٩﴾﴾ [طه: ۶۹].

۶۹- و چیزی را که در دست راست داری بیفکن تا همه‌ی ساخته‌های ایشان را بسرعت ببلعد. چرا که کارهایی را که کرده‌اند، نیرنگ جادوگر است و جادوگر هرکجا برود پیروز نمی‌شود.

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ﴿١١٦﴾ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٧﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿١١٧﴾ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١١٨﴾﴾ [المؤمنون: ۱۱۵-۱۱۸].

۱۱۵- آیا گمان برده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما برگردانده نمی‌شوید.

۱۱۶- خداوندی که فرمانروای راستین است و هیچ معبودی جز او نیست و صاحب عرش عظیم است برتر از آن است (که جهان را بی‌هدف آفریده باشد).

۱۱۷- هر کس که با خدا، معبود دیگری را به فریاد خواند - و مسلماً هیچ دلیل بر حقانیت آن نخواهد داشت - حساب او با خداست قطعاً کافران رستگار نمی‌گردند.

۱۱۸- بگو: پروردگارا! (گناهانم را) ببخشای و مرحمت فرمای، چرا که تو بهترین مهربانانی.

﴿يَقُومَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ، يَعْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابِ
الْيَوْمِ﴾ [الأحقاف: ۳۱].

۳۱- ای قوم ما! سخنان فراخواننده‌ی الهی را بپذیرید، و به او ایمان بیاورید، تا خدا گناهانتان را بیاورد و شما را در پناه خویش دارد.

﴿يَمَعَشَرِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ﴿٣٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣١﴾ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾﴾ [الرحمن: ۳۳-۳۶].

۳۳- ای گروه پری‌ها و انسان‌ها! اگر می‌توانید از نواهی آسمان‌ها و زمین بگذرید، بگذرید، و لکن نمی‌توانید بگذرید مگر با قدرت عظیم.

۳۴- پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

۳۵- آتش بی‌دود و مس‌گداخته به سوی شما روانه می‌گردد و بر سر شما ریخته می‌شود، و شما همدیگر را نمی‌توانید یاری بدهید.

۳۶- پس کدامین نعمت پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

﴿لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ
الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٣١﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلِيمُ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٣٢﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ
الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ
الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣٤﴾﴾ [الحشر: ۲۱-۲۴].

۲۱- اگر ما این قرآن را برای کوهی می‌فرستادیم، کوه را از ترس خدا، کرنش کنان و شکافته می‌دید! ما این مثال‌ها را برای مردمان بیان می‌داریم شاید که ایشان بیندیشند.

۲۲- خدا کسی است که جز او پروردگار معبودی نیست، آگاه از جهان نهان و آشکار است او دارای مرحمت عامه و خاصه است.

۲۳- خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست. او فرمانروا، منزه، بی عیب و نقص، امان دهنده و امنیت بخشنده و محافظ و مراقب، قدرتمند چیره، بزرگوار و شکوهمند، والامقام و فرازمند است خداوند دور و فرا از چیزهایی است که انباز او می کنند.

۲۴- او خداوندی است که طراح هستی و آفرینگار آن از نیستی و صورتگر جهان است. دارای نام‌های نیک و زیبا است چیزهایی که در آسمان‌ها و زمین هستند، تسبیح و تقدیس او می گویند، و او چیره‌ی کار بجا است.

﴿وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الأنعام: ۱۷].

۱۷- اگر خداوند زبانی به تو برساند، هیچ کسی جز او نمی تواند آن را برطرف سازد، و اگر چیزی به تو برساند، چرا که او بر هر چیزی توانا است.

﴿وَالصَّافَاتِ صَفًا ۝۱ فَأَلْزَجَرَتْ رَجْرًا ۝۲ فَالتَّلَيَّتِ ذِكْرًا ۝۳ إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ۝۴ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشْرِقِ ۝۵ إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ۝۶ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ۝۷ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَيُقَدِّفُونَ مِّنْ كُلِّ جَانِبٍ ۝۸ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ۝۹ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ۝۱۰ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَن خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّن طِينٍ لَّزِبٍ ۝۱۱﴾ [الصافات: ۱-۱۱].

۱- قسم به آنان که محکم صف کشیده اند!

۲- و قسم به آنان که سخت باز می دارند!

۳- و قسم به آنان که بیایی تلاوت می کنند.

۴- قطعاً معبود شما یکی است.

۵- آن کسی که خداوند آسمان‌ها و زمین و همه‌ی چیزهایی است که در میان آن دو قرار دارد و خداوند مشرق‌ها است.

۶- ما نزدیک‌ترین آسمان را به زینت ستارگان آراسته‌ایم.

۷- ما آن را از هر شیطان متمرّدی، کاملاً حفظ کرده‌ایم.

۸- آنان نمی‌توانند به گروه والامقام دزدکی گوشی فرا دهند. چرا که از هر سو به سویشان نشانه می‌رود.

۹- آنان سخت مراد می‌گردند، و عذاب به تمام و کمالی و دائمی و سودی دارند.

۱۰- و اما از آنان هر که با سرعت استراق سمعی کند، فوراً آذرخشی سوراخ‌کننده‌ی بدنبال او روان می‌گردد.

۱۱- از ایشان پرس و جو کن که آیا آفرینش ایشان سخت تر و دشوارتر است یا آفرینش چیزهایی که آفریده‌ایم؟ ما که ایشان را از گل چسبنده ناچیز آفریده‌ایم.

﴿وَلَوْ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [الأنعام: ۱۳].

۱۲- و از آن او است آنچه در شب و روز قرار دارد و او شنوای آگاه است.

۱۳- ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلَّ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

﴿۱۲۹﴾ [التوبة: ۱۲۹].

۱۲۹- اگر آنان (از ایمان به تو) روی بگردانند. بگو: خدا مرا کافی و بسنده است. جز

او معبودی نیست. و به او دل‌بسته‌ام و کارهایم را بدو واگذار کرده‌ام، و او صاحب پادشاهی بزرگ است.

﴿وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ [الزمر: ۳۸].

۳۸- اگر از مشرکان بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ خواهند گفت:

خدا. بگو: آیا چیزهایی را که بجز خدا بفریاد می‌خوانید چنین می‌بینید که اگر خدا

بخوهد زیان و گزندى به من برساند، آنها بتوانند آن زیان و گزند خداوندی را برطرف سازند؟ و یا اگر خدا بخوهد لطف و مرحمتی در حق من روا دارد، آنها بتوانند جلو لطف و مرحمتش را بگیرند و آن را بازدارند؟ بگو: خدا مرا بس است. توکل کنندگان تنها بر او تکیه و توکل می‌کنند و بس.

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ [الطلاق: ۷].

۷- آنان که دارا هستند، از دارایی خود خرج کنند، و آنان که تنگدست هستند، از چیزی که خدا بدیشان که خدا بدیشان داده است خرج کنند، خداوند هیچ کسی را جز بدان اندازه که بدو داده است مکلف نمی‌سازد. خدا بعد از سختی و ناخوشی، گشایش و خوشی پیش می‌آورد.

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۶۲﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿۶۳﴾﴾ [یونس: ۶۲-۶۳].

۶۲- هان! بی‌گمان دوستان خداوند ترسی بر آنان نیست و غمگین نمی‌گردند.

۶۳- (دوستان خدا) کسانی‌اند که ایمان آورده‌اند و تقوا پیشه کرده‌اند.

﴿قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۸۶﴾﴾ [یوسف: ۸۶].

۸۶- گفت: شکایت پریشان حالی و اندوه خود را تنها و تنها به خدا می‌برم و من از سوی خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿۲۸﴾﴾ [الرعد: ۲۸].

۲۸- آن کسانی که ایمان می‌آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می‌کند. هان! دل‌ها به یاد خدا آرام می‌گیرد.

﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿۲۷﴾﴾ [ابراهيم: ۲۷].

۲۷- خداوند مومنان را به خاطر گفتار استوار هم در این جان وهم در آن جهان ماندگار می‌دارد و کافران را گمراه و سرگشته می‌سازد و خداوند هرچه بخواهد انجام می‌دهد.

﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾ [فاطر: ۳۴].

۳۴- و خواهند گفت سپاس خداوندی را سزاست که غم و اندوه را از ما زدود بی‌گمان پروردگار آمرزنده سپاسگزار است.

﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۙ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ۙ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ۙ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۙ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۙ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۙ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۙ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَأَرْعَبْ ۙ﴾ [الشرح: ۱-۸].

۱- آیا ما سینه تو را نگشودیم.

۲- و بار سنگین از دوش تو برداشتیم.

۳- همان بار سنگینی که پشت تو را در هم شکسته بود.

۴- و آوازه تو را بلند نکردیم و بالا نبردیم.

۵- چرا که همراه با سختی و دشواری آسایش و آسودگی است.

۶- مسلماً با سختی و دشواری آسایش و آسودگی است.

۷- هرگاه از کار مهمی بپرداختی بدنبال آن رنج ببر.

۸- و یکسره به سوی پروردگارت روی آر.

﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ۖ ءَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ ۗ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ۗ أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾ [فصلت: ۴۴].

۴۴- چنانکه قرآن را به زبانی جز زبان عربی فرو می‌فرستادیم حتماً می‌گفتند اگر آیات

آن توضیح و تبیین می‌گردید آیا کتاب غیر عربی و پیغمبر عربی؟ بگو قرآن برای مومنان

مایه راهنمایی و بهبودی است و اما برای غیر مومنان کبری گوش‌های ایشان و کوری چشمان آنان است آنان کسانی‌اند که از دور صدا زده می‌شوند.

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾﴾ [یونس: ۵۷].

۵۷- ای مردمان از سوی پروردگارتان برای شما اندرزی و درمانی برای چیزهایی که در سینه‌هاست آمده است و هدایت و رحمت برای مومنان است.

﴿وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿٨٢﴾﴾ [الإسراء: ۸۲].

۸۲- ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه بهبودی و رحمت مومنان است ولی بر ستمگران جز زیان نمی‌افزاید.

﴿إِلَّا الَّذِينَ فَطَرْنِي فَإِنَّهُمْ سَيِّئِينَ ﴿٨٠﴾﴾ [الشعراء: ۸۰].

۸۰- و هنگامی که بیمار شوم اوست که مرا شفا می‌دهد.

﴿فَتَلَوُّهُمُ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيُنْصِرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٤﴾ وَيُذْهِبُ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٥﴾﴾ [التوبة: ۱۴-۱۵].

۱۵- با آن کافران بجنگید تا خدا آنان را با دست شما عذاب کند و خوارشان دارد و شما را برایشان پیروز دارد و سینه‌های اهل ایمان را شفا بخشد.

۱۴- و کینه را از دل‌هایشان بردارد خداوند توبه هر کس بخواهد می‌پذیرد خداوند آگاه از کار بندگان و دارا حکمت فراوان است.

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨١﴾﴾ [الإسراء: ۸۱].

۸۱- و بگو حق فرا رسیده است و باطل از میان رفته و نابود گشته است اصولاً باطل همیشه از میان رفتنی و نابود شدنی است.

﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾﴾ [المؤمنون: ۱۰۷].

۱۰۷- پروردگارا ما را از آتش دوزخ بیرون بیاور و اگر (بعد از این به کفر و عصیان و انجام گناهان) برگشتیم ما ستمگر خواهیم بود.

﴿وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادْرَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ خُرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿۷۲﴾﴾ [البقرة: ۷۲].

۷۲- و (به یاد بیاورید) آنگاه را که کسی را کشتید و درباره‌ی آن به نزاع برخاستید و یکدیگر را بدان متهم کردید، و خدا حقیقت‌ام را می‌دانست و آنچه را که پنهان می‌کردید، آشکار و نمایان می‌نمود.

﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا ﴿۲۳﴾﴾ [الفرقان: ۲۳].

۲۳- ما به سراغ تمام اعمالی که (به ظاهر نیک بوده و در دنیا) آنان انجام داده‌اند می‌رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده‌ی در هوا می‌سازیم.

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿۲﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَىٰ اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ﴿۳﴾﴾ [الطلاق: ۲-۳].

۱- هر کس هم از خدا بترسد و پرهیزگاری کند خدا راه نجات (از هر تنگنایی) را برای او فراهم می‌سازد.

۲- و به او از جایی که تصورش نمی‌کند روزی می‌رساند. هر کس بر خداوند توکل کند خدا او را بسنده است. خداوند فرمان خویش را به انجام می‌رساند و هر چه را بخواهد بدان دسترسی پیدا می‌کند. خدا برای هر چیزی زمان و اندازه‌ای را قرار داده است.

﴿وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ ﴿۴﴾﴾ [الأعلى: ۴].

۴- خداوندی که چراگاه را (برای تغذیه‌ی جانداران از زمین می‌رویاند و) بیرون می‌آورد.

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿۱﴾ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿۲﴾ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿۳﴾ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿۴﴾ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿۵﴾ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ﴿۶﴾ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿۷﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿۸﴾﴾ [الزلزلة: ۱-۸].

- ۱- هنگامی که زمین سخت به لرزه در انداخته می‌شود.
- ۲- و زمین سنگینی‌ها و بارهای خود را بیرون می‌آورد.
- ۳- و انسان می‌گوید: زمین را چه شده است؟
- ۴- در آن روز (که سرآغاز قیامت است) زمین خبرهای خود را بازگو می‌کند (و به زبان قال یا حال خواهد گفت که چه چیزهایی بر آن گذشته است).
- ۵- (این احوال و اقوال زمین) بدان سبب است که پروردگار تو بدو پیام می‌دهد (که چه بشود و چه بگوید).
- ۶- در آن روز مردمان (از گورهای خود) دسته دسته و پراکنده بیرون می‌آیند تا کارهایشان بدیشان نموده شود و نتیجه‌ی اعمال خویش را ببینند.
- ۷- پس هر کس به اندازه‌ی ذره‌ی غباری کار نیکو کرده باشد آن را خواهد دید (و پاداش را خواهد گرفت).
- ۸- و هر کس به اندازه‌ی ذره‌ی غباری کار بد کرده باشد، آن را خواهد دید (و سزایش خواهد چشید).

﴿فَاللَّهُ خَيْرٌ حَفِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ [یوسف: ۶۴].

۶۴- و خدا بهترین حافظ و نگهدار است و از همه‌ی مهربانان مهربان‌تر است.

﴿وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ﴾ [الحجر: ۱۷].

۱۷- (و آسمان را از (دستبرد و دسترس) هر اهریمن ملعون و مطرودی محفوظ و مصون داشته‌ایم).

﴿فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفَوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ [غافر: ۴۴-۴۵].

سَيِّئَاتٍ مَا مَكْرُوهًا وَحَاقَ بِإِلَافِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ﴿٤٥﴾ [غافر: ۴۴-۴۵].

۴۴-۴۵- به زودی آنچه من به شما می‌گویم به خاطر خواهید آورد (و به صدق گفتار من پی خواهید برد) من کار و بار خود را به خدا وامی‌گذارم و حواله می‌دارم. خداوند بندگان را می‌بیند (و پندار و گفتار و کردارشان را می‌پاید). خداوند (چنین بنده‌ی مومنی

را تنها نگذاشت و) او را از سوء توطئه‌ها و نیرنگ‌های ایشان محفوظ و مصون داشت ولی عذاب بدی خاندان فرعون را در بر گرفت.

﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿۱۰﴾ كِرَامًا كَتِيبِينَ ﴿۱۱﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۱۲﴾﴾

[الإنفطار: ۱۰-۱۲].

۱۰-۱۲ بدون شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده‌اند. نگاهبانانی که (در پیشگاه پروردگار مقرب و) محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می‌نویسند. می‌دانند هر کاری را که می‌کنند.

﴿إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿۴﴾﴾ [الطارق: ۴].

۴- کسی وجود ندارد مگر اینکه بر او نگهبانی است (که او را می‌پایند و کردار و گفتارش را ثبت و ضبط و حفظ می‌نماید).

﴿قُلْ يٰٓأَيُّهَا الْكٰفِرُونَ ﴿۱﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿۲﴾ وَلَا أَنْتُمْ عٰبِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿۳﴾ وَلَا أَنَا عٰبِدُ مَا عٰبَدْتُمْ ﴿۴﴾ وَلَا أَنْتُمْ عٰبِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿۵﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿۶﴾﴾ [الکافرون: ۱-۶].

۱- بگو: ای کافران!

۲- آنچه را که شما (به جز خدا) می‌پرستید، من نمی‌پرستم.

۳- و شما نیز نمی‌پرستید آنچه را که من می‌پرستم.

۴- همچین نه من به گونه‌ی شما پرستش را انجام می‌دهم.

۵- و نه شما بگونه‌ی من پرستش را انجام می‌دهید.

۶- آیین خودتان برای خودتان و آیین خودم برای خودم!

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿۱﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿۲﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿۳﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿۴﴾﴾

﴿﴾ [الإخلاص: ۱-۴].

۱- بگو: خدا، یگانه‌ی یکتاست.

۲- خدا، سرور والای برآورنده‌ی امیدها و برطرف کننده‌ی نیازمندی‌ها است.

۳- نزاده است و زاده نشده است.

۴- و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝۱ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝۲ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝۳ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝۴ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝۵﴾ [الفلق: ۱-۵].

۱- بگو: پناه می‌برم به خداوندگار سپیده دم.

۲- از شر هر آنچه خداوند آفریده است.

۳- و از هر شب بدانگاه که کاملاً فرا می‌رسد (و جهان را به زیر تاریکی خود

می‌گیرد).

۴- و از شر کسانی که در گره‌های می‌دمند (و با نیرنگ سازی و حقه بازی خود،

اراده‌ها، ایمان‌ها، عقیده‌ها، محبت‌ها و پیوندها را سست می‌نمایند و فساد و تباهی

می‌کنند).

۵- و از شر حسود بدانگاه که حسد می‌ورزد.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝۱ مَلِكِ النَّاسِ ۝۲ إِلَهِ النَّاسِ ۝۳ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝۴ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝۵ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝۶﴾ [الناس: ۱-۶].

۱- به مالک و حاکم (واقعی) مردمان.

۲- به معبود (به حق) مردمان.

۳- از شر وسوسه‌گری که واپس می‌رود (اگر برای چیره شدن بر او، از خدا کمک

بخواهی و خویشتن را در پناهِش داری).

۴- وسوسه‌گری که در سینه‌های مردمان به وسوسه می‌پردازد (و ایشان را به سوی

زشتی و... می‌خواند).

۵- (در سینه‌های مردمانی) از جنی‌ها و انسان‌ها.

ادعیه و تعویذ (متوسط) ^۱ از احادیث نبوی

۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَنَّانُ، بِيَدِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ».^۲

«بار خدایا! (تنها) خواسته‌هایم را نزد تو مطرح می‌کنم، چرا که حمد و ستایش را تنها تو سزایی و جز تو خدایی وجود ندارد. تو آن بخشاینده‌ای هستی که آسمان و زمین را پدید آورده‌ای (و همانا) تو صاحب عظمت و بزرگی هستی ای زنده‌ی پاینده!»

۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».^۳

«بار خدایا! (تنها) خواسته‌هایم را نزد تو مطرح می‌کنم. همانا گواهی می‌دهم که بی‌تردید تو آن ذاتی هستی که (معبودی) جز تو وجود ندارد. تو یگانه‌ی برآورنده‌ی امیدها و برطرف‌کننده‌ی نیازمندی‌ها هستی که نزاده‌ای و زاده نشده‌ای و همتا و همگونی (نیز) نداری.»

۳- «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْنَاكَ مِنْهُ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا إِسْتَعَاذَ مِنْهُ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَعَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».^۴

۱- تعویذ (رقیعی) (متوسط) تعویذی را گویند که نه بسیار طولانی و نه مختصر باشد. بلکه در حد میانه بود و وقت خیلی زیادی را مصروف ندارد. (مترجم)

۲- مسند احمد (۱۵۸/۳) حدیث ش (۱۲۶۳۸). راوی این حدیث انس بن مالک رضی الله عنه می‌باشد.

۳- همان (۳۵۰/۵) حدیث ش (۲۲۹۶۵) و صحیح ابن حبان (۸۹۱). ابن حبان این حدیث را از بریده رضی الله عنه نقل نموده است.

۴- ترمذی (۳۵۲۱)، کتاب الدعوات. راوی این حدیث ابومامه رضی الله عنه است و ابوعیسی (ترمذی) آن را (حسن غریب) دانسته است.

«بار الهی! هر آنچه از خیر را که نبی (بزرگوارت) محمد ﷺ از حضرتت مطالبه کرده را از تو مسالت می‌داریم و از آنچه که نبی تو محمد (مصطفی) از شر آن به تو پناه آورده، به درگاه تو پناه می‌جوییم و (بی‌شک) تو ذاتی مددگار هستی (که انسان‌ها از تو مدد می‌خواهند)».

۴- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ (أَعُوذُ) بِمَعَاذِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَا أَحْيِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا اثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ».^۱

«خداوندگار! از خشم و غضبت به رضا (و خشنود) به تو پناه می‌برم و از عذاب تو به بخشش (و رحمت لایتناهی) به تو پناهنده می‌شوم. (الهی) از (ترس) تو به تو پناه می‌برم. (چرا که این حقیر) نتوانم ثنای تو را آنگونه که شایسته‌ی توست بازگو کنم و (راستی که) تو آنگونه هستی که خود (توصیف و) ثنای خویش گفته‌ای».

۵- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ».^۲

«هیچ معبودی جز خداوند بزرگ و بردبار وجود ندارد. هیچ معبودی جز خداوند که پروردگار عرش عظیم است وجود ندارد. هیچ معبودی جز خداوند که پروردگار آسمان و زمین و پروردگار عرش با عظمت و بزرگ است وجود ندارد».

۶- «اللَّهُمَّ رَحْمَتِكَ أَرْجُوا، فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».^۳

۱- مسلم (۴۸۶)، کتاب الصلاة و ترمذی (۳۵۶۶)، کتاب الدعوات. راوی این حدیث در صحیح مسلم عایشه رضی الله عنها و در ترمذی علی رضی الله عنه می‌باشد.

۲- بخاری (۶۳۴۶)، کتاب الدعوات و مسلم (۲۷۳۰)، کتاب الذکر. راوی این حدیث ابن عباس رضی الله عنهما است و حدیث (متفق علیه) است.

۳- ابوداود (۵۰۹۰)، کتاب الادب، باب: ما يقول اذا اصبح. این حدیث با الفاظ (دعوات المکروب ...) نیز از ابی بکر. (نفع بن حارث) روایت شده است.

«خداوند! رحمتت را از تو مطالبه می‌کنم (و از تو می‌خواهم) لحظه‌ای مرا به خودم واگذار نکنی و (تمام) حوائج و دشواری‌های کارم را سامان بخشی. (بی‌تردید) جز تو معبودی وجود ندارد.»

۷- «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، مِنْ هَمْزَةٍ وَنَفْخَةٍ»^۱

«پناه می‌برم به خداوندگار شنوای دانا از (شر) شیطان رانده شده و از (شر) وساوس و کبر و شعر (و سحر و ساحری) او»^۲.

۸- «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ»^۳.

«به نام خداوند آنچه (از ارواح پلید و غیره که) موجبات اذیت و آزار تو (بیمار) را فراهم می‌کنند از تو دور می‌سازم و از گزند هر نفس (سرکش) یا چشم زخم حسودی می‌رهانمت. (بی‌تردید) این خداست که تو را شفا می‌دهد و من (تنها) با نام و یاد او به مداوایت می‌پردازم».

۹- «بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ إِسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۴.

«به نام خداوندگاری که هیچ چیز را در زمین و آسمان یارای ضرر رسانیدن به گوینده‌ی نام او (که نام مبارکش ورد خویش ساخته و کارهایش را با نام او آغاز می‌کند) نیست و او شنوای داناست». این دعا بایستی سه مرتبه تکرار شود.

۱۰- «بِسْمِ اللَّهِ يُبْرِيكَ وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وَشَرِّ كُلِّ ذِي عَيْنٍ»^۵.

۱- ابوداود (۷۷۵)، کتاب الصلاة و ترمذی (۲۴۶)، کتاب الصلاة. راوی این حدیث ابوسعید خدری است

و البته ترمذی ذیل شماره‌ی (۷۶۴) همین حدیث را به نقل از جبیر بن مطعم نقل کرده است.

۲- نک؛ پاورقی تعویذ چهارم از جمله تعویذهای کوتاه از احادیث نبوی. (مترجم)

۳- مسلم (۲۱۸۶)، کتاب السلام، باب الطب و المرض و الرقی، راوی حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه است.

۴- ابوداود (۵۰۸۸)، کتاب الادب، راوی این حدیث عثمان بن عفان رضی الله عنه می‌باشد.

۵- مسلم (۲۱۸۵)، کتاب السلام، باب الطب و ... راوی این حدیث عایشه‌ی صدیقه رضی الله عنها می‌باشد.

«با نام و یاد خداوند از او می‌خواهم که تو را (از آنچه بدان مبتلایی) رهایی بخشد و از هر درد و بلائی شفا داده از شر هر حسود آنگاه که حسد ورزد و شر هر چشم زخم زنده‌ای در امان بدارد».

۱۱- «بِسْمِ اللَّهِ (ثَلَاثًا)، أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ، مِنْ شَرِّ مَا آجِدُ وَأُحَاذِرُ». ^۱ (سبع مرات)

«به نام خداوند، پناه می‌برم به خدا و قدرت (لا یزالش) از گزند آنچه (هم اکنون) با آن مواجه هستم و آنچه ترس دارم (بدان مبتلا گردم). (در این تعویذ باید سه بار (بسم الله) و هفت بار باقی تعویذ تکرار گردد)».

۱۲- «بِسْمِ اللَّهِ الْكَبِيرِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَرِقٍ نَعَّارٍ ^۲ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ». ^۳

«به نام (و یاد) خداوند بلند مرتبه، از شر فوران خون (که چون شدت یابد موجب هلاک شود) و شر حرارت (و تب) به ذات عظیم او پناه می‌برم».

۱۳- «أَذْهِبِ الْبَأْسَ، رَبِّ النَّاسِ، وَأَشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءَ لَا يَغَادِرُ

سِقْمًا». ^۴

«ای پروردگار انسان‌ها! (هرگونه) زیان و ترس را زایل کن و شفا (ی عاجل) عنایت فرما که همانا تو (تنها) شفا دهنده هستی و جز شفای تو که تمامی بیماری‌ها را در مان می‌بخشد شفایی وجود ندارد».

۱۴- «اللَّهُمَّ أَشْفِ عَبْدَكَ وَصَدِّقَ رَسُولِكَ (ﷺ)». ^۵

۱- همان (۲۲۰۲)، کتاب السلام، باب استحباب وضع یدہ علی موضع الالم. راوی این حدیث از انس رضی الله عنه روایت کرده است.

۲- برخی عرق نعار را زن بدزبان و بدخلق ترجمه کرده‌اند. (مترجم)

۳- ترمذی (۲۰۷۵)، کتاب الطب. ترمذی این حدیث را (غریب) دانسته است.

۴- بخاری (۵۶۷۵)، کتاب المرضی، باب: دعاء العائد للمریض و مسلم (۲۱۹۱)، کتاب السلام، باب استحباب رقیه المریض. راوی حدیث حضرت عایشه رضی الله عنها است.

۵- نک؛ ترمذی (۲۰۸۴)، کتاب الطب، باب کیفیت تبرید الحمی بالماء. راوی حدیث ثوبان رضی الله عنها است.

«بار خدایا! (این) بنده‌ی خویش را شفا (و عافیت) عنایت کن و رسول گرامی خود ﷺ تصدیق (و باور) فرما».

۱۵- «اللَّهُمَّ اشْفِ عَبْدَكَ يَنْكَأ لَكَ عَدُوًّا وَيَمْشِي لَكَ إِلَى الصَّلَاةِ».^۲

«بار خدایا! بنده‌ی خویش که برای رضای تو (به میدان نبرد می‌رود تا) دمار از روزگار دشمنت برآورد و صرفاً برای جلب رضایت تو به سوی نماز می‌شتابد را شفای (کامل) عنایت فرما».

۱۶- «اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَيْهِ وَأَذْهِبْ عَنْهُ حَرَّ الْعَيْنِ وَبَرْدَهَا وَوَصَبَهَا».^۳

«بار خدایا به وی برکت عنایت کن و حرارت (تب) و سرد شدن بدن و همچنین سستی و کسالت حاصل از چشم زخم را از وی زایل کن».

۱۷- «رَبَّنَا اللَّهُ الَّذِي فِي السَّمَاءِ، تَقَدَّسَ أَسْمُكَ، أَمْرُكَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، كَمَا رَحِمْتَكَ فِي السَّمَاءِ فَأَجْعَلْ رَحْمَتِكَ فِي الْأَرْضِ، إِغْفِرْ لَنَا حُوبَنَا وَخَطَايَانَا، أَنْتَ رَبُّ الطَّيِّبِينَ، أَنْزِلْ رَحْمَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَشِفَاءً مِنْ شِفَائِكَ عَلَى هَذَا الْوَجَعِ، فَيَبْرَأَ».^۴ (ثلاث مرات)

۱- ینکا به معنی غلبه یافتن بردشمن و شکست اومی باشد. فیومی: نکات فی العدو نکئا (ازباب نفع).

نکایه باکسر (ن) به معنی کشتن است. نک؛ المصباح المنیر (ن ک ع).

۲- ابودود (۳۱۰۷)، کتاب الجنائز، باب الدعاء للمریض ... و راوی حدیث عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه می‌باشد.

۳- مسند احمد (۴۴۷/۱۳) حدیث ش (۱۵۷۰۰)، مسند مکیین و راوی حدیث عبدالله بن عامر است. این حدیث با الفاظی چون (فلیرکه) نیز وارد شده که حاکم نیز آن را صحیح دانسته و ذهبی هم با او موافقت کرده است.

۴- ابوداود (۳۸۹۲)، کتاب الطب، باب کیف الرقی و مسند احمد (۲۱/۶) حدیث ش (۲۳۹۵۷). ابوداود این حدیث را به نقل از ابودرداء و احمد آن را از فضاله بن عبید روایت کرده‌اند.

تذکار: راقی موظف است پس از خواندن این دعا (سه مرتبه) معوذتین (سوره‌ی فلق و ناس) را نیز بلافاصله سه مرتبه قراءت کند و در میان دعا که تقاضای رحمت و شفا از خداوند می‌کند نام مریض

«پروردگارا! ای خدایی که در آسمان ماوی گرفته ای. نام تو پاک و مقدس است و فرمان تو آسمان و زمین را احاطه کرده (و همه مخلوقات تحت سیطره و فرمان تو است). (خداوند!) از تو می‌خواهیم که همانگونه که (دریای) رحمت را در آسمان (بر اهل آن) ارزانی داشته ای همچنان (اهل) زمین را نیز از آن برخوردار نمایی و از گناهان و لغزشهای ما درگذری، همانا تو پروردگار پاکان هستی. (پس) گوشه ای از (دریای) رحمت و شفای خویش را بر این بیمار دردمند سرازیر کن تا از این دردمندی رهایی یابد. (این دعا باید سه مرتبه خوانده شود).

۱۸- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَأَمَّةٍ»^۱.

«پناه می‌برم به کلمات تامه‌ی الهی از گزند شیطان و هر جنبنده‌ی مضر (و زیانبخش) و هر (کسی که دارای) چشم بد (چشم زخم زنده باشد).»^۲

۱۹- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»^۳.

«از گزند مخلوقات خداوند به کلمات تامه‌ی او پناه می‌برم.»

۲۰- «أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ وَبِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ اللَّاتِي لَا يَجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَشَرِّ مَا يَعْرَجُ فِيهَا وَشَرِّ مَا ذَرَأَ فِي الْأَرْضِ وَشَرِّ مَا يُخْرِجُ مِنْهَا، وَمِنْ فِتْنِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمَنُ»^۴.

را نیز ببرد و مستقیم برای او طلب بهبودی نماید. این تذکر مبتنی بر روایت منقول توسط امام احمد حنبل بود و ابن قیم این تعویذ را تعویذ الهیه نامیده است.

۱- بخاری (۳۳۷۱)، کتاب احادیث الانبیاء، باب (۱۰). راوی حدیث ابن عباس است.

۲- نک؛ پاورقی بعد از مورد (۱۰) از جمله تعویذهای کوتاه بر گرفته از احادیث نبوی. (مترجم)

۳- نک؛ مسلم (۲۷۰۸)، کتاب الذکر، باب فی العوذ راوی حدیث خوله نبت حکیم السلمیه است.

۴- موطا، مالک، (۱۰)، کتاب الشعر، باب ما یومر به من تعوذ و مسند احمد (۴۱۹/۳) حدیث ش

(۱۵۴۶۰) مالک این حدیث را به صورت مرسل روایت کرده و راوی این حدیث در مسند احمد،

عبدالرحمن بن جیش است.

«پناه می‌برم به ذات کریم الهی و به کلمات تامه‌ی او که هیچ کس چه فاجر و چه نیکوکار از آن مستغنی نیست از شر هر آنچه (از زیان و ضرر) که از آسمان فرود آید یا بدان عروج نماید. و (همچنین) از شر آنچه که در زمین خلق شده و شر آنچه از آن براید و از شر فتنه‌ها و حوادث ناخوشایندی که در شب و روز حادث می‌شود به ذات خداوند و کلمات تامه‌ی او پناه می‌برم. ای خداوند رحمان! (من را یاری کن)».

۲۱- «بِسْمِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يُخْضِرُونِ»^۱.

«با نام و یاد خداوند، از خشم و عذاب خداوندی و از شر بندگان وی و از شر وسوس و اغواگری‌های شیاطین و از اینکه با آنان (شیاطین) مواجه شوم به کلمات تامه‌ی الهی پناه می‌برم».

۲۲- «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيكَ»^۲. (سبع مرات)

«از خداوند بزرگ که پروردگار عرش عظیم است می‌خواهم که تو (بیمار) را شفا دهد». (این دعا بایستی هفت مرتبه تکرار شود).

۲۳- «حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»^۳. (سبع مرات)

«خداوندی که هیچ معبودی جز او نیست مرا بسنده است. بر او توکل می‌کنم که او پروردگار عرش عظیم است». (این دعا باید هفت مرتبه خوانده شود).

۲۴- «يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ»^۴.

۱- ابوداود (۳۸۹۳)، کتاب الطب، بابا: كيف الرقى، راوی حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنه است و نک مسند احمد (۱۸۱/۲) حدیث ش (۶۶۹۶).

۲- ابوداود (۳۱۰۶)، کتاب الجنائز، با الدعاء للمريض عند العیادة و ترمذی (۲۰۸۳)، کتاب الطب باب ما یقول عند عیادة المریض.

۳- ابوداود (۵۰۸۱)، کتاب الادب، باب ما یقول اذا اصبح. راوی حدیث ابودرداء می‌باشد.

۴- ترمذی (۳۵۲۴)، کتاب الدعوات، باب قوله (یا حی یا قیوم). راوی حدیث انس بن مالک است.

«ای صاحب بزرگی و کرامت، ای زنده‌ی پاینده، به رحمت (بی‌پایان) تو استغاثه می‌کنم (و از تو می‌خواهم من را یاری کنی)».

۲۵- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَةِ مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ تَكْشِفُ الْمَغْرَمَ وَالْمَأْثَمَ، اللَّهُمَّ لَا يُهْزِمُ جُنْدَكَ وَلَا يُخْلَفُ وَعْدَكَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ»^۱.

«بار خدایا! از شر هر آنچه که تحت تو قرار دارد به ذات کریم و کلمات تامه‌ی تو پناه می‌جویم. خداوندگارا! این تو هستی که دیون و بدی‌های بدهکاران را زایل می‌کنی (و با استعانت آن‌ها مددشان می‌کنی) و گناهان گنهکاران را قلم عفو می‌کشی! خداوندا! نیرو (و سپاه) تو شکست‌ناپذیر است و تو هیچگاه خلف وعده نمی‌کنی. (بی‌تردید) دارایی (و قدرت) هیچکس وی را از تو مستغنی نمی‌سازد (و) تو پاک و منزهی و ستایش‌تو را سزاست».

۲۶- «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِي حُكْمِكَ عَدْلٌ فِي قَضَاؤِكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ إِسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي وَنُورَ صَدْرِي وَجَلَاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ هَمِّي»^۲.

«بار خدایا! من و پدر و مادرم نیز بنده‌ی توایم، سرنوشتم بدست توست و هرآنچه در مورد من حکم کرده‌ای قطعی است (و تحقیق خواهد یافت) و قضاوت و داوری تو در مورد من مبتنی بر عدل (و انصاف) است. (بار خدایا!) با تمام اسمای (حسنای) تو و آنچه خود خویش را بدان مسمی نموده‌ای و آنچه از اسماء که (بطور خصوص) به بنده‌ای از

۱- ابوداود (۵۰۵۲)، کتاب الادب، باب ما يقال عند النوم، راوی حدیث حضرت علی رضی الله عنه است.

۲- احمد (۳۹۱/۱) حدیث ش (۳۷۱۲) راوی حدیث ابن مسعود رضی الله عنه است. در پایان این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله به ضرورت یادگیری این دعا تاکید کرده است.

بندگان خود آموخته‌ای و اسمای (مبارکی) که در کتاب (جاوید) خویش ذکر نموده یا به عنوان راز آن را جزو علم غیب خویش قرار داده‌ای (اسم غیب) تو را می‌خوانم و از تو می‌خواهم که قرآن را بهار دل و نور سینه‌ام قرار دهی و حزن و اندوه را از من بزدایی».

۲۷- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ، وَأَهْلِي وَمَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَابِي وَآمِنْ رَوْعَاتِي، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي».^۱

«بار خدایا! در دنیا و آخرت عافیت را نصیبم کن، خداوندگارا! از تو عفو (لذت) و عافیت را در مورد (امور) دین و دنیا و اهل و مالم مسالت می‌دارم، خدایا! عیوبم بپوشان و آرامش نصیبم کن. خدایا من (بطور کامل) از جلو و عقب و راست و چپ و از بالا و پایین (از گزند حوادث) حفاظت کن و از اینکه به بلایی ناگهانی مبتلا شوم (خسف شوم) به عظمت تو پناه می‌برم».

۲۸- «اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».^۲ (ثلاث مرات)

«خداوند! در بدن و شنوایی و بینایی‌ام عافیت و سلامتی عنایت کن (که) جز تو معبودی وجود ندارد. (این دعا سه مرتبه باید خوانده شود)».

۱- ابوداود (۵۰۷۴) کتاب الادب، باب ما يقول اذا اصبح. راوی حدیث ابن عمر رضی الله عنهما است.

۲- ابوداود (۵۰۹۰)، کتاب الادب، باب ما يقول اذا اصبح. این حدیث را ابی بکره نفع بن حارث روایت کرده و در ادامه‌ی آن آمده است که (باید سه مرتبه صبح و سه مرتبه شامگاه تکرار کرد). ترمذی همین حدیث را به این ترتیب روایت کرده که اولاً به جای (بدنی) و اثره‌ی (جسدی) را آورده و در ضمن در روایت وی جمله‌ی «اللهم عافني في سمعي» حذف و عبارت «وأجعل له الوارث مني، لا إله إلا الله الخليم الكريم، سبحانه الله رب العرش العظيم، والحمد لله رب العالمين» به حدیث افزوده شده است. نک؛ ترمذی (۳۴۸۰)، کتاب الدعوات، باب دعاء اللهم عافني. راوی حدیث حضرت عایشه است.

۲۹- «اللَّهُمَّ آتْ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَزَكَّهَا أَنْتَ خَيْرٌ مِنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا».^۱

«بار خدایا! تو مولا و سرپرست نفس منی پس نفسم را از گناهان بیالای و تقوا بدان عنایت کن (که) تو بهترین تزکیه کنندگانی، خداوندا! از هر علمی که نافع نباشد و از هر قلبی که (در مقابل تو) فروتن و خاشع نباشد و از هر نفس سیری ناپذیر (حریص) و هر دعایی که قابلیت اجابت (در درگاه تو را) نداشته باشد به تو پناه می‌برم».

۳۰- «اللَّهُمَّ بَرِّدْ قَلْبِي بِالثلْجِ وَالبرَدِ وَالْمَاءِ البَارِدِ، اللَّهُمَّ نَقِّ قَلْبِي مِنَ الخَطَايَا كَمَا نَقَيْتَ الثَّوْبَ الأبيض مِنَ الدَّنَسِ».^۲

«خداوندا! دلم با برف و تگرگ و آب سردخنک گردان، بار خدایا قلبم را آنچنان که پارچه‌ی سفید را از آلودگی تطهیر نموده‌ای پاک و مطهر گردان».

۳۱- «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».^۳

«بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست آنگونه که بر ابراهیم و آل او درود فرستادی. همانا تو (خداوندگار) ستوده و عالی مرتبه هستی، بارخدایا! محمد و آل محمد را بزرگی و کرامت عنایت کن آنگونه که (در میان جهانیان) ابراهیم و آل ابراهیم را (برکت و بزرگی) عنایت فرمودی. همانا تو (پروردگار) ستوده و عالی مقام هستی».

۱- نک؛ مسلم (۲۷۲۲)، کتاب الذکر، راوی حدیث زیدبن ارقم می‌باشد.

۲- ترمذی (۳۵۴۷)، کتاب الدعوات، باب دعاء (اللهم برد قلبی ...) راوی این حدیث عبدالله بن ابی اوفی است و ترمذی حدیث مذکور را (حسن صحیح و غریب) دانسته است.

۳- بخاری (۳۳۷۰)، کتاب احادیث الانبیاء، باب (۱۰) و مسلم (۴۰۶) کتاب الصلاة، باب الصلاة علی النبی ﷺ بعد التشهد. راوی این حدیث کعب بن عجره است.

فصل سوم: تعویذ طولانی (مفصل)

تعویذ طولانی از قرآن

تعویذهای طولانی از قرآن مجید عبارتند از:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ مَلِكِ يَوْمِ
الدِّينِ ﴿٤﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ
عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾﴾ [الفاتحة].

۱- به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان.

۲- ستایش خداوندی را سزااست که پروردگار جهانیان است.

۳- بخشنده و مهربان است.

۴- مالک روز سزا و جزاست.

۵- تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم.

۶- ما را به راه راست راهنمایی فرما.

۷- راه کسانی که نعمت داده‌ای نه راه آنان که برایشان خشم گرفته‌ای، و نه راه

گمراهان.

﴿الْم ﴿١﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِمَّا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ
وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ
كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى
سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾﴾ [البقرة: ۱-۷].

۱- الف. لام. میم.

۲- این کتابی است که هیچ گمانی در آن نیست و راهنمای پرهیزگاران است.

۳- آن کسانی که به دنیای نادیده باور می‌دارند، و نماز را به گونه‌ی شایسته می‌خوانند، و از آنچه بهره آنان ساخته‌ایم می‌بخشند.

۴- و آن کسانی که باور می‌دارند به آنچه بر تو نازل گشته و به آنچه پیش از تو فرو آمده، و به روز رستاخیز اطمینان دارند.

۵- این چنین کسانی، هدایت و رهنمود خدای خویش را دریافت کرده و حتماً رستگارند.

۶- بی‌گمان کفر پیشگان برایشان یکسان است چه آنان را بیم دهی و چه بیم ندهی، ایمان نمی‌آورند.

۷- خداوند دل‌ها و گوش‌هایشان را مهر زده است، و بر چشمانشان پرده‌ای است، و عذاب بزرگی در انتظارشان است.

﴿بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ﴾ [البقرة: ۱۱۷].

۱۱۷- هستی بخش آسمان‌ها و زمین، او است. و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها بدو می‌گوید: باش! بس می‌شود.

﴿فَإِن آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣٧﴾ صَبَعَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صَبَعَةً وَنَحْنُ لَهُ عَبِيدُونَ ﴿١٣٨﴾﴾ [البقرة: ۱۳۷-۱۳۸].

۱۳۷- اگر آنان ایمان بیاورند، همچنان که شما ایمان آورده‌اید، و بدان چیزهای که شما ایمان دارید، ایشان نیز ایمان داشته باشند، بی‌گمان (به راه درست خدایی) رهنمود گشته‌اند، و اگر پشت کنند (و از حقیقت سرپیچی نمایند و دوباره به رسوم و آداب موروثی چنگ زنند) پس راه اختلاف و دشمنانگی را (با شما) در پیش گرفته‌اند، و خدا تو را بسنده خواهد بود و او تو را از (اذیت و آزار و نیرنگ و دسیسه‌های) ایشان نجات خواهد داد، و او شنوا و بینا است (و گفتار ایشان را می‌شنود و کردار آنان را می‌بیند).

۱۳۸- (خداوند ما را با آئین توحیدی و ایمان راستین زینت داده است و) این رنگ و زینت خداست و چه کسی از خدا (می تواند) زیباتر بیاراید و بپیراید؟ و ما تنها او را می پرستیم.

﴿وَاللَّهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾﴾ [البقرة: ۱۶۳-۱۶۴].

۱۶۳- خداوند شما، خداوند یکتا و یگانه است و هیچ خدایی جز او که رحمان و رحیم است وجود ندارد.

۱۶۴- مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز (و اختلاف آن دو در درازی و کوتاهی و منافع بیشمار آنها) و کشتی‌هایی که به سود مردم در دریاها در حرکتند (و برابر قانون وزن مخصوص اجسام و سرشت آب و باد و بخار و برق، و غیره که از ساخته‌های پروردگارند در جریانند) و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده (که برابر قوانین منظمی بخارها به ابرها تبدیل و بر پشت بادها به جاهایی که خدا خواسته باشد رهسپار می‌گردند و پس از تلقیح، بصورت برف و تگرگ و باران مجدداً بر زمین فرو می‌ریزند) و با آن زمین را پس از مرگش زنده ساخته و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که در میان آسمان و زمین معلق می‌باشند (و برابر قوانین و ضوابط ویژه‌ای در پهنه فضا پراکنده نمی‌گردند و هدر نمی‌روند)، بی‌گمان نشانه‌هایی (برای پی بردن به ذات پاک پروردگار و یگانگی خداوندگار) است برای مردمی که تعقل ورزند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفِيعَةٌ ۗ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٥٤﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ ۗ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۗ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ

وَمَا خَلَقَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾ [البقرة: ٢٥٤-٢٥٧].

۲۵۴- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (برخی) از آنچه بهره شما کرده‌ایم (در راه خدا) صرف کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی و نه میانجیگری و شفاعتی است، و کافران ستمگرند (و به خود و جامعه خود ظلم می‌کنند و نتیجه ظلم آنان در آن روز ظاهر خواهد شد).

۲۵۵- خدایی به جز الله وجود ندارد و او زنده‌ی پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است (و در ملک کائنات، او را انبازی نیست). کیست آنکه در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه او؟ می‌داند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را در پشت سر آنان است (و مطلع بر گذشته و حال و آینده، و آگاه بر بود و نبود جهان است و اصلاً همه زمان‌ها و مکان‌ها در پیشگاه علم او یکسان است. مردمان) چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. (علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی‌پایان و بی‌کران او است). فرماندهی و فرمانروایی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است. و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلندمرتبه و سترگ است.

۲۵۶- اجبار و اکراهی در (قبول) دین نیست، چرا که هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است، بنابراین کسی که از طاغوت (شیطان و بت‌ها و معبودهای

پوشالی و هر موجودی که بر عقل بشورد و آن را از حق منصرف کند) نافرمانی کند و به خدا ایمان بیاورد، به محکم‌ترین دستاویز درآویخته است (و او را از سقوط و هلاکت می‌رهاند) و اصلاً گسستن ندارد. و خداوند شنوا و دانا است (و سخنان پنهان و آشکار مردمان را می‌شنود و از کردار کوچک و بزرگ همگان آگاهی دارد).

۲۵۷- خداوند متولی و عهده دار (امور) کسانی است که ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریکی‌های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می‌آورد و به سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می‌شود. و (اما) کسانی که کفر ورزیده‌اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شر و ضلال) متولی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاک) بیرون آورده و به سوی تاریکی‌های (زمخت کفر و فساد) می‌کشاند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدان می‌مانند.

﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَعْفُرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۵۷﴾ ؕ ءَأَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَأَمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفِرُّ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿۲۵۸﴾ لَا يُكَفِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۲۵۹﴾

[البقرة: ۲۸۴-۲۸۶].

۲۸۴- آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن خداست، و (لذا) اگر آنچه را که در دل دارید آشکار سازید یا پنهان دارید، خداوند شما را طبق آن محاسبه می‌کند، سپس هر که را بخواهد (و شایستگی داشته باشد) می‌بخشد و هر که را بخواهد (و مستحق باشد) عذاب می‌کند، و خدا بر هر چیزی توانا است.

۲۸۵- فرستاده (خدا، محمد) معتقد است بدانچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است (و شکی در رسالت آسمانی خود ندارد) و مومنان (نیز) بدان باور دارند. همگی به خدا و فرشتگان او و کتاب‌های وی و پیغمبرانش ایمان داشته (و می‌گویند): میان هیچ یک از پیغمبران او فرق نمی‌گذاریم (و سرچشمه رسالت ایشان را یکی می‌دانیم). و می‌گویند: (اوامر و نواهی ربانی را توسط محمد) شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهیم. و بازگشت به سوی تو است.

۲۸۶- خداوند به هیچ کس جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند (و هیچگاه بالاتر از میزان قدرت شخص از او وظائف و تکالیف نمی‌خواهد. انسان) هر کار (نیکی که) انجام دهد برای خود انجام داده و هر کار (بدی که) بکند به زیان خود کرده است. پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را (بدان) مگیر (و مورد مواخذه و پرس و جو قرار مده)، پروردگارا! بار سنگین (تکالیف دشوار) را بر (دوش) ما مگذار آنچنانکه (بخاطر گناه و طغیان) بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند گذاشتی. پروردگارا! آنچه را که یارای آن را نداریم بر ما بار مکن (و ما را به بلاها و محنت‌ها گرفتار مساز) و از ما درگذر (و قلم عفو بر گناهانمان کش) و ما را ببخشای و به ما رحم فرمای. تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

﴿الْم ۱﴾ ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۵﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۶﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۷﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿۸﴾ يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يُخَدِّعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿۹﴾ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

- ۱- الف. لام. میم.
- ۲- جز خدا، خدایی نیست و او زنده (به خود) و متصرف (در کار و بار جهان) است.
- ۳- همان کسی که کتاب قرآن را بر تو نازل کرده است که مشتمل بر حق است و متضمن اصول رسالت‌های آسمانی پیشین، و تصدیق‌کننده‌ی کتاب‌هایی است که قبل از آن (برای پیغمبران فرستاده شده‌اند و) بوده‌اند. و خداوند پیش از آن، تورات را (برای موسی) و انجیل را (برای عیسی) نازل کرده است.
- ۴- پی از (قرآن تورات و انجیل را نازل کرده است) جهت رهنمود مردمان، و (چون منحرف گشتند، قرآن یعنی) جدا سازنده‌ی (حق از باطل) را فرو فرستاده است. بی‌گمان کسانی که نسبت به آیات خدا کفر ورزند، عذاب سختی دارند و خداوند توانا و انتقام‌گیرنده است.
- ۵- شکی نیست که هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر خدا پنهان نمی‌ماند.
- ۶- او است که شما را در رحم‌های (مادران) هر آنگونه که بخواهد شکل می‌بخشد (و بصورت‌های مختلف می‌آفریند). جز او خدایی نیست (و همو) عزیز و حکیم است.
- ۷- او است که کتاب (قرآن) را بر تو نازل کرده است. بخشی از آن، آیه‌های (متشابهات) است، (و معانی دقیقی دارند و احتمالات مختلفی در آن‌ها می‌رود). و اما کسانی که در دل‌هایشان کژی است (و گریز از حق، زوایای وجودشان را فرا گرفته است) برای فتنه‌انگیزی و تاویل (نادرست) به دنبال متشابهات می‌افتند. در حالی که تاویل (درست) آن‌ها را جز خدا و کسانی نمی‌دانند که راسخان (و ثابت قدمان) در دانش هستند. (این چنین وارستگان و فرزانه‌گانی) می‌گویند: ما به همه آن‌ها ایمان داریم (و در پرتو دانش می‌دانیم که محکمت و متشابهات) همه از سوی خدای ما است. و (این را) جز صاحبان عقل (سلیمی که از هوی و هوس فرمان نمی‌برند، نمی‌دانند و) متذکر نمی‌شوند.

۸- (چنین فرزنانگان خردمندی می‌گویند): پروردگارا! دل‌های ما را (از راه حق) منحرف مگردان بعد از آنکه ما را (حلاوت هدایت چشاند و به سوی حقیقت) رهنمود نموده‌ای، و از جانب خود رحمتی به ما عطا کن بی‌گمان بخشایشگر تویی تو.

۹- پروردگارا! تو مردمان را در روزی که تردیدی در آن نیست جمع خواهی کرد (تا همگان را در برابر کارشان پاداش دهی و بدین امر وعده داده‌ای و) بی‌گمان خدا خلاف وعده نمی‌کند.

۱۰- (در چنین روزی) به هیچ وجه اموال و اولاد کافران آنان را نمی‌تواند از (عذاب) خدا نجات دهد (و مایه‌ی رهایی ایشان از عذاب خدا گردد) و ایشان افروزید آتش (دوزخ) هستند.

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَابِئًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠﴾﴾

[آل عمران: ۱۸-۲۰].

۱۸- خداوند (با نشان دادن جهان هستی بگونه یک واحد بهم پیوسته و یک نظام یگانه و ناگسسته، عملاً) گواهی می‌دهد اینکه معبودی جز او نیست، و اینکه او (در کارهای آفریدگان خود) دادگری می‌کند، و فرشتگان و صاحبان دانش (هر یک بگونه‌ای در این باره) گواهی می‌دهند. جز او معبودی نیست که هم توانا است و هم حکیم.

۱۹- بی‌گمان دین (حق و پسندیده) در پیشگاه خدا اسلام (یعنی خالصانه تسلیم فرمان الله شدن) است (و این، آئین همه پیغمبران بوده است) و اهل کتاب (در آن) به اختلاف برنخواستند مگر بعد از آگاهی (برحقیقت و صحت آن؛ این کار هم) بسبب ستمگری و سرکشی میان خودشان بود (و انگیزه‌ای جز ریاست خواهی و انحصارطلبی

نداشت). و کسی که به آیات خدا (اعم از آیات دینی در آفاق و انفس، یا آیات خواندنی در کتاب‌های آسمانی پشت کند و) کفر ورزد (بداند که) بی‌گمان خدا زود حسابرسی می‌کند.

۲۰- پس اگر با تو به ستیز پرداختند، بگو من و کسانی که از من پیروی نموده‌اند، خویشان را تسلیم خدا کرده‌ایم و رو بدو نموده‌ایم. و بگو به اهل کتاب (یعنی یهودیان و مسیحیان) و به بیسوادان (یعنی مشرکان عرب): آیا شما تسلیم شده‌اید؟ اگر تسلیم شوند، بی‌گمان هدایت یافته‌اند (و راه را از چاه باز شناخته‌اند) و اگر سرپیچی کنند (نگران مباش؛ زیرا) بر تو ابلاغ (رسالت) است و بس، و خدا بینا به (اعمال و عقائد) بندگان است.

﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۶﴾﴾ [آل عمران: ۲۶].

۲۶- بگو: پروردگارا! ای همه چیز از آن تو! تو هر که را بخواهی حکومت و دارایی می‌بخشی و از هر که بخواهی حکومت و دارایی را بازپس می‌گیری، و هر کس را بخواهی عزت و قدرت می‌دهی و هر کس را بخواهی خوار می‌داری، خوبی در دست تو است و بی‌گمان تو بر هر چیز توانایی.

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ ﴿۸۵﴾﴾ [آل عمران: ۸۵].

۸۵- و کسی که غیر از (آئین و شریعت) اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زمره‌ی زیانکاران خواهد بود.

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُعْذِبُ الْإِنْسَانَ أَيُّ شَيْءٍ يَسْتَلْبِهُهُ حَيْثُ مَا وَجَدَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسْحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۵۱﴾﴾ اَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۵۵﴾﴾

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٤﴾ [الأعراف: ٥٤-٥٦].

۵۴- پروردگار شما خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش دوره بیافرید، سپس به اداره جهان هستی پرداخت. با (پرده تاریک) شب، روز را می‌پوشاند و شب شتابان به دنبال روز روان است. خورشید و ماه و ستارگان را بیافریده است و جملگی مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که تنها او می‌آفریند و تنها او فرمان می‌دهد. بزرگوار و جاویدان و دارای خیرات فراوان، خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

۵۵- پروردگار خود را فروتنانه و پنهانی بکمک بخواهید (و در دعا با بلند گرداندن صدا یا درخواست چیز ناروا از حد اعتدال تجاوز نکنید که) تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.

۵۶- در زمینه بعد از اصلاح آن (توسط خدا یا بر دست انبیاء علی الخصوص محمد مصطفی) فساد و تباهی نکنید. و خدا را بیمناکانه و امیدوارانه بفریاد خوانید؛ (بیم از عدم پذیرش، و امید به رحمتش). بی‌گمان رحمت یزدان به نیکوکاران نزدیک است. (پس نیکوکار باشید تا دعای شما پذیرفته گردد و رحمت خدا شامل شما شود).

﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١١٠﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وِليٌّ مِنَ الدُّلَىٰ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا ﴿١١١﴾﴾ [الإسراء: ١١٠-١١١].

۱۱۰- بگو: (خدا را) با (الله) یا (رحمن) به کمک طلبید (فرقی نمی‌کند، و خدا را به نامها و صفات متعدد به فریاد خواندن، مخالف توحید نیست) خدا را به هر کدام از (اسماء حسنی) بخوانید (مانعی) ندارد و تعداد اسماء نشانه‌ی تعدد مسمی نیست (و او دارای نامهای زیبا است (که هر یک معرف کاری از کارها و بیانگر زاویه‌ای از کمالات یزدان جهان است. ای پیغمبر هنگامی که به نماز ایستادی) نمازت را بلند یا آهسته بخوان و بلکه میان آن دو راهی پیش گیر (که میانه روی و اعتدال است).

۱۱۱- بگو: حمد و سپاس خداوندی را سزااست که برای خود فرزندی برنگزیده است و در فرمانروایی و مالکیت (جهان) انبازی انتخاب ننموده است و یآوری بخاطر ناتوانی نداشته است. بنابراین او را چنانکه باید به عظمت بستا (و زبان به بزرگواریش بگشا).

﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴿۱۷﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿۱۸﴾ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿۱۹﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ﴿۲۰﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۲۱﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ ﴿۲۲﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿۲۳﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۲۴﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ﴿۲۵﴾ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُونٌ ﴿۲۶﴾ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲۷﴾﴾ [الروم: ۱۷-۲۷].

۱۷- پس به تنزیه خدا (از هر عیب و نقص و چیزهایی که لایق جلال و کمال او نیست) سحرگاهان و شامگاهان (و همه اوقات و اوان) بپردازید.

۱۸- در آسمانها و زمین (و در همه اوقات، بویژه) عصرگاهان و زمانی که به دم ظهر رسیده‌اید، خدای را حمد و ستایش کنید.

۱۹- خداوند همواره زنده را از مرده، و مرده را از زنده می‌آفریند، و زمین موات را حیات می‌بخشد، و همینگونه (سهل و ساده، به سادگی آفرینش مکرر و همیشگی حیات از موات، شما آفرینش دوباره می‌یابید و از گورها بیرون آورده می‌شوید (و رستاخیز برپا می‌گردد).

۲۰- یکی از نشانه‌های (دال بر عظمت و قدرت) خدا این است که (نیای) شما را از خاک آفرید و سپس شما انسان‌ها (به مرور زمان زیاد شدید و در روی زمین برای تلاش در پی معاش) پراکنده گشتید.

۲۱- و یکی از نشانه‌های (دال بر قدرت و عظمت) خدا این است که از جنش خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان (در پرتو جاذبه و کشش قلبی) بیارامید، و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت (و هر یک را شیفته و دلباخته‌ی دیگری ساخت، تا با آرامش و آسایش، مایه شکوفایی و پرورش شخصیت همدیگر شوید، و پیوند زندگی انسان‌ها و تعادل جسمانی و روحانی آن‌ها برقرار و محفوظ باشد). مسلماً در این (امور) نشانه‌ها و دلایلی (بر عظمت و قدرت خدا) است برای افرادی که (درباره‌ی پدیده‌های جهان و آفریده‌های یزدان) می‌اندیشند.

۲۲- و از زمره‌ی نشانه‌های (دال بر قدرت و عظمت) خدا آفرینش آسمان‌ها و مختلف بودن زبان‌ها و رنگ‌های شما است. بی‌گمان در این (آفرینش کواکب فراوان جهان که با نظم و نظام شگفت آور گردانند، و در این تنوع خلقت) دلایلی است برای فرزنانگان و دانشوران.

۲۳- و از نشانه‌های (قدرت و عظمت) خدا، خواب شما در شب و روز است، و تلاش و کوششتان برای (کسب و کار و) بهره‌مندی از فضل خدا. قطعاً در این (امور، یعنی مساله خواب، و تلاش در پی معاش) دلایلی است برای کسانی که گوش شنوا داشته باشند (و حقیقت را بپذیرند).

۲۴- و از زمره نشانه‌های (دال بر قدرت و عظمت) خدا، یکی این است که خدا برق را هم که باعث ترس است و هم مایه‌ی امید، به شما می‌نمایاند، و از آسمان آب مهمی را می‌باراند، و زمین را بعد از مرگش، (یعنی خشک و سوزان بودن) به وسیله آن آب زنده (و سرسبز) می‌گرداند. بی‌گمان در این (درخشش آذرخش آسمان و نزول باران و آبیاری زمین و سرسبز شدن آن) دلایلی است برای فهیمدگان و خردمندان.

۲۵- و از جمله‌ی دلایل و نشانه‌های (کمال قدرت و نهایت عظمت) خدا یکی هم این است که آسمان و زمین (بدین ساختار استوار و صورت زیبا) ساخته و پرداخته‌ی او و به فرمان وی برپا است. بعدها وقتی (که بخواهد مردمان را می‌میراند، و این نظم و نظام را خراب می‌گرداند، و برای زنده شدن) شما را از زمین با ندایی فرا می‌خواند و شما فوراً (مطیعانه و شتابان از زمین) بیرون می‌آیید.

۲۶- هر که و هر چه در آسمان‌ها و زمین است، از آن خداست، و جملگی فرمانبردار او هستند.

۲۷- او است که آفرینش را آغاز کرده است و سپس آن را باز می‌گرداند، و این برای او آسان‌تر است. (زیرا کسی که بتواند کاری را در آغاز انجام دهد، قدرت بر اعاده‌ی آن را نیز دارد). بالاترین وصف، در آسمان‌ها و زمین متعلق به خدا است، و او بسیار باعزت و اقتدار، و سنجیده و کار بجا است. (لذا در عین قدرت نامحدود، کاری بی‌حساب انجام نمی‌دهد، و بلکه همه کارهای او از روی حکمت است).

﴿حَمْدٌ لِّمَنْ تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿۱﴾ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿۳﴾﴾ [غافر: ۱-۳].

۱- ح. ميم.

۲- فرو فرستادگان این کتاب (قرآن) از سوی یزدان چیره و آگاه انجام می‌پذیرد.
۳- یزدانی که بخشنده‌ی گناه، پذیرنده‌ی توبه، دارای عذاب سخت، و صاحب انعام و احسان است. هیچ معبودی جز او وجود ندارد. بازگشت به سوی او است.

﴿هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۶۵﴾﴾ [غافر: ۶۵].

۶۵- زنده‌ی جاوید او است. جز او خدایی وجود ندارد، پس او را به فریاد خوانید و عبادت را خاص او بدانید. سپاس و ستایش الله را سزااست که پروردگار جهانیان است.

﴿وَإِنَّمَا يَنزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۳۶﴾﴾ [فصلت: ۳۶].

۳۶- هرگاه وسوسه‌ای از شیطان (در این مسیر) متوجه تو گردید (به هوش باش و در مقابل آن مقاومت کن و) خود را به خداوند بسپار (و به سایه‌ی لطف او پناه بر) که او بس شنوا و آگاه است (و تو را می‌پاید و محافظت می‌نماید).

﴿فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۳۶﴾ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۳۷﴾﴾ [الجنات: ۳۶-۳۷].

۳۶- ستایش تنها خداوندی را سزااست که پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار همه جهانیان است.

۳۷- بزرگواری و والایی در آسمان‌ها و زمین، از آن اوست، و او صاحب عزت و قدرت، و دارای حکمت و فلسفه (در همه‌ی امور) است.

﴿سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۱﴾ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲﴾ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۳﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۴﴾ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿۵﴾ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۶﴾﴾ [الحديد: ۱-۶].

۱- هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خدای را تسبیح و تقدیس می‌کنند (و با کرنش و پرستش رضای او را می‌جویند) و خدا چیره‌ی کاردان است.

۲- مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و او زنده می‌گرداند و می‌میراند، و او بر هر چیزی تواناست.

۳- او پیشین و پسین و پیدا و ناپیداست، و او آگاه از همه چیز است.

۴- او است که آسمان‌ها و زمین را در شش دوره آفرید و سپس بر تخت (فرمانروایی کائنات) قرار گرفت. و او می‌داند چه چیز به زمین نازل و از آن خارج می‌شود، و چه

چیز از آسمان پایین می‌آید و بدان بالا می‌رود. و او در هر کجا که باشید، با شما است. و خدا می‌بیند هر چیزی را که می‌کنید.

۵- مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن اوست، و همه کارها بدو بگردانده می‌شود.

۶- او شب را در روز، و روز را در شب داخل می‌گرداند (و گاهی از شب می‌کاهد و بر روز می‌افزاید، و گاهی از روز می‌کاهد و بر شب می‌افزاید، و نور و ظلمت را بدنبال هم آهسته و آرام روان می‌دارد) و او از انسان‌ها و رازهای سینه‌ها مطلع و باخبر است.

﴿يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَرَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۰].

۲۰- چنان است که گویی آذرخش آسمان می‌خواهد (نور) چشمانش را برباید. هرگاه که (پیش پای ایشان را) روشن می‌دارد، به پیش می‌روند. و چون (محیط) ایشان تاریک شود، بر جای خود می‌مانند. و اگر خدا می‌خواست گوش و چشمان ایشان را از میان می‌برد. چه خدا بر هر چیزی تواناست.

﴿مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ [البقرة: ۱۰۵].

۱۰۵- کافران اهل کتاب و همچنین مشرکان، دوست نمی‌دارند خیر و برکتی از جانب خدایتان بر شما نازل گردد و به شما دست دهد، در حالی که خداوند (به خواست و آرزوی ایشان توجهی نمی‌کند و) به هر کس که بخواهد رحمت خویش را اختصاص می‌دهد، و خدا دارای فضل سترگ و بخشش بزرگ است.

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَعْفُوا وَأَصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ۱۰۹].

۱۰۹- بسیاری از اهل کتاب، از روی رشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است، آرزو دارند اگر بشود شما را بعد از پذیرش ایمان بازگردانند (به جانب کفر و به حال سابقی که داشتید!) با اینکه حقانیت (اسلام و درستی راهی که برگزیده‌اید، از روی خود کتاب‌های آسمانی شان) برایشان کاملاً روشن گشته است. پس گذشت نمائید و چشم پوشی کنید تا خدا فرمان دهد (که در برابرشان چه کار کنید). بی‌گمان خداوند بر هر چیزی تواناست.

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾﴾ [البقرة: ۲۴۷].

۲۴۷- و پیغمبرشان به آنان گفت: خداوند طالوت را برای زمامداری شما روانه کرده است. بزرگان قوم گفتند: چگونه او بر ما حکومت داشته باشد با اینکه ما از او برای زمامداری سزاوارتریم و او که مال و دارایی زیادی ندارد؟ گفت: خدا او را بر شما برگزیده است و دانش و (قدرت) جسم او را وسعت بخشیده است و خداوند ملک خود را به هر کس که بخواهد می‌بخشد. و (احسان و تصرف و قدرت) خداوند فراخ، و آگاه (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) است.

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا^ط وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ^ب وَسَأَلُوا اللَّهَ مِن فَضْلِهِ^ع إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٣٢﴾﴾ [النساء: ۳۲].

۳۲- آرزوی چیزی نکنید که خداوند برخی از شما را با (اعطای) آن بر برخی دیگر برتری داده است (و مردان را در بعضی از چیزها بر زنان، و زنان را در بعضی از چیزها بر مردان فضیلت داده و مرحمت روا دیده است). مردان نصیبی دارند از آنچه فراچنگ می‌آورند و زنان (هم) نصیبی دارند از آنچه بدست می‌آورند (و هر یک از زنان و مردان دارای سرشتی و حقوقی فرا خود حال خود می‌باشند. پس با تلاش و کوشش شبانه

روزی رحمت و برکت خدا را بجوئید) و طلب فضل او کنید. بی گمان خداوند (کاملاً) آگاه از هر چیزی بوده (و به هر نوعی چیزی بخشیده است که شایسته‌اش بوده است).

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَاتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴿٥٤﴾ فَمِنْهُمْ مَن آمَنَ بِهِ ۖ وَمِنْهُمْ مَن صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿٥٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا نَضَجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾﴾ [النساء: ۵۴-۵۶].

۵۴- آیا آنان بر چیزی حسد می‌برند که خداوند از روی فضل و رحمت خود (با برانگیختن محمد) به مردم (عرب) داده است؟ ما که به آل ابراهیم (که ابراهیم نیای شما و ایشان است) کتاب (آسمانی) و پیغمبری و پادشاهی عظیمی دادیم. (مانند: سلطنت یوسف در مصر، و شاهی داود و سلیمان در شام).

﴿وَلَيْنَ أَصَابِكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لِيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَلَيَّتِنِي كُنْتَ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧٣﴾﴾ [النساء: ۷۳].

۷۳- و اگر رحمت خدا در برتان گرفت (و پیروزی و غنیمتی به شما دست داد) درست مثل اینکه هرگز میان شما و ایشان مودت و دوستی نبوده، می‌گویند: ای کاش! ما هم با آنان می‌بودیم و (از این پیروزی و دستاورد فراوان غنیمت) بس بهره می‌بردیم.

﴿وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا ۖ وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾﴾ [الأعراف: ۱۹۸].

۱۹۸- و اگر از آن‌ها رهنمود بخواهید، درخواست شما را نمی‌شنوند چه رسد به اینکه شما را ارشاد و راهنمایی کنند. و بظاهر پکیره‌ی آن‌ها را می‌بینید که انگار با چشمان خود به شما می‌نگرند، و لیکن چیزی را نمی‌بینند.

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ ۗ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ ﴿٥٩﴾﴾ [التوبة: ۵۹].

۵۹- اگر آنان بدانچه خدا و پیغمبرش بدیشان داده است (و قسمت ایشان کرده است) راضی می‌شدند و می‌گفتند: (دستور) خدا ما را بسنده است و خداوند از فضل و احسان خود به ما می‌دهد و پیغمبرش (بیش از آنچه به ما داده است این بار به ما عطا می‌کند، و) ما (به فضل و بخشایش پروردگار خود چشم دوخته و) تنها رضای خدا را می‌جوییم، (اگر چنین می‌گفتند و می‌کردند، به سود آنان بود).

﴿يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلِمِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكْ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧٤﴾﴾
[التوبة: ٧٤].

۷۴- منافقان به خدا سوگند می‌خورند که (سخنان زنده‌ای) نگفته‌اند، در حالی که قطعاً سخنان کفرآمیز گفته‌اند و پس از ایمان آوردن، به کفر برگشته‌اند و قصد انجام کاری کرده‌اند که بدان نرسیده‌اند (و آن گشتن پیغمبر به هنگام بازگش از جنگ تبوک بود). چیزی که این منافقان را بر سر خشم آورد و سبب انتقام گرفتن آنان شود وجود ندارد، مگر اینکه خدا و پیغمبرش به فضل و کرم خود آنان را (با اعطاء غنائم که هدف ایشان در زندگی است) بی‌نیاز گردانده‌اند (و این هم نباید مایه خشم و انتقام ایشان شود). اگر آنان توبه کنند، (خداوند توبه ایشان را می‌پذیرد و) این برایشان بهتر خواهد بود، و اگر روی بگردانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت به عذاب بسیار دردناکی کیفر می‌دهد، و در سراسر روی زمین نه دوستی و نه یابوری خواهند داشت.

﴿وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٧﴾﴾ [يونس: ١٠٧].

۱۰۷- اگر خداوند زبانی به تو برساند، هیچکس جز او نمی‌تواند آن را برطرف گرداند، و اگر بخواهد خیری به تو برساند، هیچ کس نمی‌تواند فضل و لطف او را از تو

برگرداند. خداوند فضل و لطف خود را شامل هر کس از بندگانش که بخواهد می کند (و کسی نمی تواند مانع آن گردد) و او دارای مغفرت و مهر فراوان است.

﴿وَقَالَ يَبْنَئِي لَا تَدْخُلُوا مِنِّي بَابٍ وَاحِدٍ وَأَدْخُلُوا مِنِّي أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٧﴾﴾ [یوسف: ۶۷].

۶۷- (یعقوب به عهد و پیمان موکد فرزندان خود دل بست و شفقت پدری او را بر آن داشت که آنان را راهنمایی و نصیحت کند) و گفت: ای فرزندانم! از یک در (به مصر) داخل نشوید، بلکه از درهای گوناگون وارد شوید (تا از حسادت حسودان و چشم زخم پلیدان در امان بمانید. ولی بدانید که من با این تدبیر) نمی توانم چیزی را که خدا مقرر کرده باشد از شما بدور سازم. (یقیناً آنچه باید بشود می شود، و راهی برای دفع بلا جز رعایت اسباب و علل پیدا و توسل به خدا سراغ ندارم). تنها حکم و فرمان از آن یزدان است. (دافع شر و جالب خیر جهان فقط ایزد سبحان است). بر او توکل می کنم (و از او استمداد می جویم و کارم را بدو واگذار می کنم) و باید که توکل کنندگان بر او توکل کنند و بس (و کار خویش را بدو حواله دهند).

﴿وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿١٤﴾ لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَرُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ ﴿١٥﴾ وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَرَازِبَةً لِلنَّظِيرِينَ ﴿١٦﴾ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ ﴿١٧﴾ إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ وَشَهَابٌ مُّبِينٌ ﴿١٨﴾﴾ [الحجر: ۱۴-۱۸].

۱- اگر (به فرض) دری از آسمان به روی آنان بگشاییم و ایشان از آنجا شروع به بالا رفتن کنند (و فرشتگان و شگفتی های جهان بالا را با چشم خود ببینند).

۲- بی گمان خواهند گفت: حتماً ما را چشم بندی کرده اند (و آنچه می بینیم ابداً واقعیت ندارد!) و بلکه ما را جادو نموده اند (این است که چیزها را عوضی می بینیم).

۳- ما در آسمان بر جهانی نجومی پدید آورده ایم (که تقویم مجسم جهان و بیانگر نظام شگرف و حساب دقیق آن است) و آن را برای بینندگان آراسته ایم (تا از این منظره ی زیبای بالا به قدرت آفریدگار تعالی پی ببرند).

۴- و آسمان را از (دستبرد و دسترسی) هر اهریمن ملعون و مطرودی محفوظ و مصون داشته‌ایم.

۵- و اما هر که از آن‌ها دزدکی گوشه‌ای فرا دارد، آذرخش روشنی به سراغ او می‌رود.

﴿وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ تَرَنَّا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا﴾ [الكهف: ۳۹].

۳۹- کاش! وقتی که وارد باغ می‌شدی (و این همه نعمت و مرحمت، و آثار قدرت و عظمت را می‌دید) می‌گفتی: ما شاء الله! (این نعمت از فضل و لطف خدا است، و آنچه خدا بخواهد شدنی است!) هیچ قوت و قدرتی جز از ناحیه‌ی خدا نیست (و اگر مدد و توفیق او نباشد، توانایی عبادت و پرستش را نخواهیم داشت. ای رفیق ناسپاس) اگر می‌بینی که از نظر اموال و اولاد از تو کم‌ترم، (اما....).

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلَلِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَرِ﴾ [النور: ۴۳-۴۴].

۴۳- مگر نمی‌دانی که خداوند ابرها را آهسته (به سوی هم) می‌راند، سپس آن‌ها را گرد می‌آورد، بعد آن‌ها را متراکم و انباشته می‌سازد، آنگاه می‌بینی که باران از بالا به بیرون آن‌ها می‌ریزد، و نیز خدا از آسمان، از ابرهای کوه مانند آن، تگرگ‌های بزرگی را فرود می‌آورد، و هر کس را بخواهد با آن زیان می‌رساند، و هر کس را بخواهد از زیان آن بدور می‌دارد. درخشش برق (حاصل از اصطکاک) ابرها (آن اندازه نیرومند است) نزدیک است چشم‌ها را (خیره و) از میان بردارد. (هر یک از این پدیده‌ها دلیل بر قدرت خدا و موجب ایمان به آفریدگار آن‌ها است).

۴۴- خدا شب و روز را (با کوتاه و دراز کردن، و گرم و سرد نمودن، و یکی از ظاهر و دیگری را محو ساختن، و دیگر حوادث و فعل و انفعال‌ها) دگرگون می‌نماید. واقعاً در

این (کار تغییر احوال) عبرت بزرگی برای کسانی است که چشم داشته باشند (و بنگرند و بیندیشند و نتایج گشت و گذار و تغییر تدریجی شب و روز که سرچشمه‌ی پیدایش فصول چهارگانه و عامل اصلی حیات موجودات زنده است در مدنظر دارند).

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ

هَادٍ ﴿٣٦﴾ [الزمر: ۳۶].

۳۶- آیا خداوند برای (حفاظت و حمایت از) بنده‌اش کافی نیست؟ آنان تو را از کسانی جز خدا می‌ترسانند. (مگر بت‌ها و معبودهای دروغین و عداوت کافران و دشمنان و طوفان حوادث زمان، می‌توانند کم‌ترین زیانی به کسی برسانند که خدا پشتیبان او است؟) هر کس را خدا گمراه کند، راهنما و رهبری نخواهد داشت.

﴿تَبَرَّكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَوُّتٍ فَأَرْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ ﴿٣﴾ ثُمَّ أَرْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ حَاسِنًا وَهُوَ حَسِيرٌ ﴿٤﴾﴾ [الملک: ۱-۴].

۱- بزرگواری و دارای برکات بسیار، آن کسی که فرمانروائی (جهان هستی) از آن او است و او بر هر چیزی کاملاً قادر و توانا است.

۲- همان کسی که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید کدامتان کارتان بهتر و نیکوتر خواهد بود. او چیره و توانا، و آمرزگار و بخشاینده است.

۳- آنکه هفت آسمان را بالای یکدیگر و هماهنگ آفریده است. اصلاً در آفرینش و آفریده‌های خداوند مهربان خلل و تضاد و عدم تناسبی نمی‌بینی (و بلکه هستی با تمام عظمت که دارد، از انسجام و استحکام شگفت برخوردار است، و نظم و نظام عجیب و قوانین و روابط دقیق بر ذره ذره‌ی کائنات حکمفرماست). پس دیگر باره بنگر (و با دقت جهان را واری کن) آیا هیچگونه خلل و رخنه‌ای می‌بینی؟

۴- باز هم (دیده خود را بگشای و به عالم هستی بنگر و) بارها و بارها بنگر و ورنه انداز کن. دیده سرانجام فروهشته و حیران، و درمانده و ناتوان، به سویت باز می‌گردد.

﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾﴾ [القلم: ۵۱-۵۲].

۵۱- نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می‌شنوند، تو را با چشمان (خیره و زل زده‌ی) خود به سر در آورند و هلاک سازند، و می‌گویند: او قطعاً دیوانه است.
۵۲- در صورتی که قرآن جز اندرز و پند جهانیان و مایه‌ی بیداری و هوشیاری ایشان نیست.

﴿فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾﴾

[الحاقة: ۳۸-۴۰].

۳۸- سوگند می‌خورم به آنچه می‌بینید!

۳۹- و سوگند می‌خورم به آنچه نمی‌بینید!

۴۰- این (قرآن از سوی خدا آمده است و) گفتاری است (که) از (زبان) پیغمبر بزرگواری (به نام محمد پخس و تبلیغ می‌شود).

﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ ﴿٧﴾ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُغُ ﴿١٠﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿١٢﴾﴾ [القيامة: ۷-۱۲].

۷- (پاسخ ایشان این است): هنگامی که چشم‌ها (از شدت هول و هراس) سراسیمه و آشفته می‌شود.

۸- و ماه بی‌نور و روشنایی می‌گردد.

۹- و خورشید و ماه گردآوری می‌گردد.

۱۰- انسان در آن روز خواهد گفت: راه گریز کجاست؟ (گریز میسر نیست).

۱۱- خیر! (اصلاً) گریزگاهی در میان نیست، و گریز ممکن نیست و هیچگونه پناهگاهی وجود ندارد.

۱۲- در آن روز، قرارگاه (بهشت و دوزخ) در دست پروردگار تو است.

﴿وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ ۗ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمٌ وَلَا كَنَّ الشَّيْطِينُ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحَرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۗ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۗ وَلَقَدْ عَلَّمُوا لِمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۲﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۳﴾﴾ [البقرة: ۱۰۲-۱۰۳].

۱۰۲- و (گروهی از احبار یهود) به آنچه شیاطین صفتان و گناه پیشگانشان درباره سلطنت سلیمان (به هم می‌بافتند و بر مردم) می‌خواندند، باور داشتند و از آن پیروی نمودند. (چه گمان می‌بردند که سلیمان پیغمبر نبوده و بلکه جادوگر بوده است و با نیروی سحر، پری‌ها و پرنده‌گان و بادها را به زیر فرمان خویش در آورده است و لذا شاه جادوگر کافری بیش نبوده است). و حال آنکه سلیمان هرگز (دست به سحر نیالوده و) کفر نورزیده است و بلکه (این) شیاطین صفتان گناه پیشه، کفر ورزیده‌اند. (زیرا چنین سخنانی را به هم بافته و به پیغمبر خدا سلیمان افتراء بسته و به جای دستورات آسمانی به مردم) جادو و (خرافات و از آثار بجامانده) آنچه در بابل به دو فرشته هاروت و ماروت نازل گردیده بود می‌آموزند. (دو فرشته‌ای که طریق سحر کردن را برای آشنایی به طرز ابطال آن به مردم یاد می‌دادند) و به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند، مگر اینکه پیشاپیش بدو می‌گفتند: ما وسیله آزمایش هستیم کافر نشو (و آنچه به تو می‌آموزیم، به آشوب و کفر منتهی می‌گردد. آن را بشناس و خویشتن را از آن بدور دار. لیکن مردم نصیحت نپذیرفتند و از آموخته‌هایشان سوء استفاده کردند). از ایشان چیزهایی آموختند (و در راهی از آن استفاده کردند) که با آن میان مرد و همسرش جدایی می‌افکندند. (آری این شیطان صفتان گناه پیشه، کفر ورزیدند، چون این یاوه گوئی‌ها و افسانه سرائی‌های گذشتگان را به هم می‌بافتند و آن را وسیله آموزش جادو به یهودیان کردند) و حال آنکه

با چنین جادویی (خویش) نمی‌توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست خدا باشد. و آنان قسمت‌هایی را فرا می‌گرفتند که برایشان (از لحاظ دنیا و آخرت) زیان داشت و بدیشان سودی نمی‌رساند. و مسلماً می‌دانستند هر کسی خریدار اینگونه متاع باشد، بهره‌ای در آخرت نخواهد داشت. و چه زشت و ناپسند است آنچه خود را بدان فروخته (و آن را پیشه خویشتن ساخته‌اند) اگر می‌دانستند (و علم و دانشی می‌داشتند).

۱۰۳- و اگر آنان ایمان می‌آوردند و پرهیزگاری می‌کردند (پروردگار پاداش نیکی به آنان می‌داد و چنین) پاداشی که نزد خدا (محفوظ) است. بهتر از (افسانه‌ها و بدن‌هادی‌ها) است، اگر (علم و دانشی می‌داشتند و) می‌دانستند.

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يُفْرِعُونَ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾ حَقِيقٌ عَلَىٰ أَن لَّا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٠٥﴾ قَالَ إِن كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَآتِ بِهَا إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٠٦﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿١٠٧﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ ﴿١٠٨﴾ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٩﴾ يُخْرِجُكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ مَّاذَا تَأْمُرُونَ ﴿١١٠﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَلِيزِينَ ﴿١١١﴾ يَا ثُوكَّ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿١١٢﴾ وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٣﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿١١٤﴾ قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَن تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ نَحْنُ الْمُلْكِينَ ﴿١١٥﴾ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ ﴿١١٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَن أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ ثَلْجٌ مَّن مَّاءٍ لَّيْلًا قَدْ جِئْتَ الْفَلَاءَ أَلْقِهَا وَاعْتَصِمْ بِالْعُلَمَاءِ الَّذِينَ هَدَىٰ رَبُّكَ فَاعْلَمُوكَ وَرَبُّكَ الْغَلِيظُ ﴿١١٧﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فَعُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ ﴿١١٩﴾ وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سُدُجًا ﴿١٢٠﴾ قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢١﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٢﴾﴾ [الأعراف: ۱۰۴-۱۲۲].

۱۰۴- موسی گفت: ای فرعون! من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیان هستم (آمده‌ام تا دعوت او را به تو و درباریان و دیگر مردمان برسانم و همگان را به سوی شریعت او فراخوانم).

۱۰۵- سزاوار است که از زبان خدا جز حق نگویم. من از سوی پروردگارتان معجزه بزرگی برای شما دادم (که به روشنی بر حقانیت رسالت من دلالت می‌نماید) پس بنی اسرائیل را (از زنجیر اسارت و بردگی خود آزاد ساز و آنان را به من واگذار و) همراه من بفرست (تا از سرزمین تو بکوچند و به سرزمین دیگری روند و در آنجا به پرستش خدای یگانه مشغول شوند).

۱۰۶- فرعون گفت: اگر معجزه بزرگ و دلیل سترگی با خودداری، آن را بنمای، اگر از زمره راستگویانی (و خویشتن را پیغمبر خدا می‌دانی).

۱۰۷- پس موسی فوراً عصای خود را بینداخت، بناگاه بصورت اژدهای آشکاری در آمد (که از حیات کامل برخوردار بود و بدین سو و آن سو می‌خزید و می‌جهید).

۱۰۸- و دست خود را (از گریبان) بیرون آورد، بناگاه بینندگان دیدند که (همچون خورشید درخشان و) سفید است.

۱۰۹- (هنگامی که موسی نشانه بزرگ خدا را بنمود) اشراف قوم فرعون (از راه تملق و چاپلوسی با فرعون هماوا شدند و) گفتند: واقعاً این جادوگر ماهری است! (و کاری که می‌کند معجزه خدایی نیست).

۱۱۰- او می‌خواهد شما را از سرزمین‌تان (که مصر است) بیرون کند. چه می‌اندیشید و چه نظر می‌دهید؟ (آیا باید در حق او چه کرد؟)

۱۱۱- (سپس به فرعون) گفتند: (عجله مکن و جریان کار) او و برادرش (هارون) را به تاخیر بینداز و (کسانی از لشکریان خود را) به شهرها بفرست تا (جادوگران مجرب را) جمع کنند (و بدینجا گسیل دارند).

۱۱۲- تا همه جادوگران ماهر را (به خدمت تو) بیاورند (و جادوی موسی را باطل و کار او را یکسره سازند و دیگر کسی گول او را نخورد و بدنال او نرود).

۱۱۳- جادوگران نزد فرعون آمدند و گفتند: آیا اگر ما پیروز گردیم اجر و پاداش مهمی خواهیم داشت؟

- ۱۱۴- گفت: آری! و (علاوه از آن) شما از مقربان (درگاه ما) خواهید بود.
- ۱۱۵- (سپس جادوگران مغرورانه رو به موسی کردند و) گفتند: ای موسی! یا تو (عصای خود را) بینداز یا ما (ریسمان‌های خویش را) می‌اندازیم.
- ۱۱۶- موسی گفت: شما (آنچه دارید) بیندازید، هنگامی که (وسائل جادوگری خود را) بینداختند، مردم را چشم بندی کردند و ایشان را به هراس افکندند و جادوی بزرگی از خود نشان دادند.
- ۱۱۷- به موسی وحی کردیم که عصای خود را بینداز. ناگهان (به صورت اژدهایی درآمد و) به سرعت آنچه را به هم می‌بافتند (و تزویرهایی را که می‌نمودند همه را) بلعید.
- ۱۱۸- پس حق (یعنی صدق موسی) ثابت و ظاهر گردید و آنچه آنان می‌کردند باطل شد (و پوچ از آب درآمد).
- ۱۱۹- در آنجا که گرد آمده بودند، فرعون و فرعونیان شکست خوردند و از آنجا به شهر خوار و رسوا برگشتند.
- ۱۲۰- و جادوگران به سجده افتادند و کرنش کردند.
- ۱۲۱- گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم.
- ۱۲۲- پروردگار موسی و هارون. (یعنی به خدایی ایمان داریم که موسی و هارون به او ایمان دارند).

﴿قَالَ مُوسَىٰ أَلْقُوا لَهُمْ لِحَاقٍ لِّمَا جَاءَكُمْ بِسِحْرِهِمْ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّحِرُونَ﴾ ﴿٧٧﴾

[یونس: ۷۷].

- ۷۷- موسی گفت: آیا به حق که به سوی شما آمده است، سحر می‌گوئید؟ آیا این (معجزات) جادو است؟ (اگر جادو است من شما را به مبارزه می‌طلبم و از شما می‌خواهم که جادوگران را گرد آورید تا ثابت کنید که این جادو است). به هر حال جادوگران پیروز نمی‌شوند.

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُنُونِي بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا أَلْقُوا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيُحَقِّقُ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾﴾ [یونس: ۷۹-۸۲].

۷۹- فرعون گفت همه جادوگران ماهر و زبردست را به پیش من بیاورید (تا کار این دو جادوگر را بسازید).

۸۰- هنگامی که جادوگران گرد آمدند، موسی بدیشان گفت: (هرچه از فنون سحر می‌دانید به کار بندید و) آنچه می‌توانید بیندازید و بیفکنید (تا ببینیم).

۸۱- هنگامی که (ریسمان‌ها و عصاهای خود را) انداختند، موسی گفت: آنچه ارائه دادید واقعاً جادو است. قطعاً خداوند آن را پوچ و نابود خواهد کرد (و جای شگفت نیست، چرا که) خداوند کار تبهکاران را (بقاء و دوام نمی‌بخشد و) شایسته و سودمند نمی‌گرداند.

۸۲- خداوند با سخنان خود که بر انبیاء نازل می‌کند حق را پایدار و ماندگار می‌گرداند، هرچند که گناهکاران و بزهکاران نپسندند.

﴿قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَٰئِكَ مِنَ الْقَوٰئِ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ أَلْقَوٰهُ فَإِذَا حَبَالُهُمْ وَعَصِيْبُهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَىٰ ﴿٦٧﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ ﴿٦٨﴾ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ﴿٦٩﴾﴾ [طه: ۶۵-۶۹].

۶۵- (جادوگران باد به غیب انداخته) گفتند: ای موسی! آیا تو اول (هنرنمایی خود را می‌کنی و عصای خود را) می‌اندازی. یا ما اول (دست به کار شویم و اسباب و ادوات جادوی خویش را) بیندازیم (و کار تو را یکسره سازیم؟).

۶۶- (موسی) گفت: شما اول (شروع کنید و آنچه دارید جلو) بیندازید. (آنان طناب‌ها و عصاهای خود را انداختند. موسی) چنان به نظرش رسید که بر اثر جادوی ایشان، بناگاه طناب‌ها و عصاهای آنان (مار شده‌اند و می‌خزند و) تند راه می‌روند.

۶۷- در این هنگام موسی در درون خود، احساس اندکی هراس کرد.

۶۸- گفتیم: مترس! حتماً تو برتری (و بر آنان چیره می‌شوی و کارهای باطلشان را شکست خواهی داد).

۶۹- و چیزی را که در دست راست داری بیفکن تا همه ساخته‌های (مزورانه و شعبدهبازی‌های مکارانه‌ی) ایشان را بسرعت ببلعد. چرا که کارهایی را که کرده‌اند، نیرنگ جادوگر است. و جادوگر هر کجا برود پیروز نمی‌شود.

﴿قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٤٣﴾ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْعَٰلِبُونَ ﴿٤٤﴾ فَأَلَقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٤٥﴾ فَأَلَقَى السَّحْرَةَ سَٰجِدِينَ ﴿٤٦﴾ قَالُوا ءَأَمَّا رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿٤٨﴾﴾ [الشعراء: ۴۳-۴۸].

۴۳- (در روز موعود و در میدان مبارزه، موسی) به جادوگران گفت: آنچه را می‌خواهید بیفکنید، بیفکنید! (و هر چه در قدرت دارید بنمائید و به میدان آورید).

۴۴- پس جادوگران (با غرور و نخوت) طناب‌ها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: به عزت فرعون سوگند که ما قطعاً چیره و پیروزیم!

۴۵- موسی (مهلت نداد و) عصای خود را افکند، ناگهان (ازدهای بزرگی گردید و با سرعت) شروع به بلعیدن ابزارهای دروغین ایشان کرد (و آن‌ها را یکی بعد از دیگری در کام خود فرو برد).

۴۶- جادوگران سجده کنان بر زمین فرو افتادند.

۴۷- گفتند: به پروردگار عالمیان ایمان داریم.

۴۸- به پروردگار موسی و هارون.

﴿اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ﴿١﴾ وَإِنْ يَرَوْا ءَايَةَ يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿٢﴾﴾

[القمر: ۱-۲].

۱- قیامت هرچه زودتر فرا می‌رسد، و در آن ماه به دو نیم می‌گردد.

۲- و اگر مشرکان معجزه بزرگی را ببینند از آن رویگردان می‌گردند و بدان ایمان نمی‌آورند و می‌گویند: جادوی گذرا و ناپایداری است.

﴿فَسْتَذْكُرُونَ مَا أَقُولَ لَكُمْ وَأَفَوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٤٤﴾ فَوَقَّهَ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ﴿٤٥﴾ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾﴾ [غافر: ۴۴-۴۶].

۴۴- بزودی آنچه من به شما می‌گویم بخاطر خواهید آورد (و به صدق گفتار من پی خواهید برد). من کار و بار خود را به خدا وامی‌گذارم و حوالت می‌دارم. خداوند بندگان را می‌بیند (و پندار و گفتار و کردارشان را می‌پاید).

۴۵- خداوند (چنین بنده‌ی مومنی را تنها نگذاشت و) او را سوء توطئه‌ها و نیرنگ‌های ایشان محفوظ و مصون داشت، ولی عذاب بدی خاندان فرعون را در برگرفت.

۴۶- و آن آتش دوزخ است که بامدادان و شامگاهان آنان بدان عرضه می‌شوند. (این عذاب برزخ ایشان است) و اما روزی که قیامت برپا می‌شود (خدا به فرشتگان دستور می‌دهد) خاندان فرعون را به شدیدترین عذاب دچار سازید.

﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبًا بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾﴾ [البقرة: ۹۷-۹۸].

۹۷- (بعضی از آنان می‌گویند که: چون جبرئیل، دشمن ایشان، قرآن را برای محمد می‌آورد، آنان با او دشمنی می‌ورزند و کتابش را قبول ندارند. ای پیغمبر! بدیشان) بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خدا است) زیرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه اینکه خودسرانه دست به چنین امری زده باشد). قرآنی که کتاب‌های آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند، و هدایت و بشارت برای مومنان است.

۹۸- کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (خداوند دشمن او است). چه خداوند دشمن کافران است.

﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتَعْرِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُدُلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيَّتِ وَتُخْرِجُ الْمَمِيَّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾ لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكُفْرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتَهِ وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿٢٨﴾ قُلْ إِنْ خُفِّقُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تَبَدُّوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٣٠﴾ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣١﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكُفْرِينَ ﴿٣٢﴾﴾ [آل عمران: ۲۶-۳۲].

۲۶- بگو: پروردگارا! ای همه چیز از آن تو! تو هر که را بخواهی حکومت و دارایی می‌بخشی و از هر که بخواهی حکومت و دارایی را بازپس می‌گیری، و هر کس را بخواهی عزت و قدرت می‌دهی و هر کس را بخواهی خوار می‌داری، خوبی در دست تو است و بی‌گمان تو بر هر چیز توانایی.

۲۷- (بخشی از) شب را جزو روز می‌گردانی (و بدین سبب شب‌ها کوتاه و روزها دراز می‌گردند) و (بخشی از) روز را جزو شب می‌گردانی (و لذا روزها کوتاه و شب‌ها دراز می‌شوند) و زنده را از مرده پدید می‌آوری و مرده را از زنده، و به هر کس که بخواهی بدون حساب روزی می‌بخشی.

۲۸- مومنان نباید مومنان را رها کنند و کافران را به جای ایشان به دوستی گیرند، و هر که چنین کند (رابطه‌ی او با خدا گسسته است و بهره‌ای) وی را در چیزی از (رحمت) خدا نیست - مگر آنکه (ناچار شوید و) خویشان را از (اذیت و آزار) ایشان

مصون دارید و (به خاطر حفظ جان خود تقیه کنید) - و خداوند شما را از (نافرمانی) خود برحذر می‌دارد و بازگشت (همگان) به سوی او است.

۲۹- بگو: اگر آنچه را که در سینه‌هایتان دارید پنهان سازید یا آشکار کنید، خداوند آن را می‌داند و خداوند آگاه از هر چیزی است که در آسمان‌ها و زمین است، و خداوند بر هر چیزی تواناست.

۳۰- (کسانی که از فرمان پروردگارشان سرپیچی می‌کنند، بترسند از) روزی که هر کسی آنچه را از نیکی انجام داده است حاضر و آماده می‌بیند (و مایه سرور او می‌شود) و دوست می‌دارد کاش میان او و آنچه از بدی انجام داده است فاصله زیادی می‌بود (تا دیدار زشت آن را نبیند و به فرجام نامبارک آن، دچار عقاب و عذاب نشود)، و خداوند شما را از (نافرمانی) خودش برحذر می‌دارد، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است (و با نافرمانی از او، رحمت را به زحمت و نعمت را به نعمت تبدیل نکنید).

۳۱- بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.

۳۲- بگو: از خدا و از پیغمبر اطاعت و فرمانبرداری کنید، و اگر سرپیچی کنند (ایشان به خدا و پیغمبر ایمان ندارند و کافرند و) خداوند کافران را دوست نمی‌دارد.

﴿يَمَعَشَرِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رَسُولٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿١٣٠﴾ [الأنعام: ١٣٠].

۱۳۰- (در آن روز خداوند بدیشان می‌گوید): ای جنیان و ای انسان‌ها! آیا پیغمبرانی از خودتان به سوی شما نیامدند و آیات (کتاب‌های آسمانی) مرا برایتان بازگو نکردند و شما را از رسیدن بدین روز (و روبرو شدن در آن با خدا) بیم ندادند؟ (پس چگونه این روز را فراموش کردید و در تکذیب آن کوشیدید؟ در پاسخ) می‌گویند: ما علیه خود گواهی می‌دهیم (و اقرار می‌کنیم که پیغمبران آمدند و آئین خدا را تبلیغ کردند و ما را از قیامت

ترساندند، ولی ما ایشان را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند چیزی را از سوی خود نفرستاده است و جز زندگی این جهان، زندگی دیگری وجود ندارد. آری) زندگی جهان، آنان را گول زد و (به خود مشغول داشت و امروز جز اعتراف چاره ای ندارند و) علیه خود گواهی می دهند (و می گویند) که ایشان کافر بوده اند (و مستحق عذاب جاویدان و خوفناک یزدانند).

﴿قَدْ أَفْتَرْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّيْنَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿٨٩﴾﴾ [الأعراف: ٨٩].

۸۹- اگر ما به آئین شما درآئیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده است، مسلماً به خدا دروغ بسته ایم (و به گزاف خویشتن را پیروان آئین آسمانی نامیده ایم). ما را نسزد که به آن درآئیم، مگر اینکه خدا که پروردگار ما است بخواهد (که هرگز چنین چیزی را هم نخواهد خواست). علم پروردگار ما همه چیز را در بر گرفته است (و او با مرحمت و محبتی که نسبت به مومنان دارد، ایمان ما را محفوظ می فرماید. لذا) ما تنها بر خدا توکل داشته (و هم بدو پشت می بندیم). پروردگارا! میان ما و قوم ما به حق داوری کن (حقی که سنت تو در داوری میان محقین مصلحین و مبطلین مفسدین، بر آن جاری است) و تو بهترین داورانی (چرا که بر همه چیز آگاه و بر هر چیز توانائی).

﴿وَأَنْتُمْ قَوْمٌ فَتَنَةٌ لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٥﴾﴾ [الأنفال: ٢٥].

۲۵- خویشتن را از بلا و مصیبتی به دور دارید که تنها دامنگیر کسانی نمی گرد که ستم می کنند (بلکه اگر جلو ستمکاران گرفته نشود، خشک و تر به گناه آنان می سوزد) و بدانید که خداوند دارای کیفر سخت و مجازات شدید است.

﴿أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۱﴾ يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ﴿۲﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۳﴾﴾ [النحل: ۱-۳].

۱- (ای مشرکان! آنچه خدا به شما در روز قیامت وعده داده است، چون حتمی و قریب الوقوع است، انگار هم اینک برای وقوع آن) فرمان خدا در رسیده است، پس (مسخره کنان نگوئید که اگر راست می‌گوئید که قیامتی هست از خدا بخواهید هرچه زودتر عذاب آن را بنمایاند! استهزاء کنان) آن را به شتاب نخواهید. (خداوند جهان) منزّه (از او صافی است که مشرکان درباره او بر زبان می‌رانند، و دو) و برتر از چیزهایی است که (آنان) انباز (خداوند تبارک و تعالی) می‌سازند.

۲- خداوند به دستور خود، فرشتگان را همراه با وحی (آسمانی که حیات بخش انسان‌هاست) بر هر کس از بندگانش (به نام انبیاء) که خود بخواهد نازل می‌کند (تا به مردم بیاموزند) که جز من (که آفریننده جهان و جهانیانم) خدائی نیست؛ پس (با انجام حسنات و دوری از سیئات)، از (غضب و عذاب) من بپرهیزید.

۳- آسمان‌ها و زمین را به مقتضای حق (و حکمت) آفریده است (نه بیهوده و به گزاف. خداوند) بالاتر از چیزهایی است که (آنان در تصرف امور یا پرستش) انباز (خدا) می‌سازند.

﴿وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا ﴿۴۵﴾ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ﴿۴۶﴾ وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ عَلَىٰ أَذْبَرِهِمْ نُفُورًا ﴿۴۷﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ ﴿۴۸﴾ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿۴۹﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿۵۰﴾ وَقَالُوا أَيْدَا كُنَّا عِظْمًا وَرُفَّتْنَا أَيْدَانَا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿۵۱﴾ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿۵۲﴾ أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي

فَطَرَكُمْ أَوْلَٰ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلٌّ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾
 يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ ۖ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٢﴾ [الإسراء: ٤٥-٥٢].

۴۵- (ای پیغمبر!) هنگامی که قرآن (ناطق به دلائل حق) راوی خوانی میان تو و آنان که قیامت باور ندارند (و پیوسته دشمن حق و از حقیقت گریزانند) حجاب ناپیدایی قرار می‌دهیم (تا نور قرآن به دل ایشان بر تو نیندازد و به آنان سودی نرساند).

۴۶- و (چون در ستیزه جویی با حق پافشاری می‌کنند) بر قلب‌هایشان پرده ای قرار می‌دهیم تا قرآن را نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی ایجاد می‌کنیم (تا ندای هدایت قرآن را چنانکه باید نشوند و از آن سود نبرند و لذا) هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی (و خدایان پنداری ایشان را همراه او نام نمیبری) پشت کرده و می‌گریزند (تا صدای توحید را نشوند).

۴۷- ما (از هر کس دیگری) بهتر می‌دانیم که آنان به چه منظوری در سخنان تو گوش فرا می‌دهند، هنگامی که پای سخافت می‌نشینند، و آن زمان که با هم در گوشی صحبت می‌کنند. آن زمان که ستمکاران (کفر پیشه؟؟؟) (که جادوگران در عقل و هوش او رخنه کرده و آن را مختل ساخته‌اند).

۴۸- بنگر چگونه برای تو مثل‌ها می‌زنند و (گاه کاهن، گاه مجنون، وقتی شاعر، و زمانی ساحرت می‌گویند) از این رو آنان گمراه گشته و نمی‌توانند راهی (به سوی حق) پیدا کنند.

۴۹- و (اینان و منکران دیگر رستاخیز) می‌گویند: آیا هنگامی که ما استخوانی (پوسیده) و تکه‌هایی خشکیده (و از هم پاشیده) شدیم مگر دیگر باره آفرینش تازه ای خواهیم یافت (و زندگی دوباره پیدا خواهیم کرد!؟)

۵۰- بگو: شما سنگ باشید (که بهیچوجه قابلیت پذیرش حیات را ندارد) و یا آهن باشد (که از سنگ محکمتر است).

۵۱- یا اینکه (جز آن دو) چیزی دیگر باشید که در نظرتان (از این هم) سخت تر است (و از قابلیت پذیرش حیات دورتر، باز خدا می‌تواند به پیکرتان جان بدمد و زندگی مجد بازگرداند. آنان شگفت زده خواهند گفت: چه کسی ما را باز می‌گرداند؟ بگو: آن خدایی که نخستین بار شما را آفرید پس از آن، سر را به سویت (به عنوان استمراء) تکان می‌دهند ولی گویند: چه زمانی این (معاد) خواهد بود؟ بگو: شاید که نزدیک باشد.

۵۲- (این بازگشت به حیات مجدد) روزی خواهد بود که خدا شما را از گورهایتان (برای گردهم آئی در محشر) فرا می‌خواند و شما (فرمان او را) با حمد و سپاسی پاسخ می‌گوئید و گمان می‌برید که در (دنیا) جز مدت اندکی ماندگار نبوده‌اید.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿۷۳﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿۷۴﴾ وَمَا مِنْ غَآبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿۷۵﴾﴾
[النمل: ۷۳-۷۵].

۷۳- پروردگارت نسبت به مردم لطف و کرم دارد (و هرچه زودتر تازیانه عذاب را بر سرشان فرو می‌آورد، و بلکه کیفرشان را به تاخیر می‌اندازد) ولی بیشتر آنان سپاسگذاری نمی‌کنند (و الطاف و مراحم خدا را نادیده می‌گیرند).

۷۴- پروردگارت محققاً آگاه است از چیزهایی که سینه‌هایشان در خود نهان می‌دارند، و از چیزهایی که ایشان آشکار می‌سازند.

۷۵- هیچ نهفته‌ای در آسمان‌ها و زمین نیست مگر اینکه (خدا از آن آگاه است و ثبت و ضبط) در کتاب آشکاری است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿۷۶﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿۷۷﴾﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱].

۷۰- ای مومنان از خدا بترسید (و خویشتن را با انجام خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها در عذاب او در امان دارید) و سخن حق و درست بگوئید.

۷۱- در نتیجه خدا (توفیق خیرتان می دهد و) اعمالتان را؟؟؟؟ می کند و گناهانتان را می بخشد، اصلاً هر که از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کند، قطعاً به پیروزی و کامیابی بزرگی است می یابد.

﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظْمَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾﴾ [یس: ۷۸-۸۳].

۷۸- برای ما مثال می زند و آفرینش خود را (از خاک) فراموش می کند و می گوید: چه کسی می تواند این استخوان های را که پوسیده و فرسوده اند زنده گرداند؟!

۷۹- بگو: کسی آن ها را زنده می گرداند که آن ها را نخستین بار (از نیستی به هستی آورده است و آن ها را بدون الگو و مدل) آفریده است، و او پس آگاه از (احوال و اوضاع) چگونگی و ویژگی همه آفریدگاه است.

۸۰- آن کسی که از درخت سبز، برای شما آتش بیافریده است، و شما با آن آتش روشن می کنید. (او که قادر بر رستاخیز انرژی ها است، قادر بر برانگیختن مردگان و باز گرداندن به زندگی دوباره ایشان است.

۸۱- آیا کسی که آسمان ها و زمین را آفریده است، قدرت ندارد (انسان های خاک شده را دوباره) چگونه خودشان بیافریند؟ آری (می تواند چنین کند) چرا که او آفریدگار بس آگاه و داناست.

۸۲- هرگاه خدا چیزی را بخواهد که بشود کار او تنها این است که خطاب بدان بگوید: بشو! آن هم می شود.

۸۳- او پاک است خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست او است، و شما به سوی او برگرداند می شود (و هب حساب و کتابتان رسیدگی می گردد).

﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِي ۗ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٣٨﴾ قُلْ يَقَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُجْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٤٠﴾﴾ [الزمر: ۳۸-۴۰].

۳۸- اگر از مشرکان بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ خواهند گفت: خدا، بگو: آیا چیزهایی را که بجز خدا بفریاد می‌خوانید چنین می‌بینید که اگر خدا بخواهد زبان و گزندی به من برساند، آن‌ها بتوانند آن زیان و گزند خداوندی را برطرف سازند؟ و یا اگر خدا بخواهد لطف و مرحمتی در حق من روا دارد، آن‌ها بتوانند جلو لطف و مرحمتش را بگیرند و آن را باز دارد؟ بگو: خدا مرا بس است. توکل کنندگان تنها بر او تکیه و توکل می‌کنند و بس.

۳۹- بگو: ای قوم من! شما بر موضع خود باشید و هر چه در توان دارید انجام دهید، من نیز در راه خود ثابت قدم هستم و به وظیفه خود عمل می‌کنم، اما خواهید دانست.
۴۰- (خواهید دانست که) چه کسی عذاب خوارکننده (دنیا) به سراغ او خواهد آمد و خوار و رسوایش خواهد کرد، و (به دنبال آن) عذاب جاویدان (آخرت) گریبانگشیش می‌گردد.

﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْعَجْنِ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَوْ إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٣٩﴾ قَالُوا يَقَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أَنْزَلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٠﴾ يَقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ ۗ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿٤١﴾ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٢﴾﴾ [الأحقاف: ۲۹-۳۲].

۲۹- (ای پیغمبر! خاطر نشان ساز) زمانی را که گروهی از جنیان را به سوی تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند هنگامی که حاضر آمدند، به یکدیگر گفتند: خاموش باشید و

گوش فرا دهید. هنگامی که تلاوت قرآن، به پایان آمد به عنوان مبلغان و دعوت کنندگان (همچنان خود، به آئین آسمانی) به سوی قوم خود برگشتند.

۳۰- اینان گفتند: ای قوم ما! ما به کتابی گوش فرا دادیم که بعد از موسی فرستاده شده است و کتاب‌های پیش از خود را تصدیق می‌کند (و هماهنگ با کتاب‌های آسمانی پیشین است) و به سوی حق رهنمود می‌کند و به راه راست راه می‌نماید.

۳۱- ای قوم ما! سخنان فراخواننده الهی را بپذیرید و به او ایمان بیاورید. تا خدا گناهانتان را بیامزد و شما را در پناه خویش (محفوظ و مصون از عذاب سخت آخرت) دارد.

۳۲- هر کسی هم سخنان فراخواننده الهی را نپذیرد، نمی‌تواند خدای را از دستیابی به خود در زمین ناتوان کند (و خویشان را از چنگال عذاب الهی پناه دهد و از دست انتقام او بگریزد)، و برای او جز خدا هیچ ولی و یآوری نیست. چنین کسانی در گمراهی آشکاری هستند.

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٨﴾ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ﴿٢٩﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٠﴾ سَفَرُغْ لَكُمْ آيَةُ الثَّقَلَانِ ﴿٣١﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾ يَمَعَشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَتَفَدُّوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُدُوا لَا تَتَفَدُّونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ﴿٣٣﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنَحَّاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾﴾ [الرحمن: ۲۶-۳۶].

۲۶- همه چیزها و همه کسانی که بر روی زمین هستند، دستخوش فنا می‌گردند.

۲۷- و تنها ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می‌ماند و بس.

۲۸- پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید و انکار می‌نمائید؟!

۲۹- همه چیزها و همه کسانی که در آسمان‌ها و زمینند (به زبان حال یا قال، روزی و

نیاز خود را) از خدا درخواست می‌کنند. او پیوسته دست اندر کار کاری است.

۳۰- پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

۳۱- ای پری‌ها و انسان‌ها! به حساب شما خواهیم پرداخت.

۳۲- پس کدامیک از نعمت‌های پروردگار خود را انکار و تکذیب می‌کنید؟!

۳۳- ای گروه پری‌ها و انسان‌ها! اگر می‌توانید از نواحی آسمان و زمین بگذرید، و لیکن نمی‌توانید بگذرید مگر با قدرت عظیم (مادی و معنوی).

۳۴- پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

۳۵- آتش بی‌دود و میس گداخته به سوی شما روانه می‌گردد و بر سر شما ریخته می‌شود، شما همدیگر را نمی‌توانید یاری بدهید.

۳۶- پس کدامین نعمت پروردگارتان را تکذیب و انکار می‌کنید؟!

﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۲۱﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۲۲﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۲۳﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲۴﴾﴾

[الحشر: ۲۱-۲۴].

۲۱- اگر ما این قرآن را برای کوهی فرو می‌فرستادیم، کوه را از ترس خدا، کرنش کنان و شگافته می‌دید! ما این مثال‌ها را برای مردمان بیان می‌داریم، شاید که ایشان بیندیشند (و با دید بینا و بینش آگاه به آیات قرآنی بنگرند و دل سنگین خود را با برق قرآن منفجر و آن را به تکان و لرزه آورند).

۲۲- خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست، آگاه از جهان نهان و آشکار است (ناپیدا و پیدا در برابر دانشش یکسان است) او دارای مرحمت عامه (در این جهان، در حق همگان) و دارای مرحمت خاصه (در آن جهان نسبت به مومنان) است.

۲۳- خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست. او فرمانروا، منزه، بی‌عیب و نقص، امان دهنده و؟؟؟ بخشنده، محافظ و مراقب، قدرتمند چیره، بزرگوار و شکوهمند، والامقام و فرازمند است. خداوند دور و فرا از چیزهایی است که انباز او می‌کنند.

۲۴- او خداوندی است که طراح هستی و آفریدگار آن از نیتی و صورتگر جهان است. دارای نام‌های نیک و زیبا است چیزهایی که در آسمان‌ها و زمین هستند، تسبیح و تقدیس او می‌گویند، و او چیره کار بجا است.

﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ۱ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ۲ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ۳ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ۴ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ۵ سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَى ۶ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ۷ وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى ۸ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى ۹ سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْفَى ۱۰ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ۱۱ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ۱۲ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَخْفَى ۱۳ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ۱۴ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ۱۵ بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۱۶ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۱۷ إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ۱۸ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ۱۹﴾ [الأعلى: ۱-۱۹].

۱- تسبیح و تقدیس کن پروردگار والامقام خود را.

۲- همان خداوندی که (چیزها را) می‌آفریند و پس (آن‌ها را هماهنگ می‌کند و) می‌آراید.

۳- خداوندی که اندازه‌گیری می‌کند (هر چیزی را آنگونه که شایسته و بایسته است می‌آفریند، و آنگاه آن را به کاری) رهنمود می‌نماید (که باید بکند).

۴- خداوندی که چراگاه را (برای تغذیه جانداران از زمین می‌رویاند و) بیرون می‌آورد.

۵- پس آن را خشک و سیاه می‌گرداند.

۶- ما قرآن را بر تو خواهیم خواند و به تو خواهیم آموخت، و تو دیگر آن را فراموش نخواهی کرد.

- ۷- مگر چیزی را که خدا بخواهد قطعاً او آشکارا و نهان را می‌داند (چنین خدایی نگاهبان قرآن است و آنچه مورد نیاز بشر بوده و هست از طریق وحی قرآن به تو می‌رساند، و چیزی را در این زمینه فروگذار نمی‌کند).
- ۸- ما تو را برای شریعت ساده و آسان (آئین اسلام) آماده می‌سازیم (و کارهای خیری را برای تو آسان می‌نمائیم و در انجام آنها توفیقت می‌دهیم).
- ۹- اگر پند و اندرز سودمند باشد، و اندرز بده.
- ۱۰- کسی که (احسان مسئولیت می‌کند و از خدا) می‌ترسد. پند و اندرز خواهد گرفت.
- ۱۱- بدبخت‌ترین فرد (پند و اندرز را کنار خواهد گذاشت و) و از آن دوری خواهد گزید.
- ۱۲- آن کسی که داخل عظیم‌ترین (و هولناک‌ترین) آتش خواهد شد و بدان خواهد سوخت.
- ۱۳- سپس در آن آتش (برای همیشه می‌ماند و) می‌میرد (و آسوده می‌گردد) و نه زنده (بشمار می‌آید و حالتی که در آن است زندگی نامیده) می‌شود.
- ۱۴- قطعاً رستگار می‌گردد کسی که خویشتن را (از کثافت کفر و معاصی) پاکیزه دارد.
- ۱۵- و نام پروردگار خود را ببرد و نماز بگذارد و فروتنی کند.
- ۱۶- بلکه (بنا به سرشت انسانی) زندگی دنیا را (که محسوس و نقد است، بر زندگی آخرت که نامحسوس و نسیه است) ترجیح می‌دهید و بر می‌گزینید.
- ۱۷- در حالی که آخرت (از دنیا) بهتر و پاینده‌تر است (عقل چرا باید فانی و گذرا بر باقی و پایان ترجیح دهد)؟
- ۱۸- این (چیزها منحصر به این کتاب آسمانی نیست، بلکه) در کتابی پیشین (نیز آمده و) بوده است.

۱۹- (از جمله در) کاب‌های ابراهیم و موسی.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّنَا كَرَّرْنَا فَنَتَّبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسْرَتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾﴾ [البقرة: ۱۶۵-۱۶۷].

۱۶۵- برخی از مردم هستند که غیر از خدا، خدا گونه‌هایی بر می‌گزینند و آنان را همچون خدا دوست می‌دارند و کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را سخت دوست می‌دارند (و بالاتر از هر چیز بدو عشق می‌ورزند). آنان که ستم می‌کنند اگر می‌شد عذابی را مشاهده نمایند که هنگام (رستاخیز) می‌بینند، (می‌فهمند که) قدرت و عظمت همه از آن خداست و خدا دارای عذاب سختی است.

۱۶۶- در آن هنگام که (رستاخیز فرا می‌رسد و پیروان سرگشته از؟؟؟؟ گمراه کنند می‌خواهند که رستگارشان سازند و) رهبران از پیروان خود بیزاری می‌جویند (و نسبت به آن اظهار ناشناسی و بیگانگی می‌کنند) و عذاب را مشاهده می‌نمایند، و روابط (و پیوندهای مودت و محبتی که در دنیا میانشان بود) گسیخته می‌گردد (و دستشان از همه جا کوتاه می‌شود).

۱۶۷- و (در این موقع) پیروان می‌گویند: کاش بازگشتی (به دنیا) می‌داشتیم تا از آنان بیزاری جوئیم همانگونه که آنان (امروزه) ما بیزاری جستند (و نا آشنایمان نامیدند. آری) این چنین خداوند کردارهایشان را بگونه حسرت زا و اندوهباری نشان ایشان می‌دهد، و آنان هرگز از آتش (دوزخ) بیرون نخواهند آمد.

﴿سُنِّلِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ ﴿١٥١﴾﴾ [آل عمران: ۱۵۱].

۱۵۱- در دل‌های کافران رعب و هراس خواهیم انداخت، از آن رو که چیزهایی را انباز خدا ساخته‌اند که خداوند دلیل و برهانی (بر حقانیت آن‌ها) فرو نفرستاده است، و جایگاه آنان آتش (دوزخ) است. و جایگاه ستمکاران چه بد جایگاهی است.

﴿فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿٤٤﴾ فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٥﴾﴾ [الأنعام: ۴۳-۴۵].

۴۳- آنان چرا نباید هنگامی که به عذاب ما گرفتار می‌آیند، خشوع و خضوع کند (و بیدار شوند و اندرز گیرند و تضرع و زاری دست دعا به سوی باری بلند کنند و آمرزش خواهند؟) ولی دل‌هایشان سخت شده است و (نرود میخ آهنین بر سنگ! و علاوه از قساوت قلب) اهریمن (هم) اعمالی را که انجام می‌دهند برایشان آراسته و پیراسته است.

۴۴- که هنگامی که آنان فراموش کردند آنچه را که بدان متذکر و متعظ شده بودند (و آزمون ناداری و بیماری کارگر نیفتاد (و آزمون دیگری جهت بیدار ایشان بکار بردیم (و درهای همه چیز (از نعمت‌ها) را به رویشان گشودیم تا آنگاه که (کاملاً در فراخی نعمت غوطه ور شدند (و بدانچه بدیشان داده شد شاد و مسرور گشتند (و باده ثروت و قدرت ایشان را گرفت و سرمست و مغرور شدند و ناشکری کردند (و ما بناگاه ایشان را بگرفتیم (و به عذاب خود مبتلا کردیم) و آنان مایوس و متحیر ماندند (و به سوی نجات راه نبردند).

۴۵- (بدین ترتیب) نسل ستمکاران ریشه کن شد و ستایش تنها پروردگار جهانیان را سزااست (که با فقمت و نعمت مردمان را تربیت می‌کند، و روی زمین را از فساد ظالمان پاک می‌سازد).

﴿إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلٰٓئِكَةِ اَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا سَالُیْ فِيْ قُلُوْبِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا الرَّعْبَ فَاَضْرِبُوْا فَوْقَ الْاَعْنَاقِ وَاَضْرِبُوْا مِنْهُمْ كُلَّ بَنٰنٍ ﴿٤٦﴾ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ شَاقُوْا اللّٰهَ

وَرَسُولُهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٣﴾ ذَالِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ﴿١٤﴾ [الأنفال: ۱۲-۱۴].

۱۲- (ای مومنان! به یاد آورید) زمانی را که پروردگار تو به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم پس مومنان را تقویت و ثابت قدم بدارید. (و من هم) به دل‌های کافران خوب و هراس خواهم انداخت. (به مومنان الهام کنید:) سرهای آنان را بزنید (و از هم بشکافید که بر گردن‌های ناپاکشان سنگینی می‌کند) و دست‌های ایشان را ببرید (پنجه‌هایشان را پی کنید).

۱۳- این (پشتیبانی از مومنان و رسوا کردن کافران) بدان خاطر است که کافران با خدا و پیغمبرش بستیزد (او در خور عذاب است و هرچه زودتر خدا او را گرفتار مجازات دردناک در دنیا و آخرت خواهد کرد) چه خدا دارای عقاب شدید است (همانگونه که دارای رحمت وسیع است).

۱۴- این (عذاب و عقاب دنیوی، بعضی شکست و گریز در برابر مومنان) را بچشید و (بدانید که) عذاب دوزخ برای کافران (بجای خود باقی) است.

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَفِيلاً عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾ ﴿٤٢﴾ مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ ﴿٤٣﴾ [ابراهیم: ۴۲-۴۳].

۴۲- (ای پیغمبر!) گمان مبر که خدا از کارهایی که ستمگران می‌کنند بی‌خبر است (نه، بلکه مجازات) آنان را به روزی حواله می‌کند که چشم‌ها در آن (از خوف و هراس چیزهایی که می‌بیند) باز می‌نماید.

۴۳- (ستمگران همچون اسیران، از هراس) سرهای خود را بالا گرفته و یک راست (به سوی ندا دهنده) می‌شتابند و چشمانشان (از مشاهده این همه عذاب هراسناک) فرو بسته نمی‌شود و دل‌هایشان (فرو می‌تپد از عقل و فهم و اندیشه) تهی می‌گردد.

﴿وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا﴾ ﴿٤٥﴾ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَلَهُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمْ

الرَّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿٢٦﴾ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدَيْرَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَّوْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٧﴾ [الأحزاب: ۲۵-۲۷].

۲۵- خداوند کافران را با دلی لبریز از خشمو غم بازگرداند. در حالی که به هیچ یک از نتایجی که در نظر (داشتند نرسیده) بودند. خداوند (در این میدان) مومنان را (با طوفان باد و ارسال فرشتگان) از جنگ بی‌نیاز ساخت و خداوند نیرومند و چیره است.

۲۶- خداوند کسانی از اهل کتاب (بنی قریظه) را که احزاب را پشتیبانی کرده بودند از؟؟؟ هایشان پایین کشید، و به دل‌هایشان ترس و هراس انداخت (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را کشتند و گروهی را اسیر کردند.

۲۷- و زمین‌ها و خانه‌هایشان و دارائی آنان، همچنین زمینی را که هرگز بدان گام ننهاده بودید، به چنگ شما انداخت، بی‌گمان خداوند بر هر چیزی توانا است.

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾ وَقَالُوا ءَأَمْنَا بِهِ ءِ وَأَنْتَ لَهُمْ
التَّائِبِينَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلٍ وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾
وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّن قَبْلٍ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ ﴿٥٤﴾﴾
[سبأ: ۵۱-۵۴].

۵۱- اگر برایت ممکن بود بینی (حال ستمگران را) در آن دم که به وحشت می‌افتند و راه گریزی ندارند و اصلاً مهلتی بدیشان داده نمی‌شود، و از مکان و نزدیکی گرفتار (و روانه آتش) می‌گردند (صحنه هراس انگیزی را خواهی دید که انسان را از آن بر خورد می‌لرزد و بیتاب می‌شود).

۵۲- و (به هنگام گرفتار شدن در چنگال مجازات الهی) خواهند گفت: به (حق) ایمان داریم، آنان چگونه می‌توانند از فاصله دور (از جهان که جای پذیرش ایمان و مزرعه آخرت بود) سهل و ساده حق را فراچنگ آورند (و از مزایای ایمان بدان برخوردار شوند؟)

۵۳- و حال اینکه قبلاً (در زمان حیات که از عقل و اختیار و اراده برخوردار بوده‌اند) حق را نپذیرفته‌اند، و بلکه دورا دور به همان غیب نسبت‌های ناروایی زده‌اند (و نبوت و قیامت و بهشت و دوزخ بالاخره جهان ماوراء طبیعت را به تمسخر گرفته‌اند).

۵۴- میان ایشان و آنچه آرزو دارند (که پذیرش ایمان ایشان و نجات از عذاب است) جدایی افکنده می‌شود همانگونه که با گروه‌های همسان و همکیش آنان قبلاً چنین عمل شده است آخر ایشان (در جهان) سراپا در شک بوده‌اند. (و زندگی را پیوسته باطن و گمان به سر برده‌اند و اینک چنین سرنوشتی باید داشته باشند).

﴿يَس ۱﴾ وَالْقُرْءَانَ الْحَكِيمِ ﴿۲﴾ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳﴾ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۴﴾ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿۵﴾ لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ ءَابَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ﴿۶﴾ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۷﴾ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ﴿۸﴾ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَعْشَيْنَهُمُ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿۹﴾ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۱۰﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِيرُهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿۱۱﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءَاثِرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿۱۲﴾﴾ [یس: ۱-۱۲].

۱- یا، سین.

۲- سوگند به قرآن حکیم.

۳- قطعاً تو از زمره فرستادگان (یزدان) هستی.

۴- و بر راه راست (خداشناسی) قرار دادی (که دین اسلام است).

۵- (این قرآن را) فرو فرستاده است خداوند چیره و مهربان.

۶- (آن را برای تو فرو فرستاده است) تا قومی را بیم دهی که پدران و نیاکان

(نزدیک) ایشان (توسط پیغمبران) بیم داده نشده‌اند. و به همین علت است که غافل و

بی‌خبر (از قانون آسمانی نسبت به خدا و خود و مردمان) هستند.

- ۷- (ایشان مستحق عذاب گشته‌اند و) سخت (خدا مبنی بر پرکران جهنم از چنین افرادی) درباره بیشتر آنان به حقیقت پیوسته است، و آنان دیگر ایمان نمی‌آورند.
- ۸- ما به گردن‌هایشان غلهایی می‌اندازیم که تا چانه‌هایشان می‌رسد و سرهای ایشان (بر اثر آن) رو به بالا نگاه داشته می‌شود (و نه می‌توانند به زیر پاهای خود بنگرند، و نه می‌توانند سرهایشان را بدین سو و آن سو حرکت دهند).
- ۹- ما در پیش روی آنان سدی، در پشت سر ایشان سدی قرار داده‌ایم (و لذا به کسانی می‌مانند که در میان دو سد، گیر کرده باشند، و پیش رو و پشت سر خود را مشاهده نکنند) و بدین وسیله جلو چشمان ایشان را گرفته‌ایم و دیگر نمی‌بینند.
- ۱۰- چه آنان را بترسانی و چه ایشان را نترسانی، برایشان یکسان است ایمان نمی‌آورند.
- ۱۱- تو تنها کسی را می‌ترسانی (و یا بیم دادند بدو سود می‌رسانی) که از قرآن پیروی کند و پنهانی از (خداوند) مهربان هراس داشته باشد. چنین کسی را به گذشت و پاداش ارشمنید مژده بده.
- ۱۲- ما خودمان مردگان را زنده می‌گردانیم و چیزهایی را که (در دنیا) پیشاپیش فرستاده‌اند و (کارهایی را که کرده‌اند، و همچنین) چیزهایی را که (در آن) بر جای نهاده‌اند (و کارهایی را که نکرده‌اند، ثبت و ضبط می‌کنیم و) می‌نویسیم، و ما همه چیز را در کتاب آشکار (لوح محفوظ) سرشماری می‌نماییم و می‌نگاریم.
- ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴿٦﴾ تَتَّبِعُهَا الرَّاڤِفَةُ ﴿٧﴾ قُلُوبٌ يَّوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿٨﴾ أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ ﴿٩﴾ يَقُولُونَ أَيْنَا لَمْ رَدُّوْا فِي الْحَافِرَةِ ﴿١٠﴾ أَيْدَا كُنَّا عِظْمًا نَّخْرَةً ﴿١١﴾ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿١٢﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴿١٤﴾﴾ [النازعات: ۶-۱۴].
- ۶- (رستاخیز و قیامت برپا گردد) در آن روزی که (نفخه اول در صور دمیده می‌شود و) زلزله‌ای در می‌گیرد (و دنیا خراب می‌گردد و همگان می‌میرند).

۷- پس (نفسه دوم، در صور دمیده می‌شود و زلزله نخستین) زلزله دیگری به به دنبال خواهد داشت (که مردگان زنده می‌گردند و رستاخیز و قیامت آغاز می‌شود و جهان ابدی آغاز می‌گردد).

۸- دل‌هایی در آن روز تپان و پریشان می‌گردند.

۹- و چشمانشان فرو افتاده و فروخفته می‌گردد.

۱۰- (اینان در دنیا) می‌گفتند: آیا ما دوباره (زنده می‌گردیم) و به زندگی بازگردانده می‌شویم؟!

۱۱- آیا وقتی که استخوان‌های پوسیده و فرسوده‌ای خواهیم شد (به زندگی بازگردانده می‌شویم؟)

۱۲- (تمسخرکنان) می‌گفتند: این (بازگشت به زندگی دوباره، اگر انجام پذیر گردد) در این صورت بازگشت زیانبار و زیان بخش خواهد بود! (و ما هرگز از این زیان‌ها نخواهیم کرد، چنین کاری ممکن نیست).

۱۳- (بازگشت آنان چندان مشکل نیست) تنها صدایی (از صور) بر می‌خیزد و بازگشت انجام می‌پذیرد.

۱۴- ناگهان همگان (به پا می‌خیزند و) در دشت پهناور و سفید محشر آماده می‌شوند.

﴿كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا﴾ [النازعات: ۴۶].

۴۶- روزی که آنان برپایی رستاخیز را می‌بینند (چنین احساس می‌کنند که در جهان) گوئی جز شامگاهی یا چاشتگاهی از آن درنگ نکرده‌اند و بسر نبرده‌اند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا تَضَجَّتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۵۶].

۵۶- بی‌گمان کسانی که آیات و دلائل ما را انکار کرده و انبیاء ما را تکذیب نموده‌اند، بالاخره ایشان را به آتش شگفتی وارد می‌گردانیم و بدان می‌سوازیم. هر زمان که پوست‌های (بدن) آنان بریان و سوخته شود. پوست‌های دیگری بجای آن قرار می‌دهیم تا

(چشش درد، مستمر باشد و) مزه عذاب را بچشند. خداوند، توانا (بر عذاب منکران و کافران و) حکیم است (و از روی حکمت کیفر می دهد).

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلًّا بَعِيدًا ﴿١٦٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ﴿١٦٨﴾﴾ [النساء: ۱۶۷-۱۶۸].

۱۶۷- بی گمان کسانی که راه کفر را در پیش گرفته اند و (دیگران را با تهدید یا تبلیغ) از راه خدا باز داشته اند (و نافع دخول مردم به دین خدا شده اند، فرسنگ ها از حق دور گشته اند و) بسیار گمراه شده اند.

۱۶۸- بی گمان کسانی که راه کفر را در پیش گرفته اند و ستم ورزیده اند (مادام که بر کفر ماندگار باشند) خداوند ایشان را نمی بخشد و آنان را به راهی (که راه نجات و بهشت باشد) هدایت نخواهد کرد.

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٣٣﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٣٦﴾ يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٣٧﴾﴾ [المائدة: ۳۳-۳۷].

۳۳- کیفر کسانی که (بر حکومت اسلامی می شورند و بر احکام شریعت می تازند و بدین وسیله) با خدا و پیغمبرش می جنگند، و در روی زمین (به تهدید امنیت مردم و سلب حقوق انسان ها، مثلاً از راه راهزنی و غارت کاروان ها) دست به فساد می زنند، این است که (در برابر کشتن مردم) کشته شوند، یا (در برابر کشتن مردم و غصب اموال) بدار زده شوند، یا (در برابر راهزنی و غصب اموال، تنها) دست و پای آن در جهت عکس یکدیگر بریده شود و یا اینکه (در برابر قطع طریق و تمدید، تنها) از جایی به جایی تبعید

گردند و یا زندانی شوند. این رسوایی آنان در دنیا است. و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است.

۳۴- مگر کسانی (از این محاربین با حکومت اسلامی و راهزنان و مفسدانی) که پیش از دست یافتن شما بر آنان از کرده خود پشیمان شوند و توبه کنند (که مجازات مذکور یزدان از آنان سلب، ولی حقوق مردمان بجای خود باقی می ماند). چه بدانید که خداوند دارای مغفرت و رحمت فراوان است (و توبه کاران را می بخشد و بدیشان رحم می کند).

۳۵- ای مومنان از خدا بترسید و (از اوامر او اطاعت کنید و از نواهی او اجتناب ورزید) و برای تقرب به خدا وسیله بجوئید. (که عبارت از طاعت و عبادت و اعمال شایسته و بایسته است) و در راه او جهاد کنید تا اینکه رستگار شوید.

۳۶- بی گمان اگر همه آنچه در زمین است و همانند آن مال کافران باشد و (یکایک آنان در آخرت) آن را برای نجات خود از عذاب روز قیامت بپردازند و بخواهند خویشتن را بدان بازخرید کنند، از ایشان پذیرفته نمی گردد (و راهی برای نجاتشان وجود ندارد) و دارای عذاب دردناکی می باشند.

۳۷- آنان پیوسته می خواهند از آتش دوزخ بیرون بیایند، ولی ایشان نمی توانند از آن بیرون بیایند، و دارای عذاب دائم و مستمرند.

﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾ [الكهف: ۲۹].

۲۹- بگو: حق (همان چیزی است که) از سوی پروردگارتان (آمده) است (و من آن را با خود آورده ام و برنامه من و همه مومنان است) پس هر کس که می خواهد (بدان) ایمان بیاورد و هر کس می خواهد (بدان) کافر شود. ما برای ستمگران آتشی را آماده کرده ایم (از هر طرف ایشان را احاطه می کند و) سرا پرده آنان را در بر می گیرد، و اگر (در آن

آتش سوزان) فریاد برآورند (که آب) با آبی همچون فلز گداخته به فریادشان رسند که چهره‌ها را بریان می‌کند! چه بد نوشابه‌ای! و چه زشت منزلی!

﴿وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿۱۰۰﴾ الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنِ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ﴿۱۰۱﴾ أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِّلْكَافِرِينَ نُزُلًا ﴿۱۰۲﴾ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿۱۰۳﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿۱۰۴﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ﴿۱۰۵﴾ ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُؤًا ﴿۱۰۶﴾﴾ [الكهف: ۱۰۰-۱۰۶].

۱۰۰- و در آن روز، دوزخ را به طرز شگفتی به کافران نشان می‌دهیم (و ایشان را در آن گرد می‌آوریم).

۱۰۱- کافرانی که چشمانشان از (دیدن) آیات (خواندنی و دیدنی) من در پرده بوده و توان شنیدن (فرمان یزدان) را نداشته‌اند (و از نیروی بینایی و شنوایی برای درک حقائق و رسیدن به سعادت استفاده نکرده‌اند).

۱۰۲- آیا کافران گمان می‌برند که بجز من، بندگان مرا (نیز اگر) سرور و سرپرست خود گیرند (و معبود و مسجود خویش دانند، بدیشان سود می‌رسانند؟) ما دوزخ را برای پذیرایی از کافران آماده کرده‌ایم.

۱۰۳- (ای پیغمبر! به کافران) بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه سازیم؟

۱۰۴- آنان کسانی‌اند که تلاش و تکاپوشان (به سبب تباهی عقیده و باورشان) در زندگی دنیا هدر می‌رود (و بی‌سود می‌شود) و خود گمان می‌برند که به بهترین وجه کار نیک می‌کنند (و طاعت و عبادت شرک آلودشان موجب رستگاریشان می‌شود).

۱۰۵- آنان کسانی‌اند که به آیات (قرآنی و دلایل قدرت) پروردگارشان و ملاقات او (در جهان دیگر، برای حساب و کتاب) بی‌باور و کافرند، و در نتیجه اعمالشان باطل و هدر

می‌رود، و در روز رستاخیز ارزشی برای ایشان قائل نمی‌شویم (و قدر منزلتی در پیشگاه ما نخواهند داشت)

۱۰۶- (حال و احوال ایشان) همانگونه است (که بیان کردیم)، و به سبب کفر ورزیدنشان به خاطر مسخره کردن آیاتم و پیغمبرانم توسط ایشان، سزای آنان دوزخ است.

﴿هَذَانِ حَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن تَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿١٩﴾ يُصَهَّرُ بِهٖ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَاَجْلُودٌ ﴿٢٠﴾ وَلَهُمْ مَقَمِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ ﴿٢١﴾ كُلَّمَا ارَادُوا اَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ اُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٢٢﴾﴾

[الحج: ۱۹-۲۲].

۱۹- اینان که دو دسته مقابل هم (مردمان به نام مومنان و کافران) می‌باشند. (در آیه‌های متعدد ذکری از ایشان رفته است) درباره (ذات و صفات) خدا به جدال پرداخته‌اند و به کشمکش نشسته‌اند، کسانی که کافرنند، خداوند برایشان آتش دوزخ را تهیه دیده، و انگار آتش آن) جامه‌هایی (است که به تن آنان چسبیده بوده) و برای آنان از آتش بریده (و دوخته) شده است. (علاوه بر آن) از بالای سرهایشان (بر آنان) آب بسیار گرم و سوزان ریخته می‌شود.

۲۰- (این آب جوشان آن چنان در بدنشان نفوذ می‌کند که) آنچه در درونشان است بدان گداخته و ذوب می‌گردد، و هم پوست‌هایشان.

۲۱- و تازیانه‌هایی از آهن برای (زدن و سرکوبی) ایشان (آماده شده) است.

۲۲- هر زمانی که دوزخیان بخواهند خویشتن را از غم و اندوه عظیم آتش برهانند بدان برگردانده شوند (آمرانه بدیشان گفته می‌شود) بچشید عذاب سوزان را.

﴿وَقُلْ رَبِّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطٰنِ ﴿٢٧﴾ وَاَعُوذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَحْضُرُوْنَ ﴿٢٨﴾ حَتّٰى اِذَا جَاءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُوْنِ ﴿٢٩﴾ لَعَلِّيْ اَعْمَلُ صٰلِحًا فَيُمْا تَرْكُتَّ كَلَّا اِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قٰبِلُهَا وَمِنْ وَّرَآئِهِمْ بَرَزَخٌ اِلٰى يَوْمٍ يُبْعَثُوْنَ ﴿٣٠﴾ فَاِذَا نُفِخَ فِي الصُّوْرِ فَلَا اَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا

يَنْسَأَلُونَ ﴿١١٦﴾ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١١٦﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿١١٧﴾ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١١٨﴾ أَلَمْ تَكُنْ ءَايَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١١٩﴾ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٢٠﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا عِندَنَا ظَالِمُونَ ﴿١٢١﴾ قَالَ أَحْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ ﴿١٢٢﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَأَمَّا فَاغْفِرَ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٢٣﴾ فَاتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿١٢٤﴾ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ ﴿١٢٥﴾ قُلْ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿١٢٦﴾ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَلِّ الْعَادِينَ ﴿١٢٧﴾ قُلْ إِن لَّبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٢٨﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١٢٩﴾ فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١٣٠﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿١٣١﴾ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٣٢﴾ [المؤمنون: ٩٧-١١٨].

۹۷- (در عین حال خود را به خدا بسپار) و بگو: پروردگارا! خویشتن را از وسوسه‌های اهریمنان (و تحریکات ایشان به انجام گناهان) در پناه تومی دارم.

۹۸- و خویشتن را در پناه تو می‌دارم از اینکه با من (در اعمال و اقوال و سایر احوال) گرد آیند (و مرا از تو غافل نمایند).

۹۹- (کافران به راه غلط خود ادامه می‌دهند) و زمانی که مرگ یک یاز آنان فرا می‌رسد، می‌گوید: پروردگارا! مرا (به دنیا) بازگردانید.

۱۰۰- تا اینکه کار شایسته‌ای بکنم و فرصت‌هایی را که از دست داده‌ام جبران نمایم، نه! (هرگز راه بازگشتی وجود ندارد). این سخنی است که او بر زبان می‌راند (و اگر به فرض به زندگی دنیا برگردد، باز به همان برنامه و روش خود ادامه می‌دهد). در پیش روی ایشان جهان برزخ است تا روزی که برانگیخته می‌شوند (و دوباره زنده می‌گردند و برای سعادت سرمدی یا شقاوت ابدی به صحرای محشر گسیل می‌شوند).

۱۰۱- هنگامی که (برای بار دوم) در صور دمیده شود. هیچگونه خویشاوندی و نسبتی در میان آنان نمی‌ماند (چرا که هر کس در اندیشه نجات خویشتن است) و در آن روز از همدیگر نمی‌پرسند (زیرا در جهان دیگر انتساب به فلان شخص یا طایفه و قبیله کارگشا نیست و در آن دم همه از یکدیگر گریزانند).

۱۰۲- کسانی که سنجیده‌ها (اعمال و اقوال دنیوی) ایشان، سنگین و ارزشمند شود (و در ترازوی خدا وزن و اجری داشته باشد)، اینان قطعاً رستگارند.

۱۰۳- و کسانی که سنجیده‌های (اعمال و اقوال دنیوی) ایشان، سبک و بی‌ارزش باشد اینان (عمر خود را باخته و) خویشتن را زیانمند نموده‌اند و در دوزخ جاودانه خواهند ماند.

۱۰۴- شعله‌های آتش دوزخ صورت‌های ایشان را فرا می‌گیرد و آنان در میان آن چهره در هم کشیده (پریشان و نادان) بسر می‌برند.

۱۰۵- (خداوند خطاب بدیشان می‌گوید): مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما آن‌ها را دروغ می‌نامیدید؟!

۱۰۶- در پاسخ می‌گویند: پروردگارا! بدبختی ما (که ناشی از انجام معاصی بود) بر ما چیره گشته بود، ما مردمان گمراهی بودیم.

۱۰۷- پروردگارا! ما را از آتش دوزخ بیرون بیاور، و اگر (بعد از این، به کفر و عصیان و انجام گناهان) برگشتیم، ما ستمگر خواهیم بود (و مستحق هرگونه عذابی).

۱۰۸- (خداوند بدیشان) می‌گوید: بتمرکید در آن! و با من سخن مگوئید.

۱۰۹- (مگر فراموش کرده‌اید، در دنیا) گروهی از بندگان من می‌گفتند: پروردگارا! ایمان آورده‌ایم، پس ما را بینخش و بر ما رحم فرما، و تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.

۱۱۰- شما ایشان را به باد تمسخر می‌گرفتید، تا آنجا که سرگرم شدن به تمسخر ایشان، ذکر و عبادت مرا از یادتان برده بود، و کارتان همیشه خندیدن بدانان بود و بس.

۱۱۱- من امروز به خاطر صبری که کرده‌اند و پایمردی و استقامتی که (در برابر آن همه استهزاء) نشان داده‌اند، پاداششان داده‌ام (و در بهشت جایگزینشان کرده‌ام) و آنان به مقصود رسیدگان و رستگارانند.

۱۱۲- (خداوند بدیشان) می‌گوید: چند در روی زمین زیسته و ماندگار بوده‌اید؟!

۱۱۳- می‌گویند: روزی یا بخشی از روزی! (ما که سخت گرفتار عذابیم، پاسخ درستی نمی‌توانیم بدهیم) پس از کسانی بپرسی که قادر به شمارش هستند.

۱۱۴- (خداوند بدیشان) می‌گوید: جز مدت کمی (در زمین) ماندگار نبوده‌اید. اگر شما کم‌ترین آگاهی و دانش می‌داشتید (در دنیا متوجه این می‌شدید).

۱۱۵- آیا گمان برده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و (حکمت و فلسفه‌ای در آفرینش شما نیست، این است که به فساد پرداخته‌اید؟ و چنین انگاشته‌اید که) به سوی ما (برای حساب و کتاب) برگردانده نمی‌شوید.

۱۱۶- خداوندی که فرمانروای راستین است و هیچ معبودی جز او نیست و صاحب عرش عظیم است، برتر از آن است (که جهان هستی را بیهوده و بی‌هدف آفریده باشد).

۱۱۷- هر کس که با خدا، معبود دیگری را به فریاد خواند و مسلماً هیچ دلیلی بر حقانیت آن نخواهد داشت حساب او با خداست قطعاً کافران رستگار نمی‌گردند، (و بلکه مومنان رستگار می‌شوند).

۱۱۸- بگو: پروردگارا! (گناهانم را) ببخشای و (به من مرحمت فرمای، چرا که تو بهترین مهربانانی).

﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ ﴿١٨﴾ أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ دُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ ﴿٢٠﴾﴾

[السجدة: ۱۸-۲۰].

۱۸- آیا کسی که مومن بوده است، همچون کسی است که فاسق بوده است؟! (نه، هرگز! این دو برابر نیستند).

۱۹- اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، باغ‌های بهشت که جای زندگی است، از آن ایشان خواهد بود، به عنوان محل پذیرائی (خدا از ایشان) در برابر کارهایی که (در دنیا) انجام می‌داده‌اند.

۲۰- و اما کسانی که (از فرمان خدا و اطاعت از او) بدر رفته (و راه کفر در پیش گرفته‌اند) جایگاه ایشان آتش دوزخ است. هر زمان که بخواهند از آن برد آیند. ایشان بدانجا بازگردانده می‌شوند و بدیشان گفته می‌شود: بچشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می‌پنداشتید!

﴿وَالصَّفَاتِ صَفًا ۱﴾ فَأَلزَّجَرَاتِ زَجْرًا ۲﴾ فَالتَّالِيَتِ ذِكْرًا ۳﴾ إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ۴﴾ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا رَبُّ الْمَشْرِقِ ۵﴾ إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ۶﴾ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ۷﴾ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَيُقَدِّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ۸﴾ دُحُورًا ۹﴾ وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ۱۰﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ۱۱﴾ فَاسْتَفْتِهِمْ أَمْ أَسَدٌ خَلْقًا أَمْ مِّنْ خَلْقِنَا ۱۲﴾ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّنْ طِينٍ لَّازِبٍ ۱۳﴾﴾ [الصافات: ۱-۱۱].

۱- قسم به آنان که (در مقام عبودیت و اقیاد) محکم صف کشیده‌اند!

۲- و قسم به آنان که سخت باز می‌دارند!

۳- و قسم به آنان که پیاپی (آیات خدا) را تلاوت می‌کنند!

۴- قطعاً معبود شما یکی است (نه بیشتر).

۵- آن کسی که خداوند آسمان‌ها و زمین و همه چیزهایی است که در میان آن دو قرار دارد. و خداوند مشرق‌ها است.

۶- ما نزدیک‌ترین (به شما) را با زینت ستارگان آراسته‌ایم.

۷- ما آن را از هر شیطان متمردی، کاملاً حفظ کرده‌ایم.

۸- آنان نمی‌توانند به گروه والامقام (و صدرنشینان عالم را ملکوت، که فرشتگان کبارند) دزدکی گوش فرادهند (و اسرار غیب را بشنوند) چرا که از هر سو به سویشان (تیرهای شهاب) نشانه می‌رود.

۹- آنان سخت (به عقب رانده می‌شوند و از صحنه آسمان) طرد می‌گردند. و عذاب به تمام و کمالی (در دنیا) و دائمی و سرمدی (در آخرت) دارند.

۱۰- و اما از آنان هر که با سرعت استراق سمعی کند، فوراً آذرخش سوراخ کننده (جو آسمان و بدن آن شیطان) بدنال او روان می‌گردد (وی را می‌سوزاند و نابودش می‌گرداند).

۱۱- (به منکران بعث و قیامت بگو و) از ایشان پرس و جو کن که آیا آفرینش (دوباره) ایشان سخت‌تر و دشوارتر است یا آفرینش (آسمان‌ها و زمین و فرشتگان و سایر) چیزهایی که آفریده‌ایم؟ ما که ایشان را از گل چسبنده ناچیزی (در؟؟؟ خلقت) آفریده‌ایم (و بر آفرینش آنان توانا بوده‌ایم لذا سهل و ساده ایشان را باز آفرینش می‌کنیم و مشکلی در این امر نمی‌بینیم).

﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿٧٦﴾ لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾ وَنَادَوْا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَكْتُوبُونَ ﴿٧٧﴾ لَقَدْ جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ ﴿٧٨﴾ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرَمُونَ ﴿٧٩﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾﴾

[الزخرف: ۷۴-۸۰].

۷۴- بزهارانه، جاودانه در عذاب دوزخ می‌مانند.

۷۵- عذابشان کاسته نمی‌گردد و سبک نمی‌شود، و آنان در میان عذاب، اندوهناک و نومید و خاموش می‌مانند.

۷۶- ما بدیشان ستم نکرده‌ایم (که آنان را بدین عذاب گرفتار ساخته‌ایم) و لیکن خودشان به خویشتن ستم کرده‌اند.

۷۷- آنان فریاد می‌زنند: ای مالک (از فرشتگان آتش) پروردگارت ما را بمیراند و نابودمان گرداند (تا بیش از این رنج نبریم و از این عذاب دردناک آسوده شدیم. او بدیشان) می‌گوید: شما (اینجا) می‌مانید (و مرگ و میر و نیستی و نابودی در کار نیست).

۷۸- (خداوند بدیشان پیام می‌دهد که) ما حق را برای شما آوردیم (و توسط پیغمبران برایتان فرو فرستادیم) ولی اکثر شما حق را نپسندیدند و آن را دشمن داشتید.

۷۹- بلکه، آنان تصمیم محکمی (بر توطئه قتل محمد) گرفتند و ما نیز اراده محکم و تغییر ناپذیری گرفتیم (درباره مجازات سخت و کیفر دادنشان در دنیا و آخرت).

۸۰- آیا گمان می‌برند که ما اسرار پنهانی و سخنان در گوشی آنان را نمی‌شنویم؟! آری (ما آگاه از راز و رمز ایشان و شنوای نجوای آنان بوده و) گذشته از این فرشتگان مامور ما در کنارشان حاضر و بر اعمالشان ناظرند (همه کردار و گفتارشان را) می‌نویسند و ثبت و ضبط می‌کنند.

﴿حَمِّ ۱﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَرَّكَةٍ ۚ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴿۳﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿۴﴾ أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿۵﴾ رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۶﴾ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿۷﴾ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ﴿۸﴾ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴿۹﴾ فَأَرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ﴿۱۰﴾ يَغْشَى النَّاسَ ۗ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۱﴾ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿۱۲﴾ أَتَى لَهُمُ الدَّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿۱۳﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ ﴿۱۴﴾ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا ۖ إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ﴿۱۵﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ ﴿۱۶﴾ [الدخان: ۱-۱۶].

۱- حا. میم.

۲- سوگند به قرآن! که روشن و روشنگر است.

- ۳- ما قرآن را در شب پر خیر و برکتی فرو فرستاده‌ایم. ما همواره بیم دهنده (کافران و مشرکان و ظالمان، با ارسال پیغمبر به سویشان) بوده‌ایم (و کتابی برایشان فرو فرستاده‌ایم. این قرآن هم آخرین حلقه از این سلسله است).
- ۴- در این شب مبارک، هرگونه کار حکیمانه‌ای (که انسان را به حقیقت آشنا و به سعادت برساند، و او از باطل و شقاوت دور گرداند، از سوی خدا) بیان و مقرر گشته است.
- ۵- کار و باری که از سوی ما صادر و بدان دستور داده شده است (و در قرآن برای انسان‌ها روانه گشته است) ما فرستنده (محمد و همه انبیاء و قرآن و همه کتاب‌های آسمانی) بوده‌ایم.
- ۶- (این کار) به خاطر رحمتی از سوی پروردگارت (در حق انسان‌ها) است خدا شنوا و آگاه است.
- ۷- (پروردگار تو) که پروردگار آسمان‌ها و زمین و همه چیزهایی است که در میان آن دو است. اگر شما طالب یقین و باورید (به این که خدا آفریدگار شما روزی رسان بندگان، و به زیر فرمان کشانده خورشید و ماه است).
- ۸- جز او خدایی نیست. و او است که زنده می‌گرداند و می‌میراند. و پروردگار شما و پروردگار پدران و نیاکان پیشین شما است.
- ۹- اصلاً مشرکان (درباره رسالت و دعوت آسمانی) در شک و تردیدند و (آن را و کلاً زندگی را به بازی می‌گیرند).
- ۱۰- منتظر روزی باش که آسمان زود آشکار را پدیدار می‌کند.
- ۱۱- دودی که تمام مردم را فرا می‌گیرد، این همان عذاب دردناک عظیم است.
- ۱۲- (مردم رو به درگاه خدا می‌کنند و می‌گویند: پروردگارا! عذاب را از ما برطرف گردان، ما ایمان آورده‌ایم (و به اشتباهات خود پی برده‌ایم).

۱۳- کی بیداری برای آنان فایده‌ای دارد؟ قبلاً که پیغمبری (یا رسالتی روشن و معجزاتی دال بر صداقتش، و زبان گویا و) بیانگر (قوانین سرنوشت ساز و سعادت بخش) به پیش آنان آمده بوده است.

۱۴- سپس از او رویگردان شدند و گفتند: او دیوانه‌ای (است این مطلب توسط دیگران بدو) آموخته شده است.

۱۵- اگر مدت اندکی عذاب را از شما بدور داریم (و به دنیا برگردانیم) قطعاً شما (به) کفر و شرک و فسق و فجور خود) بر می‌گردید.

۱۶- روزی سخت بر آنان می‌تازیم (و با چنین یورش تندی) آنان را به مجازات می‌رسانیم.

﴿إِنَّ شَجَرَتَ الرَّقُومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ الْأَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلِيِّ الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾ خُدُوهُ فَأَعْتَلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُوقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿٥٠﴾﴾ [الدخان: ۴۳-۵۰].

۴۳ و ۴۴- قطعاً درخت زقوم، خوراک گناهکاران است.

۴۵- همچون فلز گداخته در شکم‌ها می‌جوشد.

۴۶- جوششی همچون آب گرم و داغ.

۴۷- (به ماموران دوزخ فرمان داده می‌شود): این کافر فاجر را بگیرد و به میان دوزخ پرتابش کنید.

۴۸- سپس بر سر او آب جوشان بریزید (تا بر عذاب او دردش افزوده گردد).

۴۹- بچش که تو زوردار و بزرگواری!

۵۰- این (عذابی که هم اینک می‌بینید و لمسش می‌کنید) همان چیزی است که پیوسته درباره آن شک و تردید می‌کردید.

﴿رَبِّلِّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٧﴾ يَسْمَعُ ءَايَاتِ اللَّهِ تَتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا ﴿٨﴾ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٩﴾ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ ءَايَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٩﴾﴾

مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰﴾ [الجنّ: ۷-۱۰].

۷- وای بر هر کسی که دروغپرداز و بدهکار باشد!

۸- آن کسی که پیوسته آیات خدا را می شنود که بر او خوانده می شود (و از وعده و وعید، بیم دادن و امید دادن، امر و نهی، و پند و اندرز، صحبت می دارد، اما او) پس از آن از روی تکبر (بر کفر و مخالفت با حق انعام گناه) اصرار می ورزد؛ انگار آیه های خدا را نشنیده است! (حال که چنین است) پس او را به عذاب بس دردناکی مژده بده.

۹- هنگامی که چیزی از آیات ما را فرا می گیرد آن را به تمسخر می گیرد و مایه استهزاء می گرداند! این چنین کسانی عذاب بزرگ و خوار کننده ای دارند.

۱۰- رویاروی آنان دوزخ است، آنچه (از مال و جاه دنیا) بدست آورده اند و کسانی که سوای خداوند بعنوان اولیاء برگزیده اند، اصلاً به حالشان سودی نمی رساند (و از دوزخ نمی رهند) و عذاب بس بزرگی دارند.

﴿وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٍ ﴿۲۳﴾ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴿۲۴﴾ مَتَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ ﴿۲۵﴾ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴿۲۶﴾﴾ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطَّغَيْتُهُ وَلَا كِنَ كَانٍ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿۲۷﴾ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ﴿۲۸﴾ مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿۲۹﴾ يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ ﴿۳۰﴾﴾ [ق: ۲۳-۳۰].

۲۳- فرشته همدم او می گوید، اینها چیزهایی است که در پیش من آماده است (و من آنها را ثبت و ضبط کرده ام. پروردگارا! خود دانی که برابر اینها در حق او چکار می کنی).

۲۴- (خدا به دو فرشته مامور ثبت و ضبط اعمال دستور می دهد): هر کافر سرکش و

کینه توزی را به دوزخ بیندازید!

۲۵- آن کسی را که سخت از انجام کارهای نیک دست بازداشت (و دیگران را) نیز از انجام خوبی‌ها بازداشته است و متجاوز (از حدود احکام الهی) و متعدی (به حقوق دیگران) بوده است، و (در دین خود) شک داشته است (و دیگران را نیز؟؟؟ به دین) به شک انداخته است و بدبین کرده است.

۲۶- آن کسی که با خدا، معبود دیگری را برگزیده است. پس او را به عذاب سخت (دوزخ) بیندازید.

۲۷- (شیطانی که در دنیا پیوسته) همدم او (بوده است) می‌گوید: پروردگارا! من او را به طغیان و سرکش (از فرمان یزدان) و افراشته‌ام، بلکه او خود در گمراهی ژرف (و دور از ساحل نجاتی) بوده است.

۲۸- خدا می‌فرماید: در پیشگاه من ستیزه مکنید. من پیش از این شما را (از این سرنوشت شوم) بیم داده بودم.

۲۹- سخن من (مبنی بر عذاب دادن کافران و نعمت رساندن به مومنان) تغییرناپذیر است و دگرگون نمی‌شود. و من کم‌ترین ستمی به بندگان نمی‌کنم.

۳۰- روزی به دوزخ خواهیم گفت: آیا پر شده‌ای؟ (قطعاً که پر شده‌ای و ما به وعده خود وفا کرده‌ایم). و دوزخ می‌گوید: مگر افزون بر این هم هست؟!

﴿أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلَادِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ﴿٤٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرُونَ ﴿٤٤﴾ سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدُّبُرَ ﴿٤٥﴾ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرٌ ﴿٤٦﴾ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٤٧﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٨﴾ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾ وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ ﴿٥١﴾ وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿٥٢﴾ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ ﴿٥٣﴾﴾ [القمر: ۴۳-۵۳].

۴۳- (ای قریشیان!) آیا کافران شما بهتر از آنانی هستند که برایتان روایت کردیم، (مثل قوم نوح، عاد، ثمود، لوط، فرعون!) یا اینکه برای شما امان نامه‌ای در کتاب‌ها (از سوی خدا) نازل شده است (مبنی بر اینکه کافرانان را عذاب نمی‌رسانیم).

۴۴- یا اینکه می‌گویند: ما جمعیت متحد و نیرومند شکست ناپذیری هستیم و همدیگر را یاری می‌دهیم و از دشمنان خود انتقام می‌گیریم.

۴۵- جمعیت ایشان بزودی شکست می‌خورد و پشت می‌کنند و می‌گریزند.

۴۶- بلکه موعدهشان قیامت است، و قیامت بدان آن عظمت‌تر و تلخ‌تر (از کشتن و اسارت این جهانی برایشان) است.

۴۷- قطعاً گناهکاران، گمراه و دیوانه و گرفتار آتشند.

۴۸- روزی داخل آتش، بر رخساره روی زمین کشیده می‌شوند (و بدیشان گفته می‌شود): بچشید لمس و پسوده دوزخ را.

۴۹- ما هر چیزی را به اندازه لازم و از روی حساب و نظام آفریده‌ایم.

﴿وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ﴿٧﴾ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨﴾﴾ [الأنفال: ۷-۸].

۷- (ای مومنان! به یادآورید) آنگاه را که خداوند پیروزی بر یکی از دو دسته را به شما وعده داد (پیروزی بر کاروان تجاری قریش به سرپرستی ابوسفیان برای نجات کاروان آمده بود). شما دوست می‌داشتید دسته‌ای نصیب شما گردد که از قدرت و قوت چندانی برخوردار نیست (که کاروان بود) ولی خدا می‌خواست حق را با سخنان خود (که بیانگر اراده و قدرت یزدانند، برای مردم) ظاهر و استوار گرداند و کافران را (از سرزمین عرب با پیروزی مومنان) ریشه کن کند (لذا شما را با لشکر قریش درگیر کرد).

۸- تا بدینوسیله حق را (که اسلام است) پابرجا و باطل را (که شرک است) تباہ گرداند هرچند که بزهکاران (کافر و طغیانگر، آن را) نپسندند.

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨١﴾﴾ [الإسراء: ۸۱].

۸۱- و (مشرکان را بترسان و بدیشان) بگو: حق فرا رسیده است (که یکتاپرستی و آئین آسمانی و دادگری است) و باطل از میان رفته و نابود گشته است (که چند تا پرستی

و آئین قباہ و ستمگری است) اصولاً باطل همیشه از میان رفتنی و نابود شدنی است (و سرانجام پیروزی از آن حق و حقیقت بوده و هست).

﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾﴾

[الأنبياء: ۱۸].

۱۸- بلکه (ما چنین نمی‌خواهیم و) حق را به جان باطل می‌اندازیم، حق مغز سر باطل را از هم می‌باشد و باطل هرچه زودتر محو و نابود می‌شود، وای بر شما (ای کافران) به سبب توصیفی که می‌کنند (از بی‌هدفی جهان و از افترائی که بر خدا و فرستاده یزدان می‌بندید).

﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا ﴿٢٣﴾﴾ [الفرقان: ۲۳].

۲۳- ما به سراغ تمام اعمالی که (به ظاهر نیک بوده و در دنیا) آنان انجام داده‌اند می‌رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا می‌سازیم و (ایشان را از اجر و پاداش آن محروم می‌کنیم. چرا که نوشتن ایمان، موجب محو و نابودی احسان، و بی‌اعتبار شدن اعمال خوب انسان می‌گردد).

﴿قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّمَ الْغُيُوبِ ﴿٤٨﴾ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ

﴿٤٩﴾﴾ [سبأ: ۴۸-۴۹].

۴۸- بگو: پروردگار من، حق را آشکارا بیان می‌دارد (و با آن باطل را از میان بر می‌دارد... او) دانای به غیب و کاملاً آگاه از پنهانی‌ها است.

۴۹- بگو: حق به میان آمد باطل (در پرتو نور حق، اثری از آن نماند و مرده و لذا) نه کار تازه‌ای را می‌تواند انجام دهد، و نه کار گذشته‌ای را می‌تواند از سر گیرد.

۵۰- (نه تنها اعمال ما از روی حکمت است، بلکه توام با نهایت قدرت است چرا که) فرمان فرمانی پیش نیست و (و چنان با سرعت انجام می‌گیرد که انگار همان با یک چشم بر هم زدن و) همانند یک نگاه سریع باعجله است.

- ۵۱- ما اشخاص همچون شما را (در روزگاران پیشین) نابود و هلاک ساخته‌ایم. آیا پند پذیرنده عبرت گیرنده‌ای هست؟!
- ۵۲- هر کاری را کرده‌اید، در کتاب‌ها و نامه‌های اعمال (با دست فرشتگان مامور ثبت و ضبط و) موجود است.
- ۵۳- هر کار کوچک و بزرگی (که در دنیا کرده‌اند، در دفاتر مخصوص) نوشته شده است.

﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ﴿٥﴾ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٦﴾ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ ﴿٧﴾ تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٨﴾ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ﴿٩﴾ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١٠﴾ فَأَعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١١﴾﴾ [الملك: ۵-۱۱].

- ۵- ما آسمان نزدیک (به شما) را با چراغ‌هایی (به نام ستارگان) آراسته‌ایم، و آن‌ها را وسیله راندن اهریمنان ساخته‌ایم، و برای ایشان عذاب آتش سوزانی را آماده کرده‌ایم.
- ۶- کسانی که به پروردگار خود ایمان نداشته باشند. عذاب دوزخ دارند، و چه بدجایگاهی است!
- ۷- هر زمان که به دوزخ انداخته شدند، تندر می‌زند و غرش از آن می‌شنوند.
- ۸- دوزخ از شدت خشم (برایشان) نزدیک است بترکد و پاره پاره شود. هر زمانی که گروهی بدان انداخته می‌شوند، دوزخبانان از آنان می‌پرسند آیا پیغمبر بیم دهنده‌ای به میان شما نیامده است (تا شما را از چنین روزی و وضعی بترساند؟!)
- ۹- می‌گویند آری! پیغمبران بیم دهنده‌ای به میان ما آمدند و ما دوغگویشان نامیدیم و گفتیم: خداوند بهیچوجه چیزی را (به نام وحی، برای کسی) نفرستاده است، و شما دچار گمراهی بزرگی هستید.

۱۰- و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا می‌داشتیم، و یا عقل خود را بکار می‌گرفتیم، هرگز از زمره دوزخیان نمی‌گشتیم.

۱۱- اینجا است که به گناه خود اعتراف می‌کنند. پس دوری (از رحمت خدا) بعمره

دوزخیان باد!

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ

حَدِيثًا ﴿۸۷﴾ [النساء: ۸۷].

۸۷- جز خدا، خدایی نیست، حتماً شما را (بعد از مرگ زنده می‌گرداند و) در روزی که شکی در (وقوع) آن نیست گرد می‌آورد (خداست که این را می‌گوید) و چه کسی از خدا راستگوتر است!؟

﴿وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ

مُسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۶۰﴾ [الأنعام: ۶۰].

۶۰- خدا است که در شب شما را می‌میراند و در روز شما را بر میانگیزاند و او می‌داند که در روز (که زمان عمده جنب و جوش و تلاش و کوشش است) چه می‌کنید و چه فراچنگ می‌آورید (و این مرگ و زندگی خواب و بیداری نام، پیوسته ادامه دارد) تا مهلت معین (زندگی هر کس با فرا رسیدن مرگ او) بسر آید سپس (در روز رستاخیز همگان) به سوی خدا بر می‌گردید و آنگاه شما را بدانچه (از خوب و بد در دنیا) می‌کردید با خبر می‌گرداند (و پاداش اعمال را به صاحبان آنها می‌رساند).

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَهُمُ وُدُوقًا عَذَابِ

الْحَرِيقِ ﴿۵۰﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿۵۱﴾ [الأنفال: ۵۰-۵۱].

۵۰- اگر ببینی (ای پیغمبر! هول و هراس و عذاب و عقابی را که به کافران دست می‌دهد) بدانگاه که فرشتگان جان کافران را می‌گیرند و سر و صورت و پشت و روی آنان را (از هر سو) می‌زنند و (بدیشان می‌گویند): عذاب سوزان (اعمال بد خود) را

بچشید، (از مشاهده این همه درد و رنج و ترس و خوف دچار شگفت خواهی شد و به حال آنان تاسف خواهی خورد).

۵۱- این به خاطر کارهایی است که از پیش می‌کرده‌اید و می‌فرستاده‌اید و خداوند به بندگان هرگز کم‌ترین ستمی روا نمی‌دارد.

﴿قُلْ يَتَوَقَّعُكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿۱۱﴾﴾

[السجدة: ۱۱].

۱۱- بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است. به سراغتان می‌آید و جان شما را می‌گیرد، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید.

﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مَوْلِيهَا فَاسْتَبِقُوا الْحَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۴۸﴾﴾ [البقرة: ۱۴۸].

..... أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۴۸﴾

هرجا که باشید خدا همگی شما را گرد می‌آورد خدا بر هر چیزی توانا است.

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ

حَدِيثًا ﴿۸۷﴾﴾ [النساء: ۸۷].

۸۷- جز خدا خدایی نیست، حتماً شما را بعد (بعد از مرگ زنده می‌گرداند و) در روزی که شکی در (وقوع) آن نیست گرد می‌آورد. (خدا است که این را می‌گوید) چه کسی از خدا راستگوتر است!؟

﴿وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ﴿۹۹﴾﴾

[الكهف: ۹۹].

۹۹- در آن روز (که جهان پایان می‌گردد و وعده آخرت فرا می‌رسد). ما آنان را رها می‌سازیم تا برخی در برخی (فرو روند و در همدیگر) موج زنند، و (آنگاه برای دومین بار) در صور دمیده می‌شود و ما ایشان را بگونه شگفتی (برای حساب و کتاب در یکجا) گرد می‌آوریم.

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿٦٨﴾ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ﴿٦٩﴾ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ﴿٧١﴾ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾﴾ [مریم: ۶۸-۷۲].

۶۸- سوگند به پروردگارت، هر آینه کافران را همراه با شیاطین گرد می‌آوریم و پس ایشان را گرداگرد دوزخ به زانو در افتاد و ذلیلانه حاضر می‌سازیم.

۶۹- سپس از میان هر گروهی افرادی را بیرون می‌کشیم (و پیش از دیگران به دوزخ می‌اندازیم) که سرکش تر از همه در برابر خداوند مهربان بوده‌اند.

۷۰- بعد از آن ما از کسانی که برای سوختن در آتش اولویت دارند، به خوبی آگاهیم (و دقیقاً افراد گستاخ را انتخاب می‌کنیم و در این گزینش هیچگونه اشتباهی رخ نخواهد داد).

۷۱- همه شما (انسان‌ها بدون استثناء) وارد دوزخ می‌شوید (مومنان برای عبود و دیدن کافران برای دخول ماندن). این امر حتمی و فرمانی است قطعی از پروردگارتان.

۷۲- سپس پرهیزگاران را نجات می‌دهیم، و ستمگران را ذلیلانه در آن رها می‌سازیم.
﴿يُنْفَخُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾ أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأُتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾﴾ [النمل: ۳۰-۳۱].

۳۰- این نامه از سوی سلیمان آمده است و (سراغاز) آن چنین است: به نام خداوند بخشنده مهربان

۳۱- برای این (نامه را فرستاده‌ام) تا برتری جویی در برابر من نکنید و تسلیم شده به سوی من آئید.

﴿يَبْنَئُ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٦﴾﴾ [لقمان: ۱۶].

۱۶- پسر عزیزم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (عمل نیک یا بد انجام گرفته) باشد در دل سنگی، یا در آسمان‌ها، و یا اینکه در میان زمین باشد، خدا آن را حاضر می‌آورد (و به حساب و کتاب آن رسیدگی می‌کند). چرا که خداوند بس دقیق و آگاه است.

﴿أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿۳۱﴾ وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿۳۲﴾﴾ [یس: ۳۱-۳۲].

۳۱- مگر نمی‌دانند که در روزگاران پیش از ایشان چه ملت‌های فراوانی را (به گناهانشان گرفته‌ایم و) نابودشان نموده‌ایم، که هرگز به سوییشان باز نمی‌گردند (و دیگر به دنیا گام نمی‌گذارند!؟)

۳۲- همه آنان (بدون استثناء در روز قیامت) نزد ما گرد می‌آیند و حاضر می‌گردند.

﴿وَقَالُوا يَوَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿۳۱﴾ هَذَا يَوْمَ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِء تُكذِّبُونَ ﴿۳۲﴾
 ﴿أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَرْوَجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿۳۳﴾ مِّن دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ
 الْجَحِيمِ ﴿۳۴﴾ وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ﴿۳۵﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنصُرُونَ ﴿۳۶﴾ بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ
 ﴿۳۷﴾﴾ [الصفات: ۲۰-۲۶].

۲۰- و خواهند گفت: ای وای بر ما! این، روز جزا است؟

۲۱- (و بدیشان پاسخ داده می‌شود:) این روز داوری و حسابرسی است. همان روزی که در دنیا دروغش می‌نامیدید.

۲۲- (ای فرشتگان من!) کسانی را که (با کفر و زندقه) به خود ستم کرده‌اند همراه با همسفران (کفر پیشه) آنان به همراه آنچه می‌پرستیده‌اید، جمع آوری کنید.

۲۳- غیر از خدا (هرچه را پرستش می‌کرده‌اید، همه را یکجا گرد آورید و) آنگاه آنان را به راه دوزخ راهنمایی کنید (تا بدان در آیند).

۲۴- آنان را نگاه دارید که باید بازپرسی شوند (و از عقائد و اعمالشان پرسیده شود).

۲۵- (ای مشرکان!) شما چرا همدیگر را یاری نمی‌دهد (و در نجات هم نمی‌کوشید؟)

۲۶- بلکه آنان امروز کاملاً مطیع و تسلیمند.

﴿وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا ۚ وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿۱۵۸﴾﴾

[الصافات: ۱۵۸].

۱۵۸- آنان معتقد به خویشاوندی و نزدیکی میان خدا و جنیان هستند. در صورتی که جنیان می‌دانند که مشرکان (و هم خودشان اگر شرک بورزند، در میان دوزخ) حاضر آورده می‌شوند.

﴿وَقَالُوا لِيُؤدِّهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۲۱﴾﴾ [فصلت: ۲۱].

۲۱- آنان به پوست‌های خود می‌گویند: چرا بر ضد ما شهادت دادید؟ پاسخ می‌دهند: خداوندی ما را به گفتار در آورده است که همه چیز را گویا نموده است، و همو در آغاز شما را (از عدم) آفریده است و (در پایان زندگی بعد از ممات، دوباره جامه حیات به تتان کرده و برای حساب و کتاب) به سوی او برگردانده شده‌اید.

﴿فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ ﴿۲۳﴾﴾ [الذاریات: ۲۳].

۲۳- به خدای آسمان و زمین سوگند که این (مطلب، یعنی وقوع رستاخیز حساب و کتاب، جزا و سزا، بهشت برای دینداران و دوزخ برای بی‌دینان) حق است، درست همانگونه که شما سخن می‌گوئید (و سخن گفتن کاملاً برایتان محسوس و درباره آن شک و تردیدی ندارید).

﴿هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ﴿۳۵﴾ وَلَا يُؤَدِّنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ﴿۳۶﴾﴾ [المسلات: ۳۵-۳۶].

۳۵- امروز، روزی است که (تکذیب کنندگان آیات الهی، دم نمی‌زنند و) سخن نمی‌گویند (چرا که خداوند بر دهنشان مهر سکوت می‌نهد).

۳۶- و بدیشان اجازه داده نمی‌شود تا پوزش بطلبند و عذرخواهی بکنند.

﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَبَرِّمًا هُمْ فِيهِ وَبَلِغٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۳۹﴾﴾ [الأعراف: ۱۳۹].

۱۳۹- اینان (را که می‌بینید به بت پرستی مشغولند) کارشان (مایه) هلاک و نابودی (خودشان و معبودهایشان) است و آنچه می‌سازند و می‌کنند پوچ و نادرست است.

﴿أَمْ يَقُولُونَ أَفَتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَاءِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [الشورى: ۲۴].

۲۴- آیا می‌گویند: (محمد) بر خدا دروغ و افتراء بسته است و (خدا بدو چیزی وحی نکرده است و زائیده اندیشه خود را به او نسبت داده است؟) اگر خدا بخواهد بر تو مهر می‌نهد (و قدرت حفظ آیات خود را از تو می‌گیرد). خداوند با سخنان (قرآنی) خود باطل را از میان برمی‌دارد و حق را پابرجا می‌دارد مسلماً او بسیار آگاه از همه چیزهایی است که در درون سینه‌ها است.

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ۖ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ۖ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ۚ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۗ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ۗ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ ۗ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۗ ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۗ﴾ [الزلزلة: ۱-۸].

۱- هنگامی که زمین سخت به لرزه در انداخته می‌شود.

۲- و زمین (از هم می‌شکافد و گدازه‌های درونی و دفينه‌ها و مرده‌ها، و همه سنگینی‌ها و بارهای خود بیرون می‌اندازد (و بگونه دیگری در می‌آید).

۳- و انسان می‌گوید: زمین را چه شده است؟

۴- در آن روز (که سرآغاز قیامت است) زمین خبرهای خود را بازگو می‌کند (و به زمان قال یا حال خواهد گفت که چیزهایی بر آن گذشته است).

۵- (این احوال و اقوال زمین) بدان سبب است که پروردگار تو بدو پیام می‌دهد (که چه بشود و چه بگوید).

۶- در آن روز مردمان (از گورهای خود) دسته دسته و پراکنده بیرون می‌آیند (و رهسپار صحرای محشر می‌شوند) تا کارهایشان بدیشان نموده شود (و نتیجه اعمالشان را ببینند).

۷- پس هر کس به اندازه ذره غباری کار نیکو کرده باشد، آن را خواهد دید (و پاداشش را خواهد گرفت).

۸- و هر کسی به اندازه ذره غباری کار بد کرده باشد، آن را خواهد دید (و سزایش را خواهد چشید).

﴿قُلْنَا أَهْبَطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ۖ فَمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۳۸﴾﴾ [البقرة: ۳۸].

۳۸- گفتیم: همگی از آنجا (به زمین) فرود آئید و چنانچه هدایتی از طرف من برای شما آمد (که حتماً خواهد آمد) کسانی که از من پیروی کنند، نه ترس بر آنان خواهد بود و نه غمگین خواهند شد.

﴿وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادْرَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿۷۲﴾﴾ [البقرة: ۷۲].

۷۲- به یاد (بیاورید) آنگاه را که کسی را کشتید و درباره آن به نزاع برخاستید و یکدیگر را بدان متهم کردید، و خدا حقیقت امر را می‌دانست و آنچه را که پنهان می‌کردید، آشکار و نمایان می‌نمود.

﴿قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَچِيمٌ ﴿۳۴﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿۳۵﴾﴾ [الحجر: ۳۴-۳۵].

۳۴- (خدا) گفت: (چون از فرمان سرپیچی کردی) پس از بهشت بیرون شو، چرا که تو (از زحمت من) مطرود (و از منزلت کرامت رانده) هستی.

۳۵- و تا روز جزا (که در آن تو پیروان تو به عذاب سرمدی من گرفتار می‌آئید) بر تو نفرین باد.

﴿وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرِجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿۲۰﴾﴾ [القصص: ۲۰].

۲۰- (وقتی که خبر کشته شدن قبطی پراکنده شد) مردی (که از خانواده فرعون بود) ایمان آورده بود از نقطه دوردست شهر شتابان آمد و گفت: ای موسی! درباریان و بزرگان قوم برای کشتن تو به رایزنی نشسته‌اند، پس (هرچه زودتر از شهر) بیرون برو. مسلماً من از خیرخواهان و دلسوزان تو هستم.

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿۲۱﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغٌ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴿۲۲﴾﴾ [الطلاق: ۲-۳].

۲- هر کس هم از خدا بترسد و پرهیزگاری کند، خدا راه نجات (از هر تنگنایی) را برای او فراهم می‌سازد.

۳- و به او از جایی که تصورش نمی‌کند روزی می‌رساند. هر کس بر خداوند توکل کند (و کار و بار خود را بدو واگذارد) خدا او را بسنده است، خداوند فرمان خویش را به انجام می‌رساند هرچه را بخواهد بدان دسترسی پیدا می‌کند. خدا برای هر چیزی زمان و اندازه‌ای را قرار داده است.

﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۲۱﴾﴾ [القصص: ۲۱].

۲۱- موسی از شهر خارج شده در حالی که ترسان و چشم به راه بود (که هر لحظه حادثه‌ای رخ دهد و فرعونیان او را دستگیر کنند. خدا را به فریاد خواند و) گفت: پروردگارا! مرا از مردمان ستمگر رهائی بخش.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفٰسِقِينَ ﴿۲۶﴾﴾ [البقرة: ۲۶].

۲۶- خداوند شرم ندارد از اینکه مثال بزند به (کوچکترین موجودات) پشه‌ای یا کم‌تر از آن. کسانی که اهل ایمانند می‌دانند (هدف از این تمثیل چیست و) این صحیح و درست است و از جانب خدایشان می‌باشد. و اما کسانی که راه کفر و انکار برگزیده‌اند، می‌گویند: خواست خدا از این مثل چیست؟ (باید بدانند) خدا با بیان این نوع مثل، بسیاری را سرگردان و ویران می‌سازد، و بس را (به سوی حق) راهنمایی می‌نماید. و اما خدا جز کجروان و منحرفان را با آن گمراه و حیران نمی‌گرداند.

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آءَالُ مُوسَىٰ وَعَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۲۴۸].

۲۴۸- و پیغمبرشان به آنان گفت: نشانه حکومت او این است که صندوق (عهد) به سوی شما خواهد آمد (همان صندوق عهدی که دلگرمی و) آرامش از سوی پروردگارتان و یادگارهای خاندان موسی و هارون در آن است، و فرشتگان آن را حمل می‌کند، در این کار بی‌گمان نشانه‌ای بر شما است (و چنین رهنمودی شما را بر آن می‌دارد که) اگر مومن هستید و (بدو بگروید و بدنال حق روان شوید).

﴿وَلَمَّا بَرَزُوا لِحَالُوتِ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۲۵۰].

۲۵۰- و هنگامی که در برابر حالات و سپاهیان او قرار گرفتند (و لشکریان فراوان و ساز و برگ مجهز جنگی ایشان را دیدند، به آفریدگار خویش پناه بردند و) گفتند: پروردگارا! (بر دل‌هایمان آب) صبر و شکیبایی بریز و گاه کام‌هایمان را ثابت و استوار بدار ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.

﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۶۵].

۲۶۵- مثل کسانی که دارائی خود را برای خوشنودی خدا و استوار کردن جان‌ها خود (بر ایمان و احسان) صرف می‌کنند. همچون مثل باغی است که روی پشه‌ای باشد (و از هوای آزاد و نور آفتاب به حد کافی بهره گیرد) و باران شدیدی بر آن ببارد و در نتیجه چندین برابر میوه دهد، و اگر هم باران شدیدی بر آن نبارد، باران خفیفی بر آن ببارد (به سبب خاک خوب و آفتاب مناسب و هوای آزاد، باز هم بیار نشیند) و آنچه را انجام می‌دهید خدا می‌بیند.

﴿وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ ۗ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۱۲۶﴾﴾ [آل عمران: ۱۲۶].

۱۲۶- و خداوند آن (یاری با فرشتگان) را جزء مژده ای برای (پیروزی) شما ساخت، و برای آن کرد که دل‌های شما بدان آرام گیرد، و پیروزی جز از جانب خداوند توانای دانا نیست.

﴿وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۳﴾﴾ [الأنعام: ۱۳].

۱۳- و از آن اوست آنچه در شب و روز قرار دارد (یعنی همانگونه که هرچه در هر مکانی است از آن خدا است، هرچه در هر زمانی هم که باشد متعلق بدو است) و از شنوا و آگاه (از همه موجودات) است.

﴿وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۱۴﴾﴾ [الأنفال: ۱۰-۱۱].

﴿إِذْ يُعَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُنَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿۱۵﴾﴾

۱۰- خداوند این (امداد، فرشتگان) را تنها برای مژده دادن (پیروزی) به شما و آرامش پیدا کردن دل شما بدان کرد و گرنه پیروزی جز از سوی خدا نیست (و اراده و مشیت او بالاتر از همه این اسباب ظاهری و باطنی است). بی‌گمان خداوند (بر هر کاری) توانا (و کارهایش) از روی حکمت است.

۱۱- (ای مومنان! به یاد آورید) زمانی را که (از دشمنان و کم‌آبی به هراس افتادید و خداوند) خواب سبکی بر شما افکند تا مایه آرامش و امنیت (روح و جسم شما) از ناحیه خدا گردد و از آسمان آب بر شما باراند تا بدان شما را (از پلیدی جسمانی) پاکیزه دارد و کثافت (وسوسه‌های) شیطانی را از شما به دور سازد، و (با این نعمت) دل‌هایتان را ثابت (و به یاری خدا و اتق نماید، و گام‌ها را (در شنزارهای بدر) استوار دارد (و روحیه شما را تقویت و بر میزان استقامت شما بیفزاید).

﴿وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [هود: ۱۲۰].

۱۲۰- این همه از اخبار پیغمبران بر تو فرو می‌خوانیم، کلاً برای این است که بدان دلت را بر جای استوار بداریم (و در برابر مشکلات تبلیغ رسالت، آن را تقویت نمائیم). برای تو در ضمن این (سوره اخبار مذکور در آن، بیان) حق آمده است (همان حقی که پیغمبران دیگران را بدان می‌خواندند) و برای مومنان پند و یادآوری مهمی ذکر شده است (که می‌تواند همچون ایمانداران پیشین از آن سودجویند و راه سعادت پویند).

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ [الرعد: ۲۸].
۲۸- آن کسانی که ایمان می‌آورند و دل‌هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می‌کند. هان دل‌ها با یاد خدا آرام می‌گیرند (و از تذکر عظمت و قدرت خدا و انجام عبادت و کسب رضای یزدان اطمینان پیدا می‌کنند).

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ [إبراهیم: ۲۴].

۲۴- بنگر که خدا چگونه مثل می‌زند: سخن خوب به درخت خوبی می‌ماند که تنه آن (در زمین) استوار و شاخه‌هایش در فضا (پراکنده) باشد.

﴿يُنَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ [إبراهیم: ۲۷].

۲۷- خداوند مومنان را به خاطر گفتار استوار (و عقیده پایدارشان) هم در این جهان (در برابر رزق و برق مادیات و بیم هراس مشکلات محفوظ و مصون می‌نماید) هم در آن جهان (ایشان را در نعمت‌های فراوان و عطیای بی‌پایان، جاویدان و) ماندگار می‌دارد، و کافران را (در دنیا و آخرت) گمراه و سرگشته می‌سازد، و خداوند هرچه بخواهد انجام می‌دهد.

﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ﴾ [النحل: ۱۰۲].

۱۰۲- بگو: قرآن را جبرئیل از سوی پروردگارت به حق نازل کرده است تا مومنان را (در مسیر خود) ثابت قدم گرداند و هدایت و بشارت برای مسلمانان باشد.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْءَانُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً﴾ [الفرقان: ۳۲].

۳۲- کافران می‌گویند: چرا قرآن یکجا نازل نمی‌شود؟ (و چرا آیات آن تدریجاً با فواصل مختلف زمانی نازل می‌گردد؟) همین‌گونه (ما قرآن را به صورت آیات جداگانه و بخش‌بخش می‌فرستیم) تا دل تو را (با انس بدان و حفظ آن) پابرجا و استوار بداریم، و آن را قسمت به قسمت و آرام آرام (توسط جبرئیل، بر تو) فرد می‌خوانیم (تا آن را به دقت بیاموزی و کم‌کم به خاطر سپاری).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ [محمد: ۷].

۷- ای مومنان اگر (دین) خدا را یاری کنید خدا شما را یاری می‌کند (و بر دشمنانتان پیروز می‌گرداند) و گام‌هایتان را استوار می‌دارد (و کار و بارتان را استقرار می‌بخشد).

﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَاتُهُ ءَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقُرُّ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَآخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٥﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ [فصلت: ۴۴-۴۶].

۴۴- چنانکه قرآن را به زبانی جز زبان عربی فرو می‌فرستادیم حتماً می‌گفتند: اگر آیات آن (به عربی) توضیح و تبیین می‌گردید (چه می‌شد؟ در این صورت ما آن را روشن و گویا فهم می‌کردیم، می‌گفتند:) آیا (کتاب) غیرعربی و (بیغمبر) عربی؟ بگو: قرآن برای مومنان مایه راهنمایی و بهبودی است. (ایشان را از راه‌های گمراهی و سرگستگی

می‌رهاند، و از بیماری‌ها شک و گمان نجات می‌بخشد) و اما برای غیر مومنان، کوری گوش‌ها ایشان و کوری (چشمان) آنان است. (انگار) آنان کسانی‌اند که از دور صدا زده می‌شوند.

۴۵- ما به موسی کتاب (آسمانی تورات) دادیم و در آن (از طرف بنی اسرائیل) اختلاف گردید (و دسته دسته و پراکنده شدند. این هم سنت همیشگی در میان همه ادیان و اقوام است. قوم تو نیز از این قاعده مستثنی نیست) اگر سخن پروردگارت از پیش بر این نرفته بود (که عذاب کافران و مجازات شدید مبطلان تا روز رستاخیز به تاخیر انداخته شود) در میان (قوم تو نیز با نابودگران کافران و برجای داشتن مومنان) ایشان؟؟؟ می‌گردید. چرا که آنان درباره قرآن به شک و تردید شگفتی گرفتار آمده‌اند (و از حقیقت فرسنگ‌ها به دور افتاده‌اند).

۴۶- هر کسی که کار نیک بکند به نفع خود می‌کند، و هر کسی که کار بد بکند به زیان خود می‌کند، و پروردگار تو کم‌ترین ستمی به بندگان نمی‌کند.

﴿وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۷﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿۱۸﴾ [الأنعام: ۱۷-۱۸].

۱۷- اگر خداوند زیانی به تو برساند، هیچکس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد، و اگر خیری به تو برساند (هیچکس نمی‌تواند از آن جلوگیری کند)، چرا که او بر هر چیزی توانا است.

۱۸- او بر سر بندگان خود مسلط است و او حکیم (است و کارهایش را از روی حکمت انجام می‌دهد، و از احوال و اوضاع) بس آگاه است.

﴿فَتَلُوهُمُ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصَرِّكُمُ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ﴿۱۴﴾ وَيُذْهِبُ غِيظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۵﴾ [التوبة: ۱۴-۱۵].

۱۴- (ای مومنان!) با آنان کافران بجنگید تا خدا آنان را با دست شما عذاب کند و خوارشان دارد و شما را برایشان پیروز گرداند و (با فتح و پیروزی مومنان بر کافران) سینه‌های اهل ایمان را شفا بخشد (و بر دل‌های زخمی ایشان مرهم نهد و درد دیرینه اذیت و آزار کفار را از درون آنان بزدايد).

۱۵- و کینه را از دل‌هایشان بردارد (و شادی پیروزی جایگزین آن گرداند، همه باید بدانند که) خداوند توبه هر کسی را بخواهد (و شایسته‌اش بداند) می‌پذیرد (و لذا کافران می‌توانند تا دیر نشده است از کفر دست بکشند و به سوی خدا برگرداند و اسلام بپذیرند). خداوند آگاه (از کار و بار بندگان، و در قانونگذاری‌ها) دارای حکمت فراوان است.

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾﴾ [یونس: ۵۷].

۵۷- مردمان از سوی پروردگارتان برای شما اندرزی (جهت رهنمود زندگی) و درمانی برای چیزهایی که در سینه‌ها است (همچون کفر و نفاق و کینه و ستم و دشمنی با حق و حقیقت) آمده است (که قرآن نام دارد) و هدایت و رحمت برای مومنان است.

﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٨﴾ ثُمَّ كُلِّي مِن كُلِّ الشَّمْرَةِ فَاَسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾﴾ [النحل: ۶۸-۶۹].

۶۸- پروردگارت به زنبوران عسل (راه زندگی و طرز معیشت را) الهام کرد (و بدانگونه که تنها خود می‌داند به دلشان انداخت) که از کوه‌ها و درخت‌ها و داربست‌هایی که مردمان می‌سازند، خانه‌هایی برگزینند.

۶۹- پس (ما به آن‌ها الهام کردیم که) از همه میوه‌ها بخورید و راه‌هایی را بیمائید که خدا برای شما تعیین کرده است و کاملاً (دقیق و) در اختیارند. از درون زنبور عسل، مایعی بیرون می‌تراود که رنگ‌های مختلفی دارد. در این (مایع رنگارنگ) بهبودی مردمان

نهفته است. بی گمان در این (برنامه‌ی زندگی زنبوران عسل و ارمغانی که آن‌ها به انسان‌ها تقدیم می‌دارند که هم غذا و هم شفا است) نشانه روشنی (از عظمت و قدرت پروردگار) است برای کسانی که (درباره‌ی پدیده‌ها) می‌اندیشند (و رازها و رمزهای زندگی آفریدگان از جمله جانوران را پیش چشم می‌دارند).

﴿وَنُزِّلَ مِنَ الْفُرْقَانِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾

[الإسراء: ۸۲].

۸۲- (حق چگونه نیرومند و پیروز نمی‌گردد؟ وقتی که) ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه‌ی بهبودی (دل‌ها از بیماری‌های نادانی و گمراهی و پاکسازی درون‌ها از کثافات هوی و هوس و تنگ چشمی و آزمندی و تباهی) و رحمت مومنان (به سبب در برداشتن ایمان و رهنمودهای پرخیر و برکت یزدان) است ولی بر ستمگران (کافر به سبب ستیز با نور حق و داشتن روح طغیان جز زیان نمی‌افزاید).

﴿وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ﴾ [الشعراء: ۸۰].

۸۰- و هنگامی که بیمار شوم او است که مرا شفا می‌دهد.

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُم خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَءَلَّهُ مَعَ

اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾ [النمل: ۶۲].

۶۲- (آیا بت‌ها بهترند) یا کسیکه به فریاد در مانده می‌رسد و بلا و گرفتاری را برطرف می‌کند هرگاه او را به کمک طلبد و شما (انسان‌ها) را (برابر قانون حیات دائماً به طور متناوب) جانشین (یکدیگر در) زمین می‌سازد (و هر دم اقدامی را بر این کره‌ی خاکی مسلط و مستقر می‌گرداند. حال با توجه به این امور) آیا معبودی با خدا است؟ واقعاً شما بسیار کم اندرز می‌گیرید.

﴿مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [فاطر: ۲].

۲- خداوند (در قرائن) هر رحمتی را برای مردم بگشاید. کسی نمی‌تواند (آن را ببندد و) از آن جلوگیری نماید. و خداوند هر چیزی را که باز دارد و از آن جلوگیری کند، کسی جز او نمی‌تواند آن را رها و روان سازد و او توانا و کار بجا است (لذا نه در کاری در می‌ماند و نه کاری را بدون فلسفه انجام می‌دهد).

﴿وَلَا تَهْنُؤْا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۹].

۱۳۹- و (از جهاد در راه خدا به سبب آنچه بر سرتان می‌آید) سست و زبون نشوید و (برای کشتگان) غمگین و افسرده نگردید و شما (با تاییدات خداونید و قوه‌ی ایمان راستین و نیروی حقی که از آن دفاع می‌کنید) برتر (از دیگران) هستید (و پیروزی و بهروزی از آن شما است) اگر که براستی مومن باشید (و بر ایمان دوام داشته باشید).

﴿ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَآئِفَةً مِنْكُمْ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنْ الْأَمْرُ كُلُّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [آل عمران: ۱۵۴].

۱۵۴- سپس به دنبال این غم و اندوه، آرامشی بگونه‌ی خراب سبکی بر شما چیره کرد که گروهی از (مومنان راستین) شما را فراگرفت، و گروه دیگری تنها در بند خود بودند و درباره‌ی خدا پندارهای نادرستی چون پندارهای زمان جاهلیت داشتند (و بر سیل انکار) می‌گفتند آیا چیزی از کار (پیروزی و نصرتی که پیغمبر به ما وعده داده بود) نصیب ما می‌شود؟ بگو همه‌ی کارها (اعم از پیروزی و شکست) در دست خدا است. (آنان در حین گفتن این سخن) در دل خود چیزهایی را پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند (به خود) می‌گویند: اگر کار به دست ما بود (و یا اگر برابر وعده‌ی محمد، سهمی از پیروزی داشتیم) در اینجا کشته نمی‌شدیم. بگو اگر (برای جنگ بیرون

نمی‌آمدید و) در خانه‌های خود هم بودید، آنان که کشته شدن در سرنوشتشان بود به قتلگاه خود می‌آمدند و (در مسلخ مرگ کشته می‌شدند. آنچه خدا خواست بنا به مصلحتی که خود می‌دانست - در جنگ احد شد) تا خداوند آنچه را که در سینه‌ها دارید بیازماید و تا آنچه را که در دل‌ها دارید خالص و سره گرداند و خداوند بدانچه در سینه‌ها (از اسرار و رازها) است آگاه است.

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢٥﴾﴾
[الأَنْعَام: ١٢٥].

۱۲۵- آن کسی را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را (با پرتو نور ایمان باز و) گشاده برای (پذیرش) اسلام می‌سازد، و آن کسی را که خدا بخواهد گمراه و سرگشته کند، سینه‌اش را بگونه‌ای تنگ می‌سازد که گویی به سوی آسمان صعود می‌کند (و به سبب رقیق شدن هوا و کمبود اکسیژن، تنفس کردن هر لحظه مشکل و مشکل‌تر می‌شود. کافر لجوج با پیروی از تقالید پوسیده، هر دم بیش از پیش از هدایت آسمانی دورتر و کینه‌اش نسبت به حق و حقیقت بیشتر و پذیرش اسلام برای وی دشوارتر می‌شود). بدین منوال خداوند عذاب را بهره‌ی کسانی می‌سازد که ایمان نمی‌آورند.

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾﴾
[يونس: ٦٢-٦٣].

۶۲- هان! بی‌گمان دوستان خداوند (سبحان) ترسی بر آنان (از خواری در دنیا و عذاب در آخرت) نیست و (بر از دست رفتن دنیا) غمگین نمی‌گردند (چرا که در پیشگاه خدا چیزی برای آنان مهیا است که بسی والاتر و بهتر از کالای دنیا است).
۶۳- (دوستان خداوند) کسانی‌اند که ایمان آورده‌اند و تقوا پیشه کرده‌اند.

﴿ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾﴾ [يونس: ١٠٣].

۱۰۳- پس از آن (که بلا و عذاب گریبانگیر کافران گردید) پیغمبران خود و مومنان را می‌رهانیم (این هم اختصاص به اقوام گذشته و پیغمبران و مومنان پیشین ندارد بلکه) همین طور ایمان آورندگان (به تو) را (نیز) نجات خواهیم داد و این حقی است بر ما (حق مسلم و تخلف ناپذیر).

﴿قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: ۸۶].

۸۶- گفت شکایت و پریشان حالی و اندوه خود را تنها و تنها به (درگاه) خدا می‌برم (و فقط به آستان خدا می‌نالم و حل مشکل خود را از او می‌خواهم) و من از سوی خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَأَحْلِلْ عُقْدَةَ مِنِّ لِسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾﴾ [طه: ۲۵-۲۸].

۲۵- (موسی خاشعانه به دعا پرداخت و) گفت پروردگارا سینه ام را فراخ و گشاده دار (تا در پرتو شرح صدر، خشم و کین از دل برخیزد، و با آرامش تمام رسالت آسمانی را به جای آورید).

۲۶- و کار (رسالت) مرا بر من آسمان گردان (تا آن را بگونه آراسته و پیراسته، به گوش فرعون و فرعونیان برسانم).

۲۷- و گره از زبانم بگشاش (تا روشن و گویا آن را بیان دارم).

۲۸- تا اینکه سخنان مرا بفهمند (و دقیقاً متوجه مقصود من شوند).

﴿وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِن قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾﴾

[الأنبياء: ۷۶].

۷۶- (خوب است در اینجا یاد کن) نوح را، هنگامی که پیشتر (از اینان که اشاره‌ی گذرانی بدیشان شد ما را به فریاد خواند) (و گفت پروردگارا مرا دریاب که من شکست خورده ام و روی زمین را از وجود کافران پاک گردان) و ما هم دعای وی را پذیرفتیم و

او (و پیروان) و خاندانش را از (اندوه فراوان و) غم بزرگ (کافران مودی و طوفان وحشتناک) رهانیدیم.

﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَلَيْسَ لِي بِرَبِّهِ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿۸۳﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَعَاطَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذَكَرَى لِلْعَبِيدِ ﴿۸۴﴾﴾ [الأنبياء: ۸۳-۸۴].

۸۳- ایوب را (یاد کن) بدانگاه که (بیماری او را از پای در آورده بود و در این وقت) پروردگار خود را به فریاد خواند (و عاجزانه گفت پروردگارا! بیماری به من روی آورده است و تو مهربان‌ترین مهربانانی (پس بدین بنده‌ی ضعیف رحم فرما).

۸۴- دعای او را پذیرفتیم و بیماری وی را برطرف ساختیم و (بجای) اولاد (و اموالی که از دست داده بود) دو چندان بدو دادیم، محض مرحمتان (در حق ایوب) و تذکری (از صبر و شکیبایی) برای پرستندگان (یزدان سبحان، تا همچون ایوب شکیبا و امیدوار به لطف و فضل خدا باشند).

﴿وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغْضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۸۷﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَخَجَلْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿۸۸﴾﴾ [الأنبياء: ۸۷-۸۸].

۸۷- (یاد کن داستان یونس ملقب به) ذوالنون را در آن هنگام که بر قوم نافرمان خود خشم گرفت و ایشان را به عذاب خدا تهدید کرد (و بدون دریافت پیام آسمانی، از میانشان) خشمناک بیرون رفت و گمان برد که (با زندانی کردن و دیگر چیزها) بر او سخت و تنگ نمی‌گیریم. (سوار کشتی شد و کشتی به تلاطم افتاد و به قید قرعه مسافران و کشتیبانان او را به دریا انداختند و نهنگی او را بلعید) در میان تاریکی‌ها (ی سه گانه شب و دریا و شکم نهنگ فریاد بر آورد که (کریم و ریحما) پروردگاری جز تو نیست و تو پاک و منزهی (از هرگونه کم و کاستی و فراتر از هر آن چیزی که نسبت به تو بر

دلمان می‌گذرد تصور می‌کنیم. خداوندا بر اثر مبادرت به کوچ بدون اجازه‌ی حضرت باری (من از جمله‌ی ستمکاران شده‌ام (مرا دریاب).

۸۸- دعای او را پذیرفتیم و وی را از غم رها کردیم، و ما همین گونه مومنان را نجات می‌دهیم او در برابر دعای خالصانه، آنان را از گرفتاری‌ها می‌رهانیم.

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَيْرًا﴾ ﴿۵۸﴾

[الفرقان: ۵۸].

۵۸- و (در همه‌ی امور) بر خداوندی تکیه کن که همیشه زنده است و هرگز نمی‌میرد و حمد و ثنای او را به جای آور (و بدان تو عهده دار ایمان یا کفر مردمان نیستی و خدا همگان را می‌پایند) و همین کافی است که خداوند از گناهان بندگانش آگاه است (و هیچ‌گونه گناهی از دید او مخفی نمی‌ماند).

﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾ ﴿۳۴﴾ [فاطر: ۳۴].

۳۴- و خواهند گفت: سپاس خداوندی را سزا است که غم و اندوه ما را از ما زدود. بی‌گمان پروردگار ما آمرزنده‌ی (گناهان بندگان و) سپاسگذار (کارهای نیک ایشان) است.

﴿وَلَقَدْ مَنَّا عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ ﴿۱۱۴﴾ وَجَعَلْنَاهُمَا قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿۱۱۵﴾﴾

[الصافات: ۱۱۴-۱۱۵].

۱۱۴- ما به موسی و هارون و اقعا نعمت‌های گرانبهای بخشیدیم.

۱۱۵- آنان و قوم ایشان را از غم و اندوه بزرگ (اذیت و آزار فرعون و فرعونیان)

نجات دادیم.

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُو لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۲۲﴾ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضَلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ ﴿۲۳﴾﴾ [الزمر: ۲۲-۲۳].

۲۲- آیا کسی که خداوند سینه‌اش را برای پذیرش اسلام گشاده و فراخ ساخته است و دارای (بینشی روشن از) نور پروردگارش می‌باشد (و در پرتو آن، راه را از چاه تشخیص می‌دهد، همچون کسی است که هدایت الهی در سایه‌ی اسلام پرتوی به دل او نیفکنده است و درونش با ایمان تابان نشده است؟) وای بر کسانی که دل‌های سنگینی دارند و یاد خدا بدانها راه نمی‌یابد (و قرآن یزدان در آن‌ها اثر نمی‌گذارد). آنان واقعاً به گمراهی و سرگشتگی آشکاری دچارند.

۲۳- خداوند بهترین سخن را (به نام قرآن) فروفرستاده است. کتابی را که (از لحاظ کاربرد و گیرایی الفاظ، و والایی و هماوایی معانی، در اعجاز) همگون و (مطالبی چون مواعظ و براهین و قصص و مسایل مقابل و مختلفی همانند ایمان و کفر، حق و باطل، هدایت و ضلالت، خیر و شر، حسنات و سیئات، بهشت و دوزخ. البته هر بار به شکلی تازه و به شیوه‌ای نو، در آن) مکرر است.

از (شنیدن آیات) آن لرزه بر اندام کسانی می‌افتد که از پروردگار خود می‌ترسند و از آن پس پوست‌هایشان و دل‌هایشان (و همه‌ی وجودشان نرم و آماده‌ی پذیرش قرآن خدا می‌گردد (و آن را تصدیق و بدان عمل می‌کنند) این کتاب مشتمل بر رهنمود الهی است و خدا هر که را بخواهد در پرتو آن راهیاب می‌سازد و خدا هر که را گمراه سازد، اصلاً راهنما و راهبری نخواهد داشت.

﴿وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [الزمر: ۶۱].

۶۱- خداوند کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند رهایی می‌بخشد و به مقصودشان می‌رساند. هیچگونه بدی و بلایی بدیشان نمی‌رسد و غمگین و اندوهگین نمی‌گردند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [الأحقاف: ۱۳].

۱۳- کسانی که می‌گویند: پروردگار ما تنها یزدان است، پس (بر این توحید و یکتاپرستی) ماندگار می‌مانند، نه ترسی بر آنان است و نه غمگین می‌گردند.

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ۗ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكْفِلُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَآءَاتَهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ﴿٧﴾﴾ [الطلاق: ۷].

۷- آنان که دارا هستند از دارائی خود (برای زن شیردهنده به اندازه‌ی توان خود) خرج کنند و آنان که تنگدست هستند از چیزی که خدا بدیشان داده است خرج کنند، خداوند هیچ کس را جز بدان اندازه که بدو داده است مکلف نمی‌سازد. خدا بعد از سخن و ناخوشی، گشایش و خوشی پیش می‌آورد.

﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۖ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿١﴾ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٢﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٣﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٤﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٦﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب ﴿٨﴾﴾ [الشرح: ۱-۸].

۱- آیا ما سینه تو را نگشودیم (و دلت را از بند غم و حیرت رها نساختم، و تاب تحمل نابسامانی‌ها محیط جاهلیت و سختی‌ها مسولیت بزرگ نبوت را به تو عطا نکردیم؟)

۲- و بار سنگین (تلاش فراوان، برای هدایت مردمان) را از (دوش) تو برنداشتیم؟

۳- همان بار سنگینی که پشت تو را در هم شکسته بود؟

۴- و آواز تو را بلند نکردیم و بالا نبردیم؟

۵- چرا که همراه با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است.

۶- مسلماً با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است.

۷- هرگاه (از کار مهمی) بپرداختی، بدنبال آن (به کار مهم دیگری بپرداز و در آن بکوش و) رنج ببر (و فرجام کاری را آغاز کار دیگری کن).

۸- و یکسره به سوی پروردگارت روی آر (و تنها بدو دل و امید ببند، و جز به او خود را مشغول مساز).

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ ۖ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾﴾ [النصر: ۱-۳].

- ۱- هنگامی که یاری خدا و پیروزی (فتح مکه) فرا می‌رسد.
- ۲- و مردم را می‌بینی که دسته دسته و گروه گروه داخل دین خدا می‌شوند (و به اسلام ایمان می‌آورند)
- ۳- پروردگارت خود را سپاس و ستایش کن، و از او آمرزش (خود و یاران خویش را از شتابگری در فرا رسیدن فتح و وقوع پیروزی و اظهار دلتنگی و گلایه از زندگی) بخواه، خدا بسیار توبه پذیر است.

﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۖ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ﴾ ﴿٦١﴾ [الأنعام: ٦١].

۶۱- خداوند بر بندگان خود کاملاً چیره است. او مراقبانی (از فرشتگان را برای حسابرسی و نگارش اعمال شما) بر شما می‌فرستد و می‌گمارد (و آنان به کار خود با دقت تمام تا دم مرگ یکایک، شما مشغول می‌گردند) و چون مرگ یکی از شما فرا رسید فرستادگان ما (از میان فرشتگان دیگر به سراغ او می‌آیند و) جان او را می‌گیرند و (فرشتگان گروه اول و فرشتگان گروه دوم هیچکدام در مأموریت خود) کوتاهی نمی‌کند.

﴿قُلِ اللَّهُ يَنْجِيكُم مِّنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ﴾ ﴿٦٤﴾ [الأنعام: ٦٤].

۶۴- بگو: خدا شما را از آن (احوال و شدائد) و از هر غم و اندوهی می‌رهاند. سپس (با این وجود برای او) شما شریک و انباز می‌سازید! (شریک و انبازی که می‌دانید کاری از دست آن‌ها ساخته نیست).

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ ﴿١٢٨﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿١٢٩﴾ [التوبة: ١٢٨-١٢٩].

۱۲۸- بیگمان، پیغمبری (محمد نام) از خود شما (انسان‌ها) به سویتان آمده است. هرگونه درد و رنج بلا و مصیبتی که به شما برسد، بر او سخت و گران می‌آید، به شما

عشق می‌ورزد و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مومنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است.

۱۲۹- اگر آنان (از ایمان به تو) روی بگردانند (باکی نداشته باش و) بگو: خدا مرا کافی و بسنده است. جز او معبودی نیست به او دل بسته‌ام و کارهایم را بدو واگذار کرده‌ام، و او صاحب پادشاهی بزرگ (جهان و ملکوت آسمان) است.

﴿فَاللَّهُ خَيْرٌ حَفِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ﴾ [یوسف: ۶۴].

۶۴- خدا بهترین حافظ و نگهدار است و از همه مهربانان مهربان‌تر است.

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹].

۹- ما خود قرآن را فرستاده‌ایم و خود ما پاسدار آن می‌باشیم (و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هرگونه تغییر و تبدیل زمان محفوظ و مصون می‌داریم).

﴿قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ﴾ [العنکبوت: ۳۰].

۳۰- (لوط از آستانه خدا کمک طلبید و) گفت: پروردگارا! مرا بر قوم تباه پیشه پیروز گردان.

﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿۱۰﴾ كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿۱۱﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۱۲﴾﴾

[الإنفطار: ۱۰-۱۲].

۱۰- بدون شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده‌اند.

۱۱- نگاهبانانی که (در پیشگاه پروردگار مقرب و) محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می‌نویسند.

﴿إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ﴾ [الطارق: ۴].

۴- روزی است که مردمان همچون پروانگان پراکنده (در اینجا و آنجا حیران و سگردان) می‌گردند.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾﴾
[الکافرون: ۱-۶].

۱- بگو: ای کافران

۲- آنچه را که شما به جز (خدا) می پرستید، من نمی پرستم.

۳- و شما نیز نمی پرستید آنچه را که من می پرستم.

۴- همچینین نه من بگونه شما پرستش را انجام می دهم.

۵- و نه شما بگونه من پرستش را انجام می دهید.

۶- آئین خودتان برای خودتان و آئین خودم برای خودم.

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾ [الإخلاص: ۱-۴].

۱- بگو: خدا یگانه یکتا است.

۲- خدا، سرور والای برآورنده امیدها و برطرف کننده نیازمندی‌ها است.

۳- نه زاده است و زاده نشده است.

۴- و کسی همتا و همگون او نمی باشد.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾﴾ [الفلق: ۱-۵].

۱- بگو پناه می برم به خداوندگار سپیده دم.

۲- از شر هر آنچه خداوند آفریده است.

۳- و از شر شب بدانگاه که کاملاً فرا می رسد (و جهان را به زیر تاریکی خود می گیرد).

۴- و از شر کسانی که در گره‌ها می دمنند (و با نیرنگ سازی و حقه بازی خود اراده‌ها،

ایمان‌ها، عقیده‌ها، محبت‌ها و پیوندها را سست می نمایند و فساد و تباهی می کند).

۵- و از شر حسود بدانگاه که حسد می‌ورزد.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝۱ مَلِكِ النَّاسِ ۝۲ إِلَهِ النَّاسِ ۝۳ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝۴ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝۵ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝۶﴾ [الناس: ۱-۶].

۱- بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردمان.

۲- به مالک و حاکم (واقعی) مردمان.

۳- به معبود (به حق) مردمان.

۴- از شر وسوسه‌گری که واپس می‌رود (اگر برای چیره شدن بر او، از خدا کمک بخواهی و خویشتن را در پناهش داری).

۵- وسوسه‌گری است که در سینه‌های مردمان وسوسه می‌پردازد (و ایشان را به سوی زشتی و گناه و ترک خوبی‌ها و واجبات می‌خواند).

۶- (در سینه‌های مردمانی) از جنی‌ها و انسان‌ها.

مداوا کردن (مریض) با آب، سدر (درخت کنار)، روغن و عسل

شفابخش بودن آب، سدر، روغن و عسل

امروزه اینگونه متداول شده که برخی رقاہ (تعویذگران) در کنار آیات و ادعیه‌ای که بر مریض می‌خوانند بدانها پیشنهاد می‌کنند که از نوشیدنی‌ها یا خوردنی‌هایی که در احادیث نبوی به شفابخشی و خاصیت‌های درمانی آن‌ها اشاره شده نیز مستفید گردند.

در ذیل به ذکر مصادیقی چند از این موارد می‌پردازیم. آن‌ها عبارتند از:

۱- تداوی (و درمان) با آب پاکی که چندی از آیات قرآن بر آن تلاوت شده است، به ویژه آب زمزم که خود نیز به تنهایی شفابخش است و وقتی با آیات قرآن عجین گردد بر شفابخشی آن افزوده می‌شود.

۲- شیوه‌ای دیگر از آب درمانی توسط رقاہ بدین ترتیب است که ابتدا صحاح یا برگ‌هایی را که آیاتی از قرآن با مرکبی طاهر و قابل خوردن مثل زعفران بر آن

نوشته شده در مقداری آب مخلوط می‌کنند و آنگاه از مریض می‌خواهند که آن آب را بخورد یا با آن غسل نماید.^۱ (این شیوه مداوا کردن نزد رقاہ (عزیمه) نامیده می‌شود).

۳- مداوا کردن به وسیله روغن زیتون و روغن سیاه دانه، به این ترتیب که شخص راقی به مریض پیشنهاد می‌کند مقداری از روغن زیتون یا روغن سیاه دانه را بخورد یا اعضای از بدنش را بدان آغشته سازد.^۲ البته اگر بر این دو نوع روغن آیاتی از قرآن نیز خوانده شود مسلماً بر خاصیت درمانی آن‌ها خواهد افزود.

۴- از جمله چیزهایی که رقاہ بیماران خویش را به خوردن آن تشویق می‌کنند همانا عسل است. عسل از جمله خوردنی‌های شفابخش است که اگر آیاتی از قرآن نیز بر آن خوانده شود بر شفابخش آن خواهد افزود.

چگونگی مداوا کردن مریض به وسیله آب (پاک)

پیش از این در مورد آب درمانی به طور مختصر توضیح دادیم. در اینجا به طور مفصل به چگونگی مداوا کردن مریض به وسیله آب می‌پردازیم. برای این کار ابتدا مقداری آب که حسب مورد برای خوردن یا غسل کردن (مریض) کافی باشد را فراهم می‌کنیم و البته اگر مقدور باشد آب زمزم بهتر خواهد بود، زیرا این آب به خودی خود شفابخش است. آنگاه شخص راقی بر آب فراهم آمده آیاتی از قرآن را تلاوت کرده و بر آن می‌دُمَد. شیوهی دیگر از آب درمانی به این ترتیب است که آیاتی مشخص از قرآن که در مباحث آتی به ذکر آن خواهیم پرداخت را با مرکبی پاک (و قابل خوردن مثل زعفران) و بر روی برگه یا صفحه‌ای پاک می‌نویسند و سپس برگ یا صفحه‌ی مکتوب را در آب غوطه‌ور می‌کنند و آنقدر آن را جا به جا می‌کنند که آیات نوشته شده از روی برگ محو

۱- البته غسل کردن ممکن است به طور کامل انجام شود و یا تنها اعضای خاص از بدن شسته شود.

(مترجم)

۲- نک؛ فتاوی علماء البلد الحرام، الجریس، ص ۱۲۹۶-۱۲۹۸.

می‌شود و در آب مخلوط می‌گردد. بدیهی است اگر راقی بین این دو روش جمع نماید یعنی هم آیاتی از قرآن را خوانده و بر آب بدمد و هم آیات را بر اوراقی نوشته و در آب غوطه ور سازد هیچ اشکالی نخواهد داشت. سرانجام مریض حسب مورد از آب حاصله می‌نوشد و یا در مکانی پاک به غسل کردن با آن می‌پردازد. لازم به ذکر است آب مستعملی که از غسل کردن مریض حاصل می‌شود نباید در اماکنی پاک مثل کشتزار و غیره ریخته شود یا مورد استفاده (برای آبیاری) قرار گیرد. همچنین پس از اینکه آیات قرآن از برگ‌ها یا صفحات مکتوب که در آب غوطه ور کردیم محو گردیده و سپس خشک شد باید که سوزانیده شود.

این کار (درمان با آب به هر یک از دو شیوه با به صورت تلفیقی) حداقل باید تا هفت روز یا تا زمانی که مریض به طور کامل بهبود یابد بایستی ادامه پیدا کند. شیوه‌ای دیگر از (آب درمانی) به این ترتیب است که ابتدا هفت برگ از درخت سدر (کنار) را تکه تکه کرده و کاری می‌کنیم که تقریباً به صورت معجونی درآید. آنگاه این معجون یا ریزه‌های برگ را در آبی که (به دو شیوه‌ی قبلی) فراهم آورده‌ایم اضافه می‌کنیم. سپس به مریض پیشنهاد می‌کنیم حداقل به مدت هفت روز و یا تا زمانی که به طور کامل بهبود یابد هر از چندی کمی از آب مذکور را بنوشد و یا با آن غسل نماید.^۱

چگونگی مداوا کردن مریض با روغن زیتون و روغن سیاه دانه

شیوه مداوا کردن مریض با روغن زیتون یا روغن سیاه دانه به این ترتیب است که راقی به مریض پیشنهاد می‌کند مقداری از روغن مذکور را بخورد یا حسب مورد تمام یا اعضای مشخص از بدنش را بدان آغشته سازد. البته چنانچه قبل از اینکه روغن مذکور مورد استفاده مریض قرار گیرد آیاتی چند از قرآن نیز بر آن خوانده شود بر شفابخشی آن

۱- نک؛ فتاوی علماء البلد الحرام، الجریسی، ص ۱۳۸۳-۱۳۸۶.

خواهد افزود. بدیهی است (در زندگی متداول امروزی) روغن زیتون به مراتب کاربرد بیشتری نسبت به روغن سیاه دانه دارد.

چگونگی مداوا کردن مریض با غسل

برای درمان و مداوای بیمار به وسیله غسل راقی به او پیشنهاد می‌کند که صبحگاهان قبل از اینکه چیزی دیگر بخورد حسب نیاز خود مقداری از غسل میل نماید. البته چنانچه کسی رغبت به خوردن غسل به طور خالص را نداشته باشد می‌تواند آن را در مقداری آب به ویژه آب زمزم یا مقداری شیر مخلوط کند و آنگاه آن را میل نماید. بی‌تردید اگر آیاتی از قرآن نیز بر غسل یا مایع حاوی آن خوانده شود بر شفابخشی آن خواهد افزود.

آیات پیشنهادی برای نوشتن، یا دمیدن بر آب

در مباحث گذشته به چگونگی مداوا کردن با آب (و غیره) پرداختیم و اشاره کردیم که چنانچه آیاتی خاص از قرآن بر آب (یا غسل و غیره) خوانده شود و یا بر صفحاتی نوشته شده و سپس در آب غوطه ور گردد بر شفابخشی آن‌ها خواهد افزود. اکنون به ذکر این آیات که سعی شده بر اساس ترتیب سور قرآنی نوشته شود می‌پردازیم. آن‌ها عبارتند از:

- ۱- سوره حمد (فاتحه).
- ۲- آیات (۱-۵) سوره بقره.
- ۳- آیات (۱۰۳ و ۱۰۲) سوره بقره.
- ۴- آیه (۱۰۹) سوره بقره.
- ۵- آیه (۲۵۵) سوره بقره.
- ۶- آیه (۵۴) سوره نساء.
- ۷- آیات (۱۱۷-۱۲۲) سوره اعراف.
- ۸- آیات (۸۰-۸۲) سوره یونس.

۹- قسمت اخیر آیه‌ی (۶۴) سوره یوسف ﴿...فَاللَّهُ خَيْرٌ حَفِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ



۱۰- آیه (۶۷) سوره یوسف.

۱۱- آیه (۳۹) سوره کهف.

۱۲- آیات (۶۵ - ۷۰) سوره طه.

۱۳- آیات (۵۱ - ۵۲) سوره قلم.

۱۴- سوره کافرون.

۱۵- سوره اخلاص (توحید).

۱۶- سوره فلق.

۱۷- سوره ناس.

شخص راقی مختار است که تمامی این آیات را به طور کامل بنویسد یا تنها به چندی از آن‌ها اکتفا کند.

چگونگی مهیا کردن مرکب پاک (و قابل خوردن) برای نوشتن آیات

برای آماده کردن مرکب پاک (و قابل خوردن) ابتدا حدود ۸ میلی گرم از زعفران را با مقدار کمی آب (۵۰ ملم) در ظرفی مخلوط می‌کنیم و به دمت ۲۴ ساعت آن را رها می‌کنیم تا به خوبی زعفران در آب حل گردد. آنگاه مرکب به دست آمده را جرم‌گیری می‌کنیم تا ناخالصی‌ها و ذرات جامد از آن جدا شود. اکنون مرکب ما آماده است و می‌توانیم (بانی و غیره) از آن برای نوشتن کار گیریم. همچنین می‌توانیم مرکب حاصله را در خودنووسی عاری از هرگونه مرکب (که دارای مواد شیمیایی و غیرخوردنی است) بریزیم و به راحتی از آن استفاده نماییم. بهتر است آیات با همان رسم الخط قرآنی بر روی برگه‌ای پاک کتابت گردد. نگارنده پیرامون اینگونه کارها برای درمان بیماری (های روحی و روانی) که در میان علما و رقا به (عزیمه) معروف است از شیخ عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین سوال کردم. ایشان پاسخ دادند: (نقل شده که ابن عباس (رض)

پیرامون این مساله روایت کرده است که (همانا در ۳۷ موضع (آیه) از قرآن عبارت (لا اله الا الله) تکرار شده که چنانچه این موارد با مرکب حاصل از زعفران نوشته شود و سپس با آب زمزم یا آب باران شسته گردد (به نحوی که نوشته‌ها به طور کلی در آب حل گردد) هر آینه موجب درمان مریض خواهد شد و چنانچه (جن زده باشد یا) جادوگری وی را افسون کرده باشد نیز بهبود خواهد یافت و اثر سحر در او از بین خواهد رفت).^۱

ما نیز برای درمان مریض چنین کارهایی می‌کردیم، به این ترتیب که آیاتی از قرآن را با زعفران و با خطی جذاب می‌نوشتیم و سپس اوراق نوشته شده را آنقدر در آب غوطه ور می‌ساختیم که به طور کامل نوشته‌ها از آن محو می‌شد و در آب مخلوط می‌گردید. سپس از مریض می‌خواستیم آن آب را بخورد و آنگاه اوراق مکتوبی را که خوب در آب شسته بودیم جمع آوری کرده و در جایی می‌گذاریم تا خشک شود و در نهایت آن را بر گدازه ای از آتش قرار می‌دادیم تا از آن دود بلند شود. ناگفته نماند بزرگواران و مشایخی چون (شیخ عبدالعزیز بن مرشد) و (شیخ عبدالرحمن بن فریان) و (شیخ احمد بن منصور) نیز اینگونه تعویذ نویس را تایید کرده و انجام می‌دادند و هیچ یک از دانشمندان معاصر آن‌ها نیز بر آن‌ها اعتراض نکرده است. به این ترتیب اینجانب (عبدالله بن جبرین) نیز مانعی برای این کار نمی‌بینم و معتقدم این کار در درمان بیمار موثر خواهد بود. البته به نظر من بهتر است آیات با قلم‌های مرغوب و به صورت فشرده در دو طرف ورق نوشته شود تا آیات بیشتری را بتوان در یک برگه جای داد. (و خداوند بر همه کار آگاهتر است).^۲

ادعیه و اذکار یومیه

۱- از آنجا که قول ابن عباس در خلاص نص فتوای ابن جبرین خطاب به مولف نقل شده متأسفانه سند آن ذکر نشده است. (مترجم)

۲- نک؛ فتاوی علماء البلد الحرام، الجریس، ص ۱۳۲۳-۱۳۲۴.

(مجموعه‌ای از اذکار و دعاها که به وسیله آن‌ها انسان از گزند شیاطین، جادوگران و سایر بلاها در امان می‌ماند).

چگونه در طول شبانه روز از گزند شیطان در امان بمانیم

در حدیثی صحیح نقل شده که رسول گرامی اسلام ﷺ فرموده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنَ الْإِنْسَانِ مَجْرِي الدَّمِ»^۱ «همانا شیطان همچون خون در تمامی اعضای انسان (نفوذ و) جریان پیدا می‌کند». بنابراین شرع مقدس تدابیری اندیشیده تا شخص مسلمان از گزند مکاید شیطانی (و سایر بلاها) مصون بماند. از جمله تدابیر شرع مقدس آن است که به مسلمان توصیه نموده صبحگاهان و شامگاهان و در هنگام خواب و هنگام دخول و خروج از منزل و حتی هنگام داخل شدن در دستشویی اذکار و ادعیه‌ای را وارد خویش سازد و تمامی کارهایش را با نام و یاد خداوند آغاز کند. بی‌تردید وقتی مسلمان این اذکار را وارد خویش سازد خداوندگار نیز وی را از گزند شیطان در امان خواهد داشت ولی چنانچه غفلت ورزد و سهل انگاری کند هر آینه شیطان به راحتی وی را شکار خواهد کرد (و به او آسیب خواهد رساند). (پناه می‌بریم به خدا از شر شیطان)

به این ترتیب ضروری است انسان مسلمان برای صیانت از خویش آنچه از دستورات و وظایف را که خداوند بر عهده او گذارده تا سر حد توان به انجام برساند.

از جمله وظایف یک مسلمان عبارتند از:

- ۱- خدای را به یگانگی پرستش کند و موحدی مخلص باشد.
- ۲- تقوای الهی پیشه سازد و آنچه خداوند به او دستور فرموده را (بی‌چون و چرا) انجام دهد و از نواهی وی پرهیز نماید.

۱- بخاری (۲۰۳۵)، کتاب الاعتکاف و مسلم (۲۱۷۵)، کتاب السلام.

- ۳- متمسک به سنت رسول خدا ﷺ باشد و آن حضرت را مقتدای خویش دانسته از هرگونه بدعت و نوآوری در دین پرهیز کند. همچنین از پیروان و یاوران شیطان که همانا اهل هوی و هوس اند اجتناب کند و به مخالفت با آنان برخیزد.
- ۴- همواره با قلبی خاشع و خالصانه به ذکر خداوند مشغول باشد.^۱
- اذکار و ادعیه‌ای را که مقرر شده در اوقات و مکان‌های خاصی خوانده شود تا شخص مسلمان به وسیله‌ی آنها از گزند شیاطین در امان بماند به شرح ذیل است:

اذکار و ادعیه (مسنون در) صبحگاهان و شامگاهان:^۲

۱- (بقره ۲۵۵)

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ

۱- نک؛ التحصين من كيد الشياطين، الجريس. (در این کتاب به تفصیل به این موضوع پرداخته شده است).

۲- (عبارت (صبحگاهان و شامگاهان) معادل فارسی (طرفی النهار) می‌باشد.) در مورد اینکه به چه زمانی (طرفی النهار) گفته می‌شود و اذکار مربوط به آن چه زمانی بهتر است گفته شود میان علما اختلاف است. ولی به نظر می‌رسد قول راجح در این مورد آن است که بایستی اذکار صبحگاهان درست پس از نماز صبح تا هنگام طلوع آفتاب و اذکار شامگاهان پس از نماز عصر تا غروب آفتاب گفته شود. دلیل ما بر ترجیح این قول آیه‌ای است که می‌فرماید: ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَايِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ﴾ [طه: ۱۳۰]. البته چنانچه شخصی در این دو وقت (گرانها به دلایلی) نتوانست اذکار مسنون را بگوید مجازات در طول روز یا شب بدان بپردازد. البته دلیل بر این قول ما نیز حدیثی است که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «من نام عن حزبه أو عن شيء منه فقرأه فيما بين صلاة الفجر وصلاة الظهر كتب كأنما قرأه من الليل». (مسلم ۷۴۷) راوی این حدیث ابن عمر است.

بَشِيءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ [البقرة: ٢٥٥].

خدایی جز الله وجود ندارد و او زنده پایدار (و جهان هستی را) نگهدار است. او را نه چرتی و نه خوابی فرا نمی‌گیرد (و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد). از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است. کیست آنکه در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه‌ی او؟ می‌داند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است. چیزی از علم او را فراچنگ نمی‌آورند جز آن مقداری را که وی بخواهد. فرماندهی و فرمانروایی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است، و نگاهداری آن دو (برای او گران نیست و) وی را درمانده نمی‌سازد و او بلندمرتبه و سترگ است.

۲- (سوره توحید)

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾ [الإخلاص: ١-٤].

۱- بگو: خدا، یگانه یکتاست.

۲- خدا، سرور والای برآورنده‌ی امیدها و برطرف کننده‌ی نیازمندی‌هاست.

۳- نه زاده است و زاده نشده است.

۴- و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد.

(سوره فلق)

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ
الطَّائِفَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾﴾ [الفلق: ١-٥].

۱- بگو: پناه می‌برم به خداوندگار سپیده دم.

۲- از شر هر آنچه خداوند آفریده است.

۳- و از شر شب بدانگاه که کاملاً فرا می‌رسد (و جهان را به زیر تاریکی خود می‌گیرد).

۴- و از شر کسانی که در گره‌ها می‌دمند (و با نیرنگ سازی و حقه بازی خود، اراده‌ها، ایمان‌ها، عقیده‌ها، محبت‌ها و پیوندها را سست می‌نمایند و فساد و تباهی می‌کنند).

۵- و از شر حسود بدانگاه که حسد می‌ورزد.

(سوره ناس)

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝۱ مَلِكِ النَّاسِ ۝۲ إِلَهِ النَّاسِ ۝۳ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝۴ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝۵ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾ [الناس: ۱-۶].

۱- بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردمان.

۲- به مالک و حاکم (واقعی) مردمان.

۳- به معبود (به حق) مردمان.

۴- از شر وسوسه‌گری که واپس می‌رود.

۵- وسوسه‌گری است که در سینه‌های مردمان به وسوسه می‌پردازد (و ایشان را به سوی زشتی و گناه و ترک خوبی‌ها و واجبات می‌خواند).

۶- (در سینه‌های مردمانی) از جنی‌ها و انسان‌ها.

(هر یک از سه سوره فوق بایستی سه مرتبه خوانده شود).^۱

۳- «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير». (عشر

مرات) أو (مئة مرات).^۲

۱- نک؛ ابوداود (۵۰۸۲)، کتاب الادب و ترمذی (۳۵۷۵)، باب (۱۱۶)، کتاب الدعوات، راوی حدیث

عبدالله بن حبيب است. ترمذی این حدیث را (حسن صحیح غریب) دانسته است.

۲- بخاری (۶۴۰۳)، کتاب الدعوات و مسلم (۲۶۹۳)، کتاب الذکر و الدعاء.

هیچ خدایی جز الله وجود ندارد. او تنهاست و شریکی ندارد. پادشاهی (هر دو جهان) از آن اوست و بر همه چیز قادر و تواناست.

(این دعا ده مرتبه یا ۱۰۰ مرتبه بایستی تکرار گردد).

۴- «سبحان الله وبحمده، عدد خلقه ورضا نفسه، وزنه عشرة ومداد كلماته». (ثلاث

مرات).^۱

تسبیح (تنزیه) و ستایش می‌گویم خداوندگار را به تعداد مخلوقات او و آنقدر که رضایتش را جلب کند^۲ و (همچنین تسبیح و ثنا می‌گویم ذات مقدسش را) به میزان وزن عرش او و به تعداد کلمات او (که نامعدود است).

۵- «سبحان الله وبحمده». (مئه مره)^۳

تسبیح و ستایش می‌کنم خدای را (که منزه است و ستایش او را سزااست) این ذکر بایستی ۱۰ مرتبه تکرار شود.

۶- «اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد

مجيد. اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم في العالمين

إنك حميد مجيد».^۴

۱- مسلم (۲۷۲۶)، کتاب الذکر و الدعاء. راوی حدیث جویریہ رضی اللہ عنہا است.

۲- در مورد عبارت «رضا نفسه» باید گفت منظور گفتن ستایش و حمد الهی به صورت مداوم و لا ینقطع است هر آینه پیامبران و اولیاء از حمد گفتن معاف می‌گردیدند.

۳- بخاری (۶۴۰۵)، کتاب الدعوات و مسلم (۲۶۹۱)، کتاب الذکر و الدعاء. راوی حدیث ابوهریره رضی اللہ عنہ است.

۴- ابوداود (۳۱۰۶)، کتاب الجنائز و ترمذی (۲۰۸۳)، کتاب الطب. ترمذی این حدیث را (حسن غریب) دانسته است. البته مسلم در ادامه حدیث فوق متذکر شده با توجه به حدیث «من صلی علی صلاة صلی الله علیه بها عشرًا» می‌توان پی برد که هرچه بیشتر به رسول خدا درود فرستاده شود بهتر است. (نک؛ مسلم (۳۸۴)).

بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست آنگونه که بر ابراهیم و آل او درود فرستادی. همانا تو (خداوندگار) ستوده و عالی مرتبه هستی، بار خدایا! محمد و آل محمد را بزرگی و کرامت عنایت کن آنگونه در میان جهانیان ابراهیم و آل ابراهیم را (برکت و بزرگی) عنایت فرمودی. همانا تو (پروردگار) ستوده و عالی مقام هستی.

۷- «اللهم أنت ربی لا إله إلا أنت خلقتنی وأنا عبدك وأنا على عهدك ووعدك ما استطعت، أعوذ بك من شر ما صنعت، أبوء لك بنعمتك على وأبوء لك بذنبي، فأغفر لي فإنه لا يغفر الذنوب إلا أنت».^۱

بار خدایا! تو پروردگارم هستی و جز تو معبودی (لایق پرستش) وجود ندارد. تو مرا آفریده‌ای و من بنده‌ی تو هستم. (الهی!) عهدی را که (در روز؟؟؟) با تو بسته‌ام (و پیمانی را که با ایمان آوردن به تو بدان ملزم شده‌ام) وفادارم. از شر کردار (و پرداخته‌های) خویش به تو پناه می‌برم. خود اقرار دارم که تو (به کثرت) مرا نعمت ارزانی داشته‌ای و به گناهان خویش نیز معترفم. (خداوندگار!) گناهانم بیامرز که جز تو آمرزنده‌ای نیست.

۸- «استغفر الله وأتوب إليه». (سبعین أو مئة مرة).^۲

از خداوند طلب مغفرت می‌کنم و به (درگاه) او توبه (رجوع) می‌کنم.

این دعا هفتاد یا ۱۰۰ مرتبه بایستی خوانده شود.

۹- «اللهم بك أصبحنا وبك أمسنا وبك نحيا وبك نموت وإليك النشور. (وإذا أمسي

فليقل) اللهم بك أمسينا وبك أصبحنا وبك نحيا وبك نموت وإليك المصير».^۳

۱- بخاری (۶۳۰۶)، کتاب الدعوات، باب افضل الاستغفار. راوی حدیث شداد بن اوس رضی الله عنه است.

۲- بخاری (۶۳۰۷)، کتاب الدعوات و مسلم (۲۷۰۲)، کتاب الذکر و الدعاء و التوبة و الاستغفار. راوی این حدیث در بخاری ابوهریره رضی الله عنه و در مسلم الاغر المزنی می‌باشد. لازم به ذکر است امام بخاری حدیث مذکور را مضعف با عبارت «أكثر من سبعين مرة» (بیش از هفتاد بار و امام مسلم آن را با عبارت (مئة مرة) (صد مرتبه) نقل کرده‌اند).

۳- نک؛ ابوداود (۵۰۶۸)، کتاب الادب، باب ما يقول اذا أصبح. راوی حدیث ابوهریره رضی الله عنه می‌باشد.

بار خدایا! در سایه‌ی لطف و عنایت تو صبح می‌کنیم و (سپس) روزمان را به پایان می‌رسانیم، (الهی!) مرگ و حیات ما به دست توست و همگان (در روز حشر برای حسابرسی) به محضر تو خواهیم شتافت.

شامگاهان همان دعای فوق را می‌خوانیم اما به جای «وإليك النشور» عبارت «وإليك المصير» (سرنوشت همه به تو منتهی می‌شود) را اضافه می‌کنیم و در ابتدای دعا نیز به جای «أصبحنا» واژه «أمسینا» را به کار می‌بریم.^۱

۱۰- «اللهم فاطر السموات والأرض، عالم الغيب والشهادة لا إله إلا أنت رب كل شيء ومليكه، أعوذ بك من شر نفسي ومن شر الشيطان وشركه وان أقترف على نفسي سوءاً أو أجره إلى مسلم».^۲

بار خدایا! ای پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین! (همانا) تو بر پنهان و آشکار (ظاهر و باطن هر چیز) آگاه هستی و جز تو که پروردگار و مالک هر چیز هستی معبودی (لایق پرستش) وجود ندارد. (خداوند!) از شر نفس (سرکش) خویش و از شر شیطان و

۱- از آنجا که بیدار شدن از خواب حشر و نشر انسان‌ها را (در روز قیامت) یادآوری می‌کند ابن قیم رحمته معتقد است هنگام صبح (بیدار شدن از خواب) باید عبارت «وإليك النشور» را در آخر دعا بخوانیم و همچنین به علت آنکه خوابیدن مرگ را برای انسان یادآوری می‌کند این بزرگوار معتقد است بایستی در شامگاه (و زمانی که شب به تاریکی رفت و) انسان قصد خواب نمود عبارت «وإليك المصير» را به کار برد. (نک؛ مختصر سنن ابی داود مع حاشیه ابن قیم، ص ۳۳۰) البته برخی دیگر از علما چون ترمذی عکس این قیم عمل کرده و گفته بایستی عبارت «وإليك المصير» هنگام صبح و عبارت «وإليك النشور» هنگام شامگاه به آخر دعا افزوده گردد. (نک؛ ترمذی ۳۳۹۱) کتاب الدعوات. به نظر می‌رسد آلبانی رحمته نیز با ابن قیم در این قضیه موافق بوده است. (نک؛ التعلیق علی صحیح ابی داود، آلبانی، ص ۹۵۶).

۲- ترمذی (۳۵۲۹)، کتاب الدعوات، ترمذی این حدیث را (با این سلسله و محتوا) (حسن غریب) دانسته است.

(تلاش‌هایی که برای سوق دادن مردم به سوی) شرک (انجام می‌دهد) و همچنین از اینکه برخواستن یا (برادر) مسلمانی بدی (یا ظلمی) روا دارم به تو پناه می‌برم.

۱۱- «اللهم إني سالك العافية في الدنيا والآخرة، اللهم إني أسالك العفو والعافية في ديني

ودنياي وأهلي ومالي. اللهم أشر عوراتي وآمن روعاتي. اللهم أحفظني من بين يدي ومن خلقي، وعن يميني وعن شمالي ومن فوقي وأعوذ بعظمتك أن أغتال من تحتي».^۱

بار خدایا! در دنیا و آخرت عافیت را نصیبتم کن، خداوندگارا! از تو عفو و عافیت را در مورد (امور) دین و دنیا و اهل و مالم مسالت می‌داریم، خدایا! عیوبم بپوشان و آرامش نصیبم کن. خداوندا! من را (به طور کامل) از جلو و عقب و راست و چپ و از بالا و پایین (از گزند حوادث) حفاظت کن و از اینکه به بلایی ناگهانی مبتلا شوم (خسف شوم) به عظمت تو پناه می‌برم.

۱۲- «أصبحنا وأصبح (أمسنا وأمسي). «الملك لله والحمد لله إلا إله إلا الله وحده لا

شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير».

«پادشاهی از آن خداست و حمد و ثنا او را سزاست. اوست یگانه یکتا که معبودی جز او (لایق پرستش) نیست. پادشاهی از آن اوست و حمد و ستایش او را سزاست که بر هر چیز قادر و تواناست».

(چنانچه صبحگاهان این دعا را بخواند قبل از آن عبارت «أصبحنا وأصبح» را اضافه

کند و اگر شامگاهان به این دعا می‌پردازد عبارت «أمسنا وأمسي» به آن بیفزاید).

شامگاه می‌تواند این عبارت را نیز بدان بیفزاید «رب أسالك خير ما في هذه الليلة وخير

ما بعدها وأعوذ بك من شر ما في هذه الليلة وشر ما بعدها».^۲

۱- ابوداود (۵۰۷۴)، کتاب الادب، راوی این حدیث عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌باشد.

۲- مسلم (۲۷۲۳)، کتاب الذکر و الدعاء. راوی حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌باشد.

«پروردگارا از تو می‌خواهم که خیر این شب (را اعم از عبادات نافعی که در آن انجام می‌پذیرد و سایر خیرهایی که طی آن به انسان‌ها ارزانی می‌شود) و خیر سایر شب‌های آتی را به من عنایت کنی. (الهی!) به تو پناه می‌برم از شر (آنچه از ضررها و موجودات مضره که در) این شب (وجود دارد) و از شر (آنچه در) شب‌های آینده (ممکن است عایدم گردد».

۱۳- «أصبحنا (أمسنا) على فطره الإسلام، وعلى كلمة الإخلاص وعلى دين نبينا محمد وعلى ملة أبينا إبراهيم حنيفا مسلما وما كان من المشركين».^۱

«سپاس خداوند را که توفیق داد) در حالی صبح کردیم که بر فطرت اسلام باقی و گوینده کلمه اخلاص بودیم و همچنان بر دین پیامبرمان محمد (مصطفی) ﷺ و ملت پدرمان ابراهیم که یکتاپرستی اختیار کرد و از جمله مشرکین نشد پایدار بودیم».

۱۴- «أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق».^۲

«پناه می‌برم به کلمات تامه الهی از شر آنچه (در عالم هستی) خلق نمود».

۱۵- «بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الأرض ولا في السماء وهو السميع العليم».^۳
(ثلاث مرات).

«به نام خداوندگاری که هیچ موجودی را در زمین و آسمان یارای ضرر رسانیدن به گوینده نام او (که نام مبارکش ورد خویش ساخته و کارهایش را با نام او آغاز می‌کند) نیست و او شنوای داناست». (این دعا سه مرتبه خوانده شود».

۱۶- «رضيت بالله رباً وبالإسلام ديناً وبمحمد نبياً». (ثلاث مرات).^۴

۱- مسند احمد (۴/۶۰۳) حدیث ش (۱۵۳۶۰) و ابن السنی (عمل اليوم و الليلة) ش (۳۴).

۲- نک؛ مسلم (۲۷۰۸)، کتاب الذکر. راوی حدیث خوله بنت حکیم السلمیه می‌باشد.

۳- ابوداود (۵۰۸۸)، کتاب الادب. راوی حدیث عثمان بن عفان ﷺ می‌باشد.

۴- مسند احمد (۳۷۷/۳) حدیث ش (۱۸۹۶۷) و ابوداود (۵۰۷۲)، کتاب الادب، در روایت احمد آمده

است که این دعا بایستی سه مرتبه خوانده شود.

«از اینکه الله ﷻ پروردگارم و اسلام (مبین) دینم و محمد (مصطفی) ﷺ پیامبرم هست (بسیار) خرسندم».

(این دعا بایستی سه مرتبه تکرار گردد).

اذکار و ادعیه مسنون به هنگام خوابیدن

برای اینکه انسان مسلمان به هنگام خواب از گزند بلاها و آفات در امان باشد شرع مقدس به وی توصیه نموده که آیات و دعاهای ذیل را قبل از خواب زمزمه کند. اما چگونگی آن به شرح ذیل است. ابتدا شخص وضو گرفته چند رکعت نماز نفل می خواند و آنگاه خود را بر سمت راست خویش تکیه داده آیات و اذکار ذیل را می خواند:

۱- (البقرة، آیه ۲۵۵) (آیه الكرسي).^{۲۱}

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

۲- آیات پایانی سوره مبارکه بقره (آیه ۲۸۴-۲۸۶).^۳

﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُوا يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [آمن الرسول بما أنزل]

۲- نک؛ بخاری (۳۲۷۵)، کتاب بدء الخلق. راوی حدیث ابوهریره رضی الله عنه می باشد.

۳- ترجمه آیه الكرسي در فصل های اول و دوم (تعویذهای کوتاه و متوسط) همین کتاب به طور کامل ذکر گردیده است. (مترجم)

۴- بخاری (۴۰۰۸)، کتاب المغازی و مسلم (۸۰۷)، کتاب صلاة المسافرين و قصرها. راوی حدیث در بخاری و مسلم ابومسعود بدری می باشد.

۵- ترجمه این آیات در فصل اول و دوم مکرر ذکر شده است. (مترجم)

إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا أُكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

[البقرة: ۲۸۴-۲۸۶].

۳- (سوره کافرون).^{۲۱}

۴- ﴿قُلْ يَتَّيِّبُهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾﴾ [الكافرون: ۱-۶].

۵- در وهله‌ی چهارم و وقتی آیات مذکور را تلاوت کرد کف دست‌ها را کنار هم قرار داده در آن‌ها می‌دمد و آنگاه در حالی که همچنان دست‌ها را جمع کرده و روبه روی خود قرار داده است سوره‌های ذیل را تلاوت می‌کند. این سوره‌ها عبارتند از:

الف: (سوره اخلاص) (توحید).

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾ [الإخلاص: ۱-۴].

ب: (سوره فلق).

۱- ابوداود (۵۰۵۵)، کتاب الادب و ترمذی (۳۴۰۳)، کتاب الدعوات. راوی حدیث در سنن ابوداود نوفل

اشجعی رضی الله عنه می‌باشد.

۲- ترجمه‌ی سوره کافرون را در فصل‌های گذشته مکرر آورده‌ایم. (مترجم)

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝۱ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝۲ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝۳ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝۴ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝۵﴾ [الفلق: ۱-۵].

ج: (سوره ناس).^۱

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝۱ مَلِكِ النَّاسِ ۝۲ إِلَهِ النَّاسِ ۝۳ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝۴ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝۵ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝۶﴾ [الناس: ۱-۶].

پس از خواندن این سه سوره با دست‌ها تمامی بدنش را از سر تا پا مسح (لمس) می‌کند. (و این کار بایستی سه مرتبه تکرار گردد).^۲

۶- وقتی تلاوت آیات مذکور را به پایان رسانید سی و سه مرتبه (سبحان الله)، سی و سه مرتبه «الحمد لله» و سی چهار مرتبه «الله أكبر» بگوید.^۳

۷- این دعا را بخواند: «اللهم یا اسمک أحیا ویا اسمک أموت».^۴

«بار خدایا! با نام و یاد تو بیدار می‌شوم و می‌خوابم».^۵

البته اگر خواست می‌تواند عبارات زیر را نیز بدان بیفزاید! «یا اسمک رب وضعت جنبی

وبك أرفعه، إن أمسکت نفس فأرحمها وإن أرسلتها فإحفظها بما تحفظ به عبادك الصالحين».^۶

۱- ترجمه هر سه سوره را مکرر در فصل یک و دو آورده‌ایم. (مترجم).

۲- بخاری (۶۳۱۹)، کتاب الدعوات. راوی حدیث عایشه صدیقه رضی الله عنها می‌باشد.

۳- بخاری (۳۷۰۵)، کتاب فضائل اصحاب النبی و مسلم (۲۷۲۷)، کتاب الذکر.

۴- همان (۶۳۱۲)، کتاب الدعوات و مسلم (۲۷۱۰). راوی این حدیث در بخاری حدیفه بن یمان و در مسلم براء بن عازب رضی الله عنه می‌باشند.

۵- برخی از شارحان حدیث مراد از (موت و حیاة) را مرگ و زندگی گرفته‌اند و گفته‌اند خواب خود نوعی مردن است. (مترجم)

۶- بخاری (۶۳۲۰)، کتاب الدعوات و مسلم (۲۷۱۴)، کتاب الذکر و الدعاء. راوی این حدیث در بخاری و مسلم ابوهریره رضی الله عنه می‌باشد.

«پروردگارا! با یاد تو سر بر بالین می‌نهم و با نام و یاد تو سر از بالین بر می‌دارم. (خداوند!) چنانچه جانم (در خواب) بگرفتی (و زندگی را بر من پایان بخشیدی) پس بر من رحم کن (و از عذاب خویش نجاتم بخش) اما اگر به من فرصت حیات و زندگی دادی پس آنگونه که بندگان صالح خویش را (از لغزش و گناه و سایر بلاها) محفوظ می‌داری من را نیز حفاظت کن».

۸- در پایان این دعا را بخواند: «اللهم أسلمت نفسي إليك وفوضت أمري إليك ووجهت وجهي إليك والجات ظهري إليك ورغبة ورهبة إليك لا ملجأ ولا منجأ منك إلا إليك، أمنت بكتابك الذي أنزلت وبنبيك الذي أرسلت».^۱

«بار خدایا! خویشتن به تو تسلیم کردم و کار خویش را به تو واگذار نمودم. به تو روی آوردم و تو را پشتوانه خویش قرار دادم چرا که هم به (دریای بیکران رحمت) تو امیدوارم و هم از (خشم و عذاب) تو بیم دارم. (از ترس عذاب و عقاب تو) جز تو پناهگاهی ندارم (و) به کتابی که نازل کردی (قرآن) و پیامبری که مبعوث نمودی (محمد مصطفی ﷺ) ایمان دارم».

اذکار و ادعیه مسنون هنگام دخول و خروج از منزل

هنگام داخل شدن در منزل این دعا را بخواند:

«اللهم إني أسألك خير المولج وخير المخرج، بسم الله ولجنا وبسم الله خرجنا وعلى الله ربنا توكلنا ثم ليسلم على أهله».^۲

۱- بخاری (۲۴۷)، کتاب الوضو و مسلم (۲۷۱۰)، کتاب الذکر و الدعاء. راوی این حدیث در بخاری و مسلم براء بن عازب رضی الله عنه می‌باشد.

۲- ابوداود (۵۰۹۶)، کتاب الادب. این حدیث به طور مرسل از ابومالک اشعری (سعد بن طارق بن اشیم (که صحابی است) روایت شده است. ابوداود این حدیث را ضعیف ندانسته و امام نووی نیز این حدیث را در کتاب (الاذکار) خویش ذکر کرده است.

«بار خدایا! بهترین مکان‌ها^۱ را برای ورود و خروج از تو مسالت می‌دارم. با نام و یاد خداوند داخل شدیم و خارج شدیم و بر او که پروردگار ماست توکل کردیم. (پس از خواندن این دعا صاحبخانه) بر اهل خویش (وارد شده به آن‌ها) سلوم می‌کند».

هنگام خارج شدن از منزل ادعیه ذیل را بخواند:

۱- «بسم الله توكلت على الله، لا حول ولا قوة إلا بالله».^۲

«با نام و یاد خداوند بر او توکل می‌کنم که هر تغییر و تحول و هر نیرو و حرکتی تنها از او نشأت می‌گیرد». (هرگاه شخص هنگام خروج از خانه این دعا را بخواند، خطاب به وی گفته می‌شود هدایت شدی و کفایت کارهایت شد و از گزند بالایا محفوظ گردیدی و شیطان نیز از آزار رساندن به او صرف نظر می‌کند).

۲- «اللهم إني أعوذ بك أن أضل أو أضل أو أزل أو أزل أو أظلم أو أظلم، أو أجهل أو يجهل علي».^۳

«خداوندگارا! از اینکه گمراه شوم یا دیگری موجب گمراهی من شود و از اینکه لغزشی انجام دهم یا دیگری لغزشی را در مورد من انجام دهد و (همچنین) از اینکه ظلم کنم یا مورد ظلم واقع شوم یا کاری را از روی نادانی انجام دهم یا دیگری کاری را از روی جهالت نسبت به من انجام دهد به تو پناه می‌برم».

دعای مسنون قبل از وارد شدن به دستشویی

قبل از داخل شدن در دستشویی این دعا را بخواند:

«اللهم إني أعوذ بك من الخبث والخبائث».^۱

۱- برخی (مولج و مخرج) را نفس ورود و خروج ترجمه کرده‌اند. (مترجم)

۲- بوداود (۵۰۹۵)، کتاب الادب. راوی حدیث انس بن مالک رضی الله عنه است.

۳- همان (۵۰۹۴). راوی این حدیث ام سلمه رضی الله عنها می‌باشد.

«بار خدایا! پناه می‌برم به تو از (شر) شیاطین (و جنیات) مذکر و مونث».

فوائد (بسم الله) گفتن در اول هر کار

از جمله مواردی که موجب می‌شود همواره انسان مسلمان از گزند آفات و بلاها در امان باشد این است که تمام کارهایش را با نام خدا آغاز کند و قبل از هر کار «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوید. هنگام غذا خوردن و آب نوشیدن و همچنین هنگام همبستری این کار ضرورت بیشتری پیدا می‌کند.

جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «إذا دخل الرجل بيته فذكر الله عز وجل عند دخوله وعند طعامه قال الشيطان: لا مبيت لكم ولا عشاء وإذا دخل فلم يذكر الله عند دخوله، قال الشيطان: أدرکتكم المبيت وإذا لم يذكر الله عند طعامه، قال: أدرکتكم المبيت والعشاء».^۲

«هرگاه کسی در منزل خویش وارد شود و در بدو دخول به منزل و هنگام شروع غذا خوردن خداوند را یاد کند (و بسم الله گوید) در این صورت شیطان (به دار و دسته خویش) می‌گوید: (با بسم الله گفتن این فرد) نه خانه‌ای برای (من و) شما باقی ماند و نه غذایی! اما چنانچه (فرد مذکور) در خانه (ی خویش) وارد شود و بسم الله نگوید، شیطان (خطاب به دار و دسته خویش) می‌گوید: (راحت باشید که) خانه (و محل سکونتی) برای شما پیدا شد. هنگام (شروع کردن به) غذا خوردن نیز اگر (فرد مذکور) بسم الله نگوید، شیطان (به اطرافیان خود) می‌گوید: (اکنون) خانه و غذایتان مهیا گردید.

پیرامون همین موضوع ابن عباس رضی الله عنه نیز روایتی را نقل می‌کند که به شرح ذیل است. او می‌گوید: او رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «لو أن أحدهم إذا أراد أن يأتي أهله قال: بسم

۱- بخاری (۱۴۲)، کتاب الوضوء و مسلم (۳۷۵)، کتاب الحيض. راوی این حدیث انس بن مالک رضی الله عنه می‌باشد.

۲- مسلم (۲۰۱۸)، کتاب الاشربه. راوی حدیث جابر بن عبدالله رضی الله عنه است.

الله، اللهم جنبنا الشيطان وجنب الشيطان ما رزقنا؛ فإنه أن يقدر بينهما ولد في ذلك لم يضره شيطان أبداً»^۱.

«هرگاه کسی اراده همبستری با همرش نمود و (این دعا را) خواند: به نام خدا؛ بار خدایا ما را از گزند شیطان مصون بدار و از آنچه ما را بر خوردار کرده‌ای (همبستری) او محروم کن. در این صورت اگر خداوند مقدر کند که حاصل این همبستری فرزندی باشد آن فرزند همواره از زیان‌های شیطان مصون خواهد ماند».

آشنایی با آسیب‌های ناشی از: جادو، مس و چشم زخم

آسیب شناسی جادو، مس و چشم زخم:

آسیب‌های ناشی از سحر، مس و چشم زخم تا حدودی به هم شبیه است و به همین خاطر هم تفکیک عامل اصلی هر یک از این، آسیب‌ها دشوار و شاید ناممکن است. باید توجه داشت که حتماً لازم نیست تمام آسیب‌ها و آفات (موارد فوق) در یک مریض مشاهده گردد بلکه گاه آثاری اندک نیز در او حاکی از سحرزدگی، چشم زخم یا مس شیطانی خواهد بود. لازم به ذکر است برخی از این آسیب‌ها و آفات صرفاً نوعی بیماری جسمی یا روانی هستند که هیچ رابطه‌ای با سحر، مس یا چشم زخم ندارند و این نکته بایستی حتماً مورد ملاحظه قرار گیرد.

در ادامه به ذکر پاره ای از آسیب‌ها و آفات ناشی از جادو، مس و چشم زخم می‌پردازیم. البته متذکر می‌شویم که برخی از این آسیب‌ها و حالات قبل از تعویذ (خواندن بر مریض) وجود دارد اما برخی دیگر تنها هنگامی ظهور می‌یابد که راقی بر مریض تعویذ می‌خواند (یا اجرا می‌کند).

اکنون به تفصیل به این موارد می‌پردازیم.

۱- بخاری (۵۱۶۵)، کتاب النکاح و مسلم (۱۴۳۴)، کتاب النکاح، راوی ابن حدیث عبدالله بن

۱- حالات و آسیب‌هایی که قبل از تعویذ در بیمار ظهور می‌یابد:

یک سری حالات و آسیب‌ها قبل از اینکه در مورد شخص جن زده و... تعویذی خوانده شود در وی ظهور می‌یابد. آن‌ها عبارتند از:

۱- اینکه شخص به طور ناگهانی از چیزی که شدیداً بدان عشق می‌ورزیده نفرت پیدا می‌کند و یا به چیزی که شدیداً از آن نفرت داشته علاقه پیدا می‌کند.

۲- به بیماری‌های گوناگون بسیاری مبتلا می‌شود و علم طب (نیز با همه پیشرفت خود) هیچ دلیل یا عاملی را برای اینگونه بیماری‌ها تشخیص نمی‌دهد.

۳- (در طول شبانه روز) به خصوص بعد از نماز عصر و مغرب افسردگی شدیدی را احساس می‌کند (و به تعبیری دلش می‌گیرد).

۴- از کار کردن و ظاهر شدن در محیط‌های اجتماعی (و کاری) مثل مدرسه، دانشگاه و غیره نفرت پیدا کرده عزلت و گوشه نشینی را اختیار می‌کند.

۵- خیالی می‌شود و گاه تصور می‌کند کارهایی را انجام داده که واقعاً آن را انجام نداده است.

۶- رنگ پریده می‌شود یا رنگ صورتش به زردی می‌گراید و همچنین گاه لکه‌ها و داغ و نشانه‌هایی گندمگون یا مایل به رنگ آبی در صورتش هویدا می‌گردد و هیچ عاملی (پوستی یا داخلی) نیز توسط پزشکان برای این بیماری تشخیص داده نمی‌شود.

۷- هر از چندگاهی دچار سردرد می‌شود و یا به طور ناگهانی تب می‌کند.

۸- جنجال‌ها و مشاجراتی که بین زن و مرد یا دیگر اعضای خانواده به خاطر مسائل بسیار اندک و پیش پا افتاده صورت می‌گیرد می‌تواند یکی از حالا و آفت‌های سحر، مس یا چشم زخم باشد.

۹- فرد در حالیکه بیدار است، گویی در عالم رویا به سر می‌برد و دچار وهم و گمان می‌شود.

- ۱۰- مدام کسل است و احساس می‌کند کار و تلاش زیادی را انجام داده (در حالی که هیچ کاری نکرده است). همچنین اشت‌های او برای غذا خوردن کم می‌شود.
- ۱۱- وقتی که راه می‌رود احساس می‌کند (روی هوا راه می‌رود و) وزنی ندارد.
- ۱۲- همواره احساس می‌کند صدایی در یک یا هر دو گوش او طنین انداز می‌شود.
- ۱۳- بیمار اگر زن باشد در حالت‌های مختلف و به خصوص هنگامی که دوره پرئود را سپری می‌کند در ناحیه‌ی رحم خویش احساس درد می‌کند یا مکرر استحضه می‌شود.
- ۱۴- به خاطر اندک چیزی شدیداً عصبانی می‌شود.
- ۱۵- همواره دوست دارد بخوابد و از خواب‌های سنگینی که بیدار شدن از آن‌ها بسیار مشکل است رنج می‌برد.
- ۱۶- احساس می‌کند کسی او را صدا می‌زند ولی هرچه به اطراف می‌نگرد کسی را نمی‌بیند.
- ۱۷- درد شدید و مداومی در ناحیه پایین یا وسط پشت و یا بین دو کتف او حادث می‌شود.
- ۱۸- دچار نوعی حساسیت پوستی شده خارش شدیدی را در بدنش احساس می‌کند و احياناً بدنش ورم می‌کند یا دانه‌هایی در بدن او ظهور می‌یابد.
- ۱۹- مکرر دچار اسهال یا نفخ شدید شکم می‌شود و گاهی نیز ترش کرده یا درون خویش احساس سوزش می‌کند. یبوست مزمن از دیگر نشانه‌ها (ی این بیماری) می‌باشد.
- ۲۰- دچار ضعف بینایی می‌شود و احساس می‌کند پرده‌ای جلوی چشمان او را گرفته است.
- ۲۱- همواره احساس رنج و اندوه می‌کند و پریشان و آشفته می‌شود. همچنین وحشت زده و مضطرب است و انگار شدیداً از چیزی می‌ترسد.

۲۲- شدیداً وسواسی می‌شود به نحوی که مدام انجام کاری را تکرار می‌کند و بر آنچه قبلاً برای وی مسلم و بدیهی بود، شک و تردید می‌کند. این حالات بیانگر نوعی بیماری است که در زبان عربی بدان، الوسواس القهری می‌گویند و در نهایت نیز به مرگ منتهی می‌شود.

۲۳- مدام دچار آشفتگی ذهنی می‌شود و بسیار فراموشکار می‌گردد.

۲۴- از ذکر و یاد خداوند روی گردان شده از عبادت الهی بدش می‌آید.

۲۵- بویی ناخوشایند و غیرطبیعی از بیمار تراوش می‌کند که بسیار گزنده است اما جز مریض کسی آن بو را احساس نمی‌کند. به علاوه مریض به مقداری زیاد عرق می‌کند و یا مدام نیاز پیدا می‌کند که به دستشویی برود.

۲۶- قدرت همبستر شدن با همسرش را از دست می‌دهد و به طور کلی نسبت به همسرش بی‌رغبت شده و خواسته‌هایش را برآورده نمی‌کند.

۲۷- مدام کابوس می‌بیند. از جمله مواردی که بیمار در خواب می‌بیند عبارتند از: ۱- اژدهاهایی سیاه‌رنگ، ۲- سگ‌ها و گربه‌ها (بی که به او حمله می‌کنند)، ۳- شتر (های افسار گسیخته که به سوی او شتابان در حرکتند و...)، ۴- قبرستان، ۵- زباله دان‌ها، ۶- پرت شدن از ارتفاعی بسیار بلند، ۷- غرق شدن در آب و غیره.

۲۸- سخن گفتن زیاد در اثنای خواب و همچنین صدایی که در اثر برخورد دندان‌ها و اصکاکشان ایجاد می‌شود و آه و ناله کردن شخص در خواب از دیگر علائم بیماری است.

۲۹- احساس می‌کند چیزی سنگین در هنگام خواب بر روی سینه او گذاشته شده است.

۳۰- راه رفتن در اثنای خواب و بیدار شدن مکرر از خواب و همچنین بیدار شدن از خواب در حالیکه ترس وجود او را فرا گرفته از دیگر علائم بیماری به شمار می‌آید که نشان می‌دهد بیمار جن زده است یا از چشم زخم آسیب دیده است.

۲- آسیب‌ها و حالاتی که در اثنای تعویذ در بیمار ظهور می‌یابد:

حالات و آسیب‌هایی که در اثنای تعویذ خواندن توسط راقی در بیمار ظهور می‌یابد عبارتند از:

- ۱- سردرد و تشنج.
- ۲- سینه تنگی (و افسردگی).
- ۳- تحرک و تکان خوردن بیش از اندازه مژه‌ها.
- ۴- بلند فریاد زدن
- ۵- احساس درد در ناحیه شکم و نفخ شکم و همچنین ایجاد صداهای ناهنجار در ناحیه روده‌ها و شکم بیمار.
- ۶- تغییر کردن صدای بیمار و صدور صداهای عجیب و غریب توسط او.
- ۷- ورم کردن یکی از شاهرگ‌های گردن مریض.^۱
- ۸- غلبه کردن خواب یا چرت بر مریض.
- ۹- خندیدن یا گریه کردن بی‌موقع.
- ۱۰- سرگیجه، حالت تهوع و استفراغ چیزهای غیرطبیعی در اشکال و رنگ‌های مختلف.
- ۱۱- سردرد شدید.
- ۱۲- احساس سنگینی از اطراف خویش و (در نهایت) بیهوشی و همچنین تب بسیار یا سرد شدن بیش از حد بدن.
- ۱۳- احساس اینکه انگار چیزی به سرعت از کنار او می‌گذرد.
- ۱۴- احساس انواع درد در قسمت‌های مختلف بدن به نحوی که انگار درد در بدن او جا به جا می‌شود.

۱- منظور رگی است که حیات انسان به آن بستگی دارد و هنگام خشم و غضب این رگ‌ها در زیر گردن قابل مشاهده می‌باشد. در زبان عربی این رگ‌ها را (ودج) (و دجان) گویند.

- ۱۵- تکان خوردن برخی از اعضای او (بدون اراده).
- ۱۶- زیاده گشتن بلغم (در دهان و گلو).
- ۱۷- انحراف ظاهری در چشم (و کم شدن بینایی).
- ۱۸- بیهوده سخن گفتن (و گفتن چیزهایی که از ذهن فعال و دانا سرچشمه نگرفته است).
- ۱۹- زیاده عرق کردن به خصوص در ناحیه پشت.
- ۲۰- خون بینی شدن ناگهانی که عواملی چون سرماخوردگی و غیره عامل آن نباشد.
- ۲۱- خمیازه‌های مداوم یا آه سرد کشیدن.
- ۲۲- خارش یا سرخ شدن پوست و یا ظاهر شدن دانه‌هایی روی پوست.
- ۲۳- احساس ناراحتی شدید و بی‌طاقتی در اثنای تعویذ و رغبت نداشتن به تکمیل شدن تعویذ.
- ۲۴- لرزش شدید در سایر قسمت‌های بدن.
- ۲۵- تنگی نفس (به نحوی که نفس کشیدن به سختی و با صدایی بلند انجام گیرد) و از هوش رفتن.
- ۲۶- سیاه شدن چهره و شاداب شدن و سفیدی آن پس از اینکه مریض استفراغ کرد.
- ۲۷- تراوش بویی بسیار کریه و ناخوشایند از معده و دهان.
- ۲۸- طپش شدید دل و زیاد شدن آن در اثنای تعویذ.
- ۲۹- خیره شدن یا بسته شدن چشم‌های بیمار.
- ۳۰- احساس تلخی در دهان به هنگام نوشیدن آبی که بر آن آیاتی از قرآن خوانده شده است.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین